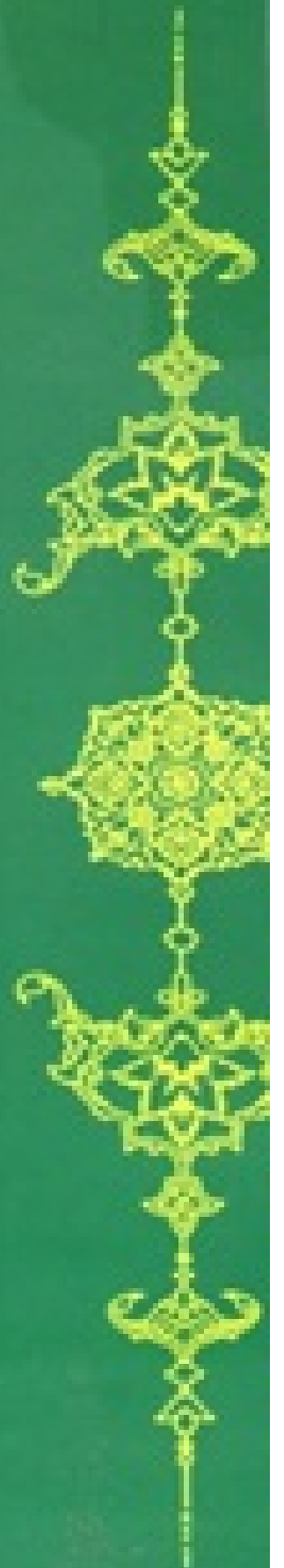


ولایت علیؑ

در قرآن کریم و سنت پیامبرؐ

سید مرتضیٰ عسکری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله: در پاسخ به نوشته شیخ ابوسلمان عبدالمنعم بلوچ (چرا ولایت علی در قرآن نیست)

نویسنده:

مرتضی عسکری

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
ولایت علی علیه‌السلام در قرآن کریم و سنت پیامبر صلی‌الله علیه و آله: در پاسخ به نوشته شیخ ابوسلمان عبدالمنعم بلوچ (چرا ولایت علی در قرآن نیست)	
مشخصات کتاب	۱۰
[در آمد]	۱۰
مقدمه	۱۱
پاسخ به گفتارهای آقای بلوچ	۱۳
موضوع اول: سنی شدن فردی از شیعه	۱۳
اشاره	۱۴
جناب آقای ابو سلمان عبد المنعم بلوچ	۱۴
۱- از کشور مغرب	۱۴
اشاره	۱۴
ترجمه نامه	۱۴
۲- از کشور مصر	۱۵
أ- از محقق تاریخ	۱۵
اشاره	۱۵
ترجمه نامه	۱۵
حضرت علامه	۱۵
ب- از یک مؤسسه فرهنگی	۱۶
اشاره	۱۶
ترجمه نامه	۱۶
ج- نامه مرحوم سعید ایوب، نویسنده و اندیشمند مصری	۱۶
اشاره	۱۶
ترجمه نامه	۱۷

- موضوع دوم: بررسی مباحث امامت و مهدویت ۱۸
- اشاره ۱۸
- گفتار اول ۱۸
- امامت در کتاب خدا و سنت پیامبر علیهم السلام: ۱۸
- اشاره ۱۸
- پیشگفتار اول: ۱۹
- قرآن و سنت پیامبر مکمل یکدیگرند. ۱۹
- پیشگفتار دوم ۲۰
- پیشگفتار سوم: ۲۳
- اهتمام رسول خدا صلی الله علیه و اله به موضوع تعیین ولی امر پس از خود. ۲۳
- بحث تعیین وصی پیامبر و امام امت پس از پیامبر صلی الله علیه و اله و امامت علی علیه السلام در قرآن از کتب مکتب خلفا ۲۵
- یکم: در سال سوم بعثت ۲۵
- دوم: در غزوه تبوک ۲۷
- اشاره ۲۷
- تفصیل این داستان: ۲۷
- حاملان علوم پیغمبر صلی الله علیه و اله ۲۹
- سوم: در غدیر خم ۳۱
- اشاره ۳۱
- تاجی که رسول خدا صلی الله علیه و اله در آن روز بر سر امام نهاد: ۳۴
- روایات صحیحه مکتب خلفا در دوازده وصی داشتن پیامبر خاتم صلی الله علیه و اله و نص صریح پیامبر صلی الله علیه و اله بر تعداد امامان علیه السلام
- اشاره ۳۵
- ۱- روایاتی که امامت عموم اهل البیت را اثبات می‌کند ۳۵
- اشاره ۳۵
- حدیث ثقلین: ۳۵

- ۲- روایاتی که در آن عدد امامان تعیین شده است: ۳۷
- اشاره ۳۷
- امامان دوازده‌گانه در تورات ۳۹
- فشرده احادیث گذشته: ۴۱
- حیرت علما در تفسیر این حدیث ۴۲
- اسامی دوازده نفر در مکتب خلفا ۴۶
- معرفی امامان دوازده‌گانه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و اله ۴۷
- امام اول: امیر المؤمنین علی علیه السلام ۴۷
- امام دوم: حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام ۴۸
- امام سوم: حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام ۴۸
- امام چهارم: علی بن الحسین علیه السلام ۴۸
- امام پنجم: محمد بن علی علیه السلام ۴۸
- امام ششم: جعفر بن محمد علیه السلام ۴۹
- امام هفتم: موسی بن جعفر علیه السلام ۴۹
- امام هشتم: علی بن موسی علیه السلام ۴۹
- امام نهم: محمد بن علی علیه السلام ۵۰
- امام دهم: علی بن محمد علیه السلام ۵۰
- امام یازدهم: حسن بن علی علیه السلام ۵۰
- امام دوازدهم: حضرت حجت بن الحسن - عجل الله فرجه ۵۱
- تنبيه و توضیح مهم! ۵۱
- مفهوم حقیقی این روایات: ۵۱
- چگونه و چرا این احادیث از تحریف مصون مانده‌اند؟ ۵۲
- پاسخ گفتار دوم آقای بلوچ ۵۳
- اشاره ۵۳

۵۴	الف: در قرآن کریم
۵۴	مهدی علیه السلام همانم رسول خدا صلی الله علیه و اله است.
۵۵	مهدی از اهل البیت علیهم السلام است.
۵۵	مهدی از فرزندان فاطمه علیها السلام است.
۵۵	مهدی از فرزندان حسین علیه السلام است.
۶۶	پاسخ گفتار سوم آقای بلوچ
۶۶	اشاره
۶۷	یکم: پیامبر شریعت اسلام را به اوصیاء خود تبلیغ فرماید.
۶۷	اشاره
۶۷	الف- مجالس تعلیم منظم
۶۸	ب- مجالس تعلیم و دیدارهای نامنظم امام با رسول خدا:
۷۰	پیامبر صلی الله علیه و اله دستور می‌دهد که اولین وصیتش برای دیگر اوصیاء بنویسد.
۷۰	دو نوع تبلیغ
۷۱	آخرین جلسه تعلیم
۷۲	دوم: اوصیاء پیامبر، آن شریعت را بین مسلمانان در قرنهای بعد نشر کردند:
۷۲	داستان جامعه یا کتاب امام علی:
۷۳	کتابهای امام علی علیه السلام در دست ائمه اهل البیت علیهم السلام
۷۳	مواریث امامت حسن و امام حسین و امام سجاد علیهم السلام
۷۵	مواریث امامت امام محمد باقر علیه السلام
۷۵	مواریث امامت امام صادق علیه السلام
۷۶	مواریث امام موسی بن جعفر علیه السلام
۷۶	مواریث امام رضا علیه السلام
۷۶	امامان مکتب اهل البیت به «جامعه» مراجعه می‌کنند.
۸۰	فهرست

۸۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله: در پاسخ به نوشته شیخ ابوسلمان عبدالمنعم بلوچ (چرا ولایت علی در قرآن نیست)

مشخصات کتاب

سرشناسه: عسکری، سیدمرتضی، ۱۲۹۳ - ۱۳۸۶.

عنوان و نام پدیدآور: ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله: در پاسخ به نوشته شیخ ابوسلمان عبدالمنعم بلوچ (چرا ولایت علی در قرآن نیست) / مرتضی عسکری.

مشخصات نشر: تهران: منیر، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری: ۱۵۱ ص.: نمونه.

شابک: ۷۵۰۰ ریال: ۹۶۴-۹۵۶۰۱-۹۵-۹؛ ۷۵۰۰ ریال (چاپ سوم)؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ پنجم)؛ ۲۲۰۰۰ ریال (چاپ ششم)

یادداشت: این کتاب پاسخ به کتاب "از علمای شیعه پرسید چرا نام علی در قرآن نیست" از ابوسلمان عبدالمنعم بلوچ است.

یادداشت: چاپ قبلی: دانشکده اصول دین، ۱۳۸۰.

یادداشت: چاپ سال ۱۳۸۲.

یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۸۲.

یادداشت: چاپ پنجم: ۱۳۸۶.

یادداشت: چاپ ششم: ۱۳۸۹.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

عنوان دیگر: پاسخ به نوشته شیخ ابوسلمان عبدالمنعم بلوچ (چرا ولایت علی در قرآن نیست).

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.

موضوع: بلوچ، ابوسلمان عبدالمنعم. از علمای شیعه پرسید چرا نام علی در قرآن نیست - نقد و تفسیر

موضوع: امامت - جنبه‌های قرآنی

موضوع: شیعه امامیه - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

موضوع: امامت - احادیث

شناسه افزوده: بلوچ، ابوسلمان عبدالمنعم. از علمای شیعه پرسید چرا نام علی در قرآن نیست. شرح.

رده بندی کنگره: BP۲۱۲/۵/ب۸الف ۴۰۸۴ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۷

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۱-۱۹۳۸۳

[در آمد]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّمَا وَثَّيْتُكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ سورة مائده، آیه

مقدمه

الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی خاتم انبیائه محمد و اله الطاهرین و السلام علی ازواجه امهات المؤمنین و اصحابه المنتجبین المیامین.

و بعد در پاسخ به جزوه‌ای که آقای ابو سلمان عبد المنعم بلوچ بنام آقای ابو عمر محمد باقر سجودی نشر نموده‌اند و آن جزوه را «از علمای شیعه پرسید چرا نام علی در قرآن نیست» عنوان فرموده‌اند در ابتدا گراور چند صفحه از آن نوشتار را می‌آوریم سپس پاسخ به آن‌ها بحوله تعالی می‌پردازیم.

مرتضی العسکری

ربیع الثانی ۱۴۲۲ هـ

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۷

رونوشت از مقدمه جزوه و نامه عالم سنی شیخ ابو سلمان عبد المنعم بلوچ:

مقدمه

الحمد لله رب العالمین و سلام و درود بر رسول خدا و آل و اصحاب او اهل تشیع هر روز سه بار در اذان با صدای بلند و بر ملاء می‌گویند:

«اشهد ان علیا ولی الله»

«اشهد ان علیا حجه الله»

و مدعی هستند که اذان آنها از طرف خدا و اذان اسلام است

وقتی که این کتاب را مطالعه می‌کنید نکته بالا را همواره به خاطر داشته باشید.

توجه به این نکته کمک شایانی به کشف حقیقت می‌کند.

و در صفحه آخر جزوه آمده است:

«این کتاب را بخوانید»

این کتاب کوچک حاوی گفتاری بزرگ است از یک طرف یکی از معجزات جاوید قرآن کریم را بیان می‌کند از سوی دیگر ناتوانی و بی‌سوادی و عجز

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۸

دانشمندان شیعه را نشان می‌دهد.

امامت نزد اهل تشیع از اصول دین بلکه اصل سوم دین بشمار می‌رود ولی در مقابل این اهمیتی که برای آن قائلند هیچ ذکری و لو اندک در قرآن از امامت نشده و این در حالی است که قرآن از مستحبات و فروع دین صحبت می‌کند و علمای بزرگ شیعه منجمله «آیت الله خمینی» عاجزند علت نادیده گرفته شدن این مسئله در قرآن را به پیروان خود بیان نکنند و جواب این سؤال را بدهند که چرا قرآن کریم از امامت صحبتی نمی‌کند؟!

لطف کتاب در این است که نویسنده ایرانی و خود اول، شیعه مذهب بود و همه فامیل او تاکنون شیعه‌اند و حتی ۳ سال در مدارس تهران تعلیمات دینی و امور تربیتی را تدریس می‌کرده و آخرین شغل او مدیریت مدرسه راهنمایی سلمان فارسی در میدان محسنی تهران بوده است!

اما الله جل جلاله او را هدایت کرد و مذهب باطل را ترک و به اهل سنت و جماعت پیوست و برای عقیده خود مجبور به هجرت از

ایران شد.

این کتاب کوشش مبارکی است برای هدایت ایرانیانی که هنوز از باطل بودن مذهب خود بیخبرند و بر هر شیعه لازم است این کتاب را مطالعه کند و مطالعه آن را به سنی‌ها نیز توصیه می‌کنم. این کتاب را بخوانید.»

ابو سلمان عبد المنعم بلوچ)

و در صفحه ششم آمده است:

«و چنان که قبلاً گفتیم شیعه و سنی در هر چیزی که مربوط به حدیث است با یکدیگر اختلاف دارند اما در قرآن هیچ اختلافی ندارند حالا- ما چون آن پسر باهوش تاجر باید به کمک قرآن که در آن اختلافی نیست احادیث صحیح را از احادیث باطل تشخیص دهیم و خادم اصلی را پیدا کنیم ما یک نشانه داریم یک نشانه پاک، حالا ما می‌توانیم حرفهایی را که به محمد صلی الله علیه و سلم

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۹

نسبت داده شده را با ترازو و محک قرآن بسنجیم و راست را از دروغ تشخیص دهیم.

بیاید قرآن را بخوانیم و ببینیم درباره علی رضی الله عنه چه می‌گوید درباره کسی که اساس و پایه مذهب شیعه بر او بنا شده و می‌گویند او جانشین رسمی پیامبر خاتم و برگزیده از طرف خدا است چند آیه دارد؟! در حدیث البته هزاران سخن به نفع علی و امامت او از طریق علما شیعه روایت شده و ده‌ها حدیث بر ضد ادعای شیعه از طرف اهل سنت روایت شده پس حدیث در مرحله اول درد ما را دوا نمی‌کند علاج در قرآن است بیاید ببینیم که آیا قرآن از علی سخن می‌گوید از امامت صحبتی می‌کند درباره حسن و حسین و مهدی حرف می‌زند؟

این ما و این قرآن.»

و در صفحه نهم آمده است:

«اولاً: اگر به فرض که حرف تو درست باشد در آن صورت همان ایرادی که بر ما می‌گیرید بر مهدی تو وارد است زیرا به خیال تو محمد صلی الله علیه و سلم ۱۲ امام را جانشین خود معرفی کرد. علی شهید گشت حسن جانشین شد بعد از حضرت حسن، حسین جانشین شد تا مهدی اما شما مهدی را ۱۲۰۰ سال پیش غیب کردید و کارخانه اسلام را بدون جانشین رها کردید و حالا در روی کره زمین هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که من از طرف خدا رهبر مردم هستم خوب چرا این کار مهدی را عاقلانه می‌دانید و کار محمد صلی الله علیه و سلم را دور از خرد می‌شمارید؟»

و نیز در پایان جزوه «ص ۴۲» چنین آمده است:

«حرف آخر

من از پدر و مادری شیعه مذهب زاده شدم و در کودکی و جوانی بر آن مذهب بودم و در پای منبر علمای شیعه، فراوان نشستم و کتب زیادی از اهل

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۰

تشیع را مطالعه کردم تا آنکه خدا مرا به برکت قرآن هدایت کرد و مذهب شیعه را رها کردم با توجه به این آشنایی به مذهب شیعه ترسم از این است برخی از علمای شیعه وقتی در مقابل سؤال ما و رسوایی عالم خود- خمینی- راه چاره را بسته دیدند دست به دامان تهمت بزنند و بگویند در کتاب کشف الاسرار آن چیزها نیست یا حتی ممکن است چاپ‌های قدیمی کتاب را جمع کنند و از سر نو بنویسند ما مطمئنیم آنها بهتر از خمینی نمی‌توانند به این سؤال جواب دهند و لو آنکه کتاب کشف الاسرار را صد بار هم بازنویسی کنند ولی با این طرفند، ما را متهم به دروغگویی خواهند کرد تا مردم را از موضوع اصلی دور کنند و چند صباحی دیگر

در گمراهی نگهدارند.

ما از خواننده می‌خواهیم اگر از آنها چنین حيله‌ای دیدند از موضوع اصلی دور نشوند و مصرانه جواب این سؤال را از آنها بخواهند.

چرا نام حضرت علی در قرآن نیست؟

چرا موضوع امامت در قرآن مطرح نیست؟

پایان مطالب برگزیده از جزوه مورد نقد.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۱

پاسخ به گفتارهای آقای بلوچ

در این نوشتار چند موضوع مطرح شده است که می‌بایست بررسی شود:

موضوع اول: ابو عمر محمد باقر سجودی جوانی شیعه بوده است و اکنون سنی شده است.

موضوع دوم: ایشان جزوه‌ای نشر کرده و در آن جزوه دو امر ذیل را مطرح نموده است:

گفتار اول

در صفحه هشتم آمده است:

الف: از علمای شیعه پرسید چرا نام حضرت علی در قرآن نیست؟

و آن جزوه را به همین نام نشر نموده است.

و در صفحه پشت جلد آمده:

اهل تشیع هر روز سه بار در اذان با صدای بلند و بر ملامی گویند: «اشهد ان

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۲

علیا ولی الله» «اشهد ان علیا حجه الله» و مدعی هستند که اذان آنها از طرف خدا و اذان اسلام است.

در صفحه هفتم جزوه آمده است:

ب: ذکری از امامت و امامت حضرت علی علیه السلام در قرآن نیست.

گفتار دوم:

در صفحه نهم آمده است:

الف: «جانشین پیامبر (۱۲ امام) ایراد بر شما وارد است که می‌گویند: پیامبر علی را جانشین خود کرد و پس از او یازده فرزندش.»

ب: «شما مهدی را ۱۲۰۰ سال پیش غیب کردید و کارخانه اسلام را بدون جانشین رها کردید و حالا در روی کره زمین هیچ کس

نمی‌تواند ادعا کند که من از طرف خدا رهبر مردم هستم.»

گفتار سوم:

در صفحه هفتم آمده است:

می‌گویم اگر به راستی حضرت علی جانشین پیغمبر می‌بود اگر امامت از اصول دین باشد اگر علی معصوم و از ابراهیم بالاتر باشد و

بالاخره اگر ائمه مصدر قانون‌گذاری در اسلام باشند.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۳

موضوع اول: سنی شدن فردی از شیعه

اشاره

ابو عمر محمد باقر سجودی جوانی شیعه بوده است و اکنون سنی شده است. پاسخ به گفتارهایی که ابو سلمان عبد المنعم بلوچ به یک جوان بی تجربه شیعه نسبت داده‌اند.

جناب آقای ابو سلمان عبد المنعم بلوچ

اینکه نوشته‌اید: جوان بی تجربه شیعه‌ای در ایران گفته است: من شیعه بودم و سنی شده‌ام، در پاسخ به این گفتار شما می‌گوییم: اولاً- آیا این جوان به یک عالم شیعه مراجعه کرده! و پاسخ کافی نشنیده است؟ ثانیاً- چنانچه شما به کار و گفتار این جوان بی تجربه استناد می‌نمایید در مقابل باید بگوییم: بسیاری از علماء و استادان دانشگاههای مصر و سودان و مغرب و الجزایر و دیگر کشورها با خواندن کتابهای این بنده ضعیف خدا، شیعه شده‌اند و نامه‌ها به این جانب نوشته‌اند «۱» که توجه شما را به چند نمونه آن، جلب می‌نمایم.

(۱)- خود این داستان سبب شد که ان شاء الله تعالی این نامه‌ها را علی حده چاپ و نشر کنیم. ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۴

۱- از کشور مغرب

اشاره

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۵

ترجمه نامه

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس پروردگار جهانیان و آفریدگار همه هستی و آدمیان و درود و ستایش بر سرور محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش و بر همه اصحاب و پیروان نیکوکار ایشان تا روز بازپسین باد.

و سپس درود و سلام بر سرورمان شیخ الاسلام «مرتضی عسکری» با رحمت و برکات خداوندی بر او باد.

من در گذشته از جمله کسانی بودم که با حساسیت و توهم و تنفر و انزجار از کلمه (شیعه) بار آمده از ایشان گریزان بودم، و همه افکارم را این نغمه شوم طوطی صفتانه پر کرده بود که شیعه فرقه‌ای است گمراه، قرآن را تحریف کرده، نامداران و برجسته‌گان صحابه پیامبر خاتم را به تزویر و بهتان متهم می‌کنند، و اراجیف و چرندهائی را بهم می‌بافند که به خاطر هیچ آفریده‌ای نمی‌رسد و با هیچ حسابی درست در نمی‌آید!

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۶

به جای همه اینها کافی است بگوییم که با کمال تأسف کتاب «احسان الهی» را بنام «الشیعه و السنه» مطالعه کرده و باورم شده بود که گفتار این مرد محکم‌ترین دلایل، و سخنانش سرآمد همه سخنان می‌باشد. تا اینکه خدای تعالی خواست بطور تصادفی به کتاب شگفتی‌آفرین و تحسین برانگیز شما- معالم المدرستین- جلد اول دست یابم که با دقت و حوصله‌ای خاص نوشته‌های آن را تا به

آخر از نظر گذرانیدم. اینک از اعماق وجودم فریاد سپاس برمی آورم که «خدایت زنده بدارد ای بزرگ مرد!». سوگند به خدای علی عظیم که من اکنون عاشق و دوستدار اهل بیت و شیعیان ایشانم. نام و یاد آنها را فریاد کرده، و به اهدافشان ارج می نهم و از خدا می خواهم که ما را در روز قیامت با آنان محشور گرداند. سرور من اکنون اجازه دهید جسارت کرده و از شما بخواهم مرا در زمره شاگردان خود بپذیرید زیرا شما تنها از آن خودتان نیستید، بلکه به همه دوست دارانتان تعلق دارید. و السلام

الدار البيضاء - المغرب

(امضاء محفوظ)

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۷

۲- از کشور مصر

أ- از محقق تاریخ

اشاره

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۸

ترجمه نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

علامه بزرگوار آقای سید مرتضی عسکری - دام ظلّه -

درود و رحمت و برکات الهی نثاران باد.

این سخن را برای شما ارسال می کنم و امید دارم در حالی به دست شما رسد که در صحت کامل باشید و بانشاطی کامل در خدمت آل البيت فعالیت خود را داشته باشید. فوت آیت الله محمد مهدی شمس الدین را به شما تعزیت گفته که خدایش او را بیامرزد و با محمد و آل محمد و کسانی که در راه آنان اند محشورش فرماید.

خداوند توفیقم داد تا کتاب ارزشمند «معالم المدرستین» شما را بخوانم همچنان که وصف کتاب دیگر شما «عبد الله بن سبأ» را هم زیاد شنیده ام و همچنین کتاب «صد و پنجاه صحابی ساختگی» شما را حقیقتی را لازم است معروض محضرتان دارم که کتاب «معالم المدرستین» شما در تشیع من سهم وافری داشت همچنان که در اعتقاد افراد زیادی از مصریان به مکتب اهل البيت سهم دارد.

و

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۹

همچنین مطالبی که از کتابهای دوم و سوم شما را استفاده کردم پایگاه اعتقادی ما را محکم نمود که مرتب از جانب دشمنان به سبب این اتهام که تشیع به عبد الله سبأ منسوب است مورد طعن و ایراد واقع می شدیم. خداوند عمرتان را دوام بخشد.

حضرت علامه

به من اجازه دهید تا جرأت پیدا کنم و از شما درخواست کنم که:

۱- دو نسخه از کتاب «عبد الله بن سبأ» برایم مرحمت کنید واقع را بخواهید یک نسخه را برای ... استاد تاریخ در دانشگاه «عین شمس» می‌خواهیم.

این دانشگاه یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های مصر می‌باشد. این استاد درباره عبد الله بن سبا چند جلسه بحث داشته به همان نتیجه ای که شما رسیده‌اید دست یافته است. لذا خواستم ایشان با بحثی که شما فرموده‌اید آشنا شود.

۲- کتاب دیگرتان «صد و پنجاه صحابی ساختگی».

۳- درخواست دارم این کتابها را به امضاء شریف خود زینت بخشید سخنم را به این سخن تمام می‌کنم که از حضرت عالی در خواست کنم ما را مشمول دعای صالح خود گردانید.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

(امضاء محفوظ)

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۲۰

ب- از یک مؤسسه فرهنگی

اشاره

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۲۱

ترجمه نامه

آقای بزرگوار سید مرتضی عسکری

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته

اگر برای ما این برتری باشد که در راه مکتب اهل بیت می‌کوشیم چنانکه حضرتعالی می‌فرمائید پس برای شخصیتی چون شما برتری روشن کردن راه درست در پیش روی ما و میلیون‌ها انسانی که به راه راست هدایت یافته‌اند می‌باشد و این به خاطر کتاب‌های ارزشمند شما است که از چشمان خواننده راهی به عقل او باز کند که هر مخالفی را وامی‌دارد تا در دریافتهای خود تجدید نظر کند و به اسلام واقعی توجه نماید.

خدا به شما بهترین خیر و پاداش را نصیب فرماید و عمر شما را برای ما طولانی گرداند تا باران رحمت دانش شما بر هدایت‌یافتگان به مکتب اهل بیت ببارد و مردم با دین درست آشنا شوند.

امضاء محفوظ

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۲۲

ج- نامه مرحوم سعید ایوب، نویسنده و اندیشمند مصری

اشاره

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۲۳

ترجمه نامه

پیشگاه مقدس دانشمند گرانمایه، علامه سید مرتضی عسکری سلام علیکم و رحمه الله و برکاته

این نامه را به خدمتتان می‌نویسم تا سپاس قلبی خودم را از اقدامتان در گشودن چنین راه جالب و زیبایی در مسیر بحث و تحقیق علمی به خدمتتان تقدیم دارم. راهی که چه بسیار اشخاص جستجوگر حقیقت را با موانعی روبرو می‌کند که خواب را از چشم، و افکار را مغشوش، و دل را چرکین می‌سازد.

سرور من! من عمری را در پی کسب حقیقت، و شناخت برخی از ریزه کاریها و دقایق اموری بودم که در پرتو آن بتوان مردم را به راه خدا کشانید، و در این مسیر عمر گرانمایه را در مطالعه کتابهای تاریخ به باد دادم، تا شاید مختصات آنهایی که چراغ هدایت را پیشروی مردمان می‌دارند بشناسم، ولی با کمال تأسف در بیشتر آنها چیزی را که مایه اطمینان خاطر و پسند عقل، و آرامش بخش دل

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۲۴

باشد نیافتم.

اما برعکس خود را در برابر جرائم متعددی یافتم که به کمتر از شصت سال بعد از وفات پیامبر خدا صلی الله علیه و اله به وقوع پیوسته است! من در برابر این همه جرائم خود را حیرت‌زده در برابر نصوصی یافتم که دست تعدی و تجاوز حذف و اضافه، تغییر و تبدیل، چهره واقعی آنها را مسخ کرده است. و بالاخره در این سیر و گذار و پرسجوهایم به کتابهای شما، و سرآمد همه آنها کتاب معالم المدرستین، و عبد الله ابن سبا، و أحادیث أم المؤمنین عایشه و غیره دست یافتم، کتابهایی که پیشروی خواهان حق و حقیقت مطالب را می‌شکافد، تا راه رسیدن به آن، برایش آسان و میسر گردد. اینجا بود که کتابهای شما، حقایقی را که در کوره راههای دراز و پردردسر مباحث در پی آن بودم، برایم روشن و آشکار گردانید، و لطف خداوندی در این مورد بر من بسیار عظیم و بزرگ است. من خود را در دایره‌ای یافتم که جز آب صاف و پاک چیز دیگری در آن وجود نداشت، اما به خاطر ورود ما در این دایره «تشیع» انواع شکنجه‌ها متوجه ما گردید، انسان که داغ بر پوست بدن ما گذاردن، اما با این همه ما چنین داغی را بجان پذیرا شدیم، و خداوند بر همه که خواهد تواناست «۱».

سرور من! با اینکه حق را یافته‌ایم، اما غم و اندوه ما هنوز پایان نیافته، زیرا که ما بر دوشهای خود ناراحتیهای کسانی را که در نیمه‌های راه و بدنبال حقیقتند احساس می‌کنیم. چه آنها کتابهای مختلفی

(۱) - این دانشمند اسلامی پس از شیعه شدن دو سال در زندانها شکنجه دیده است و در تشیع پایدار مانده است و این گفتار اشاره به آنست.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۲۵

را در اختیار ندارند تا حق را بیابند و روزنه‌ای را که در جهان بحث و تحقیق و تفکر در پرتو آن بگردش درآیند، در حالی که مؤسسات فراوان مختلفی وجود دارند که پیشروی راه حق و حقیقت قرار گرفته مانع آن می‌شوند که تا در ژرفای امت نفوذ کند. و از آنجا که رفتار چنان مؤسساتی را جز با علم به مثل همسنگ با آن نمی‌توان پاسخ گفت، امیدواریم که شما سنگ بنای یک مؤسسه بزرگ اسلامی را بدست خود بگذارید، تا اندیشمندان به گرد آن درآیند، و تحقیقات خود را در آنجا عرضه کنند و کتابهای مورد نیاز خود را نیز از آنجا به عاریه بگیرند، و علاوه بر آن، فرزندان این امت را علوم سودمند بیاموزد، تا سعادت دنیایشان را همپای کمال اخروی آنها تأمین کرده باشد.

سرور من! من می‌دانم که خواسته‌هایم در این حد بر شما سخت سنگین است، اما معذوریم که شما پدر ما، و استاد و راهنمای ما در راه جستجوی حقیقت می‌باشید. و پدر را شیرین‌تر از آن نیست که خواسته‌های پاره جگر و شاگردانش را برآورده سازد. با توجه به اینکه ما اطلاع یافته‌ایم که شما پیش از این، دانشکده اصول الدین را به خاطر تعلیم عقاید و علوم قرآنی در بغداد تأسیس کرده، همچنین دانشکده فقه را برای تدریس فقه مکتب اهل البیت علیهم السلام.

اینست که ما نیز آرزو مندیم که چنین مرکزی در محلی باشد که صاحب نظران در آنجا با خیالی آرام بکار پردازند و هدف تیرهای تهمت دشمنان هم قرار نگیرند، جایی که آنها را به مزدوری بیگانگان متهم ن سازند، اتهاماتی که به ناروا و از راه دشمنی و جلو ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۲۶

گیری از راه خدا بر سران و پیشوایان ما وارد ساخته‌اند، و بهتر آن بینیم که به خاطر نزدیکی آن به کشور ما، بیروت باشد. و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

سعید ایوب

نویسنده و مفکر اسلامی

قاهره - حدائق القبه - شارع جمیل عبد اللطیف / ۳

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۲۷

موضوع دوم: بررسی مباحث امامت و مهدویت

اشاره

آقای ابو سلمان بلوچ بنام ابو عمر سجودی جزوه‌ای نشر کرده‌اند و در آن جزوه دو گفتار ذیل را مطرح نموده‌اند:

گفتار اول

در اول جزوه آمده است:

از علمای شیعه پرسید چرا نام حضرت علی در قرآن نیست؟

در صفحه پایان این جزوه آمده است: چرا موضوع امامت در قرآن مطرح نیست؟

و نیز در اول این جزوه آمده است:

در حدیث البته هزاران سخن بنفع علی و امامت او از طریق علمای شیعه روایت شده و دهها حدیث بر ضد ادعای شیعه از طرف اهل

سنت روایت شده، پس حدیث در مرحله اول درد ما را دوا نمی‌کند علاج در قرآن است ...

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۲۸

در ابتدای این بحث معنی امامت را بررسی می‌نمائیم سپس به حوله تعالی پاسخ این سؤال را بیان می‌نمائیم:

امامت در کتاب خدا و سنت پیامبر علیهم السلام:

اشاره

امام در لغت عرب به معنی پیشوا می‌باشد و هیچ جامعه بشری نمی‌تواند بی‌پیشوا باشد، بنابراین می‌بایست درباره این بحث شود که

پیشوایان جامعه‌های بشری را چه کسی باید تعیین کند؟ باری تعالی یا خود جامعه‌های بشری؟!

در این باره خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿۱﴾

و آن هنگامی که پروردگار ابراهیم را به کلماتی - فرمایشاتی - آزمود حضرت ابراهیم از عهده آن آزمایش‌ها برآمد خداوند به او فرمود من تو را پیشوا و امام مردم قرار دادم ابراهیم عرض کرد: از آن فرزندان و دودمان من از این پیمان (پیشوای) بهره‌ای می‌رسد؟ خداوند در پاسخ حضرت ابراهیم چنین فرمود: پیمان من بظالمان و به ستمکاران نمی‌رسد.

بنابراین فرمایش پروردگار؛ خداوند برای مردم امام معین فرموده؛ و آن امام باید از گناه معصوم باشد و آن نیز امامی که خداوند برای مردم تعیین می‌کند گاه رسول صاحب شریعت است مانند

(۱) - البقره/ ۱۲۴.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۲۹

حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم و گاه وصی آن پیامبران صاحب شرایع می‌باشند مانند سام فرزند نوح و الیسع وصی حضرت موسی و قبل از آنها هبه الله یا شیث وصی حضرت آدم که نام بعضی از آنها در قرآن آمده و بعضی نامشان در قرآن نیامده است و ذکر نشدن نام وصی در قرآن دلالت بر وصی نبودن او نمی‌باشد. آنچه لازم است اینست که هر پیامبری وصی بعد از خود را به پیروان خود معرفی می‌کند، که به روشنی وصی پیامبر خاتم در قرآن کریم و سنت پیامبر هم بیان شده است.

*** پس از بیان مقدمه فوق الذکر در پاسخ به سؤال (چرا موضوع امامت در قرآن مطرح نیست) می‌پردازیم.

در پاسخ به این سؤال نیازمند بیان دو پیشگفتار ذیل هستیم:

پیشگفتار اول:

قرآن و سنت پیامبر مکمل یکدیگرند.

ریشه تمامی اصول عقاید و احکام، و دیگر معارف و علوم اسلامی در قرآن است، و شرح و تفسیر، و شکل و نحوه عمل به آن در قالب گفتار و رفتار پیامبر خاتم اسلام مشخص و معین گردیده که به آن حدیث و سیره رسول اکرم می‌گویند. از این رو است که خداوند فرمانبرداری از پیامبرش را همانند اطاعت از خود دانسته و فرموده است:

أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ* وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ* وَ

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۳۰

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ* وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ* ﴿۱﴾

«فرمانبردار خدا و رسولش باشید».

و سرپیچی از فرمان پیامبر خاتم را به منزله سرپیچی از دستورات خود دانسته و فرموده است:

وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ ﴿۲﴾ وَ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ. ﴿۳﴾

«و هر کس از فرمان خدا و پیامبرش سر به پیچد، او را آتش جهنم پاداش است».

و در برابر مقررات و فرامینی که خدا و پیغمبرش وضع کرده‌اند، اختیار را از مؤمنین سلب کرده و فرموده است:

وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُمْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا.

(۴)

«هیچ مرد و زن مؤمنی را - اجازه‌ای - نیست هنگامی که خدا و پیغمبرش امری را مقرر داشتند، در کارشان خودسر باشند، و هر کس از فرمان خدا و رسولش سر به پیچد، بی‌شک به گمراهی آشکاری افتاده است.»
خداوند پیامبر خاتم را در گفتار و رفتارش حجت خود بر خلق قرار داده، او را پیشوای امت تعیین، و مقرر داشته است تا از او

(۱) - سوره انفال آیه ۱، ۲۰ و ۴۶، و مجادله آیه ۱۳ و نیز آیه ۳۲ و ۱۳۲ آل عمران، ۵۹ نساء، ۹۲ مائده، و ۵۴ نور، ۳۳ محمد، ۱۲ تغابن، ۵۶ نور.

(۲) - آیه ۲۳ جن، و نیز، ۱۴ نساء، ۳۶ احزاب.

(۳) - الشعراء / ۲۱۶.

(۴) - سوره احزاب؛ آیه ۳۶

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۳۱

پیروی کنند، همچنان که می‌فرماید:

وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا. «۱»

«آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید.»

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ، فَاتَّبِعُونِي ... «۲»

«بگو، اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید.»

و در جای دیگر می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ... «۳»

«بی‌شک پیامبر خدا نمونه و الگوی نیکویی برای شما است.»

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى «۴»

«و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.»

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ «۵»

و اگر چیزی را به دروغ به ما نسبت دهد. دست راستش را می‌گیریم. سپس رگ حیاتش را قطع می‌کنیم.

پیشگفتار دوم

خبر دادن پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله از کسانی که خواهند آمد و خواهند گفت

(۱) - سوره الحشر / ۷.

(۲) - سوره آل عمران؛ آیه ۳۱

(۳) - سوره احزاب؛ آیه ۲۱

(۴) - النجم / ۳-۴

(۵) - الحاقه / ۴۴-۴۶.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۳۲

تنها از قرآن برای ما بگویند و اصولاً به حدیث پیامبر اعتنا نمی‌کنند.

آنچه در گفتار اول گذشت همه کلام خدا در این باره بود:

«حجیت گفتار و رفتار پیامبر در کنار قرآن»

پیامبر اسلام نیز سخنانی در همین زمینه فرمودند که به برخی از آنها که در کتاب‌های (صحاح و معتبر) مکتب خلفا آمده است بشرح زیر بیان می‌کنیم:

۱- در «سنن» ترمذی، و ابن ماجه، و دارمی، و «مسند» احمد، و همچنین «سنن» ابو داود در باب «لزوم السنه»، از کتاب السنه» چنین آمده است:

از «مقدام بن معدی کرب» (۱) روایت شده است که رسول خدا فرمود:

این را بدانید که بر من قرآن نازل شده و به همراه آن همانندش سنت، آگاه باشید که دور نیست مردی که شکمش سیر شده راحت بر جایگاه خود تکیه داده بگوید: تنها قرآن را دریابید، و هرچه را که در آن حلال دیدید حلالش بدانید و آنچه را که حرام یافتید حرام و ناروایش بشمارید.

در «سنن» ترمذی حدیث مزبور چنین ادامه می‌یابد:

درحالی که بی گمان هرچه را که رسول خدا حرام کرده است، مثل آن است که خدا حرام فرموده است.

(۱) - مقدام بن معدی کرب کندی، به همراه دیگر نمایندگان کنده بخدمت رسول خدا رسیده است. مقدام ۴۷ حدیث از رسول خدا روایت کرده که تمامی آنها را اصحاب صحاح و سنن، بجز مسلم نقل کرده‌اند. مقدام در سرزمین شام در سال ۸۷ هجری و بسن ۹۱ سالگی بدرود حیات گفته است. «اسد الغابه» (۴/ ۴۱۱)، «جوامع السیره» ص ۲۸۰، «تقریب التهذیب» (۲/ ۲۷۲) ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۳۳ و در «سنن» ابن ماجه آخر کلام فوق چنین آمده است: همانند حرام خدا است.

در «مسند» احمد بن حنبل از مقدام بن معدی کرب روایت شده است که:

رسول خدا در جنگ خیبر چیزهایی را حرام کرده سپس فرمود: دور نیست که بعضی از شما در مقام تکذیب من برآمده درحالی که راحت بر بالش خود تکیه داده است حدیث مرا بر او بخوانند و او بگوید: میان ما و شما کتاب خدا وجود دارد، آنچه را که در آن حلال یافتیم روایش خواهیم دانست، و هرچه را که حرام دیدیم حرامش خواهیم شمرد. آگاه باشید که آنچه را که پیامبر خدا حرام کرده، مثل این است که خدا حرام فرموده است.

۲- در «سنن» ترمذی، و ابن ماجه، و «مسند» احمد، و نیز «سنن» ابو داود از قول «عبید الله بن ابی رافع» (۱) از پدرش آمده است که رسول خدا فرمود:

آگاه باشید، نبینم یکی از شما را خوش بر مسند خویش تکیه داده، امری را که من به انجام آن دستور داده یا از آن نهی نموده‌ام بر او عرضه کنند و او بگوید: نمی‌دانم! من آنچه را که در کتاب خدا ببینم عمل می‌کنم!!

(۱) - عبید الله ابو رافع فرزند «ابو رافع» آزاد کرده رسول خدا است. عبید الله کتابت دیوان امیر المؤمنین علیه السلام را به عهده داشت. او از ثقات محدثین طبقه سوم بحساب می‌آید و احادیث او را تمام نویسندگان کتابهای حدیث ثبت کرده‌اند. تقریب التهذیب ۱/ ۵۳۲ شماره ۱۴۴۱

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۳۴

جمله آخر حدیث بالا در «مسند» احمد چنین آمده است:

من این را در کتاب خدا ندیده‌ام!!

۳- در «سنن» ابو داود، «کتاب خراج باب تعشیر اهل ذمه» از قول «عرباض بن ساریه» (۱) آمده است که گفت:

ما با پیامبر خاتم وارد خیبر شدیم، درحالی که چند نفر از اصحاب، رسول خدا را همراهی می‌کردند، رئیس خیبریان که مردی سخت خشن و عصبانی به نظر می‌رسید قدم پیش گذاشت و گستاخانه به رسول خدا گفت:

ای محمد! این درست است که حیوانات ما را بکشید، و میوه‌های ما را بخورید و زنان ما را آزار برسانید؟!

پیامبر خدا از این موضوع سخت خشمگین شد، پس روی به «عبد الرحمن عوف» کرده فرمود:

بر اسب سوار شو، و در میان مردم فریاد برآور که «بهشت جز به مؤمنان روا نباشد» و بگو که مردم برای ادای نماز جمع شوند. عرباض می‌گوید:

مردم از گوشه و کنار برای ادای نماز و شنیدن سخنان پیامبر خاتم جمع شدند و با رسول خدا نماز گزار شدند. سپس پیامبر خدا برخاست و چنین فرمود: آیا بعضی از شما، درحالی که راحت بر بالش خود تکیه داده است می‌پندارد که خداوند چیزی را حرام

نکرده است، مگر آنچه را که در قرآن است؟!

(۱)- ابو نجیح، عرباض بن ساریه سلمی، از رسول خدا ۳۱ حدیث روایت کرده و اصحاب صحاح بجز «بخاری و مسلم» همه آنها را نقل کرده‌اند. عرباض در سال ۷۵ هجری یافته ابن زبیر رخت از جهان بر بسته است. «اسد الغابه» ۳/ ۳۹۹. «جامع السیره» ص ۲۸۱، «تقریب التهذیب» ۱۷/۲.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۳۵

آگاه باشید که من شما را پند داده و به انجام اموری امر، و از کارهایی نهی کرده‌ام که همه آنها به منزله قرآن است یا بیشتر از آن (اهمیت داشته لازم الاجراست) خداوند برای شما حلال نکرده است که بدون اجازه و موافقت اهل کتاب به خانه آنها وارد شوید، یا زنانشان را آزار رسانید، و یا از میوه‌هایشان بخورید، وقتی که آنها آنچه را که بر عهده داشته‌اند انجام داده باشند.

۴- در «مسند» احمد بن حنبل از قول ابو هریره (۱) آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:

نه بینم یکی از شما را که چون حدیث و سخن مرا بر او عرضه نمایند، او راحت بر جایگاه خود تکیه داده بگوید: در این مورد از قرآن برایم بخوانید!!

در مقدمه «سنن» دارمی از حسان بن ثابت انصاری (۲) روایت شده

(۱)- ابو هریره قحطانی دوسی مکنی به ابو هریره «گره باز» و این لقب را از آن روی بدست آورده که گره‌ای دست آموز داشته، و یا اینکه چون بخدمت رسول خدا رسیده گره دست آموز خود را در آستین خویش پنهان کرده بود، و آن حضرت به او «ابو هریره» خطاب کرده بود. ابو هریره در جنگ خیبر به خدمت رسول خدا رسید و اسلام آورد او از رسول خدا ۵۳۷۴ حدیث روایت کرده است و عموم اصحاب حدیث آنها را نقل کرده‌اند «اسد الغابه» ۵/ ۳۱۵، «جامع السیره» ص ۲۷۵ «عبد الله بن سبأ» ۱/ ۱۶۰ چاپ افس ۹۳ ه ق.

(۲)- ابو عبد الرحمن یا ابو الولید، حسان بن ثابت انصاری خزرجی شاعر رسول خدا که در مسجد به ذکر مناقب آن حضرت می‌پرداخت و رسول خدا در حقش فرموده است «خداوند حسان را تا زمانی که از پیامبرش دفاع می‌کند به روح القدس تأیید

می‌فرماید: «حسان از مردان ترسوی روزگار خود بود که بر اثر آن در هیچیک از غزوات پیامبر خاتم شرکت نکرد. رسول خدا تنها یک حدیث روایت کرده است که بجز «ترمذی» دیگران آن را نقل کرده‌اند. حسان در سال ۴۰ تا ۵۰ و یا ۵۴ هجری و به- ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۳۶ است که گفت:

«کان جبریل ينزل علی رسول الله بالسنة كما ينزل علیه بالقرآن»

همان طور که جبرئیل قرآن را بر پیامبر خاتم نازل می‌کرد، سنت را هم بر آن حضرت فرود می‌آورد.

این موارد نمونه‌هایی از آیات قرآنی و احادیث نبوی است که مسلمین را امر به تبعیت از رسول خدا و سنت پاکش نموده از مخالفت با آن حضرت نهی می‌نماید، و کسانی را که به دلیل تمسک به قرآن، سنت را زیر پا گذاشته و به آن اعتنایی نمی‌کنند شدیداً سرزنش کرده و مورد عتاب خود قرار می‌دهد.

گذشته از اینها، اساساً نمی‌توان اسلام را تنها از خلال آیات قرآن، و بدون مراجعه به سنت پیامبر صلی الله علیه و اله فرا گرفت. مثالی چند حقیقت موضوع را روشن می‌سازد.

در قرآن امر و تأکید شده است که نماز بخوانیم، اما اینکه این نیایش باید چگونه و تحت چه شرایطی انجام گیرد جز با مراجعه به سنت پیامبر خاتم معلوم نمی‌شود.

ما با مراجعه به احادیث و سیره رسول خدا، تعداد رکعات و سجده‌ها، و اذکار و قوانین و مبطلات نماز را فرا می‌گیریم و کیفیت و چگونگی آن را درمی‌یابیم.

حج نیز چنین است، با مراجعه به سنت پیامبر خدا، نیت احرام، شناخت و تشخیص میقاتها، نحوه طواف، مشعر، منی، توقف و

- سن ۱۲۰ سالگی رخت از جهان بر بسته است. «اسد الغابه» ۲/ ۵-۷، «جوامع السیره» ص ۳۰۸ و «تقریب التهذیب» ۱/ ۱۶۱.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۳۷

حرکت در هر یک از آنها، رمی جمرات، قربانی و حلق و تقصیر و محدوده زمانی انجام هر یک از آن وظایف، مکان و موقعیت هر یک از آنها، واجبات و مستحبات و مکروهات و محرمانشان را فرا می‌گیریم.

همین دو مثال به خوبی نشان می‌دهد که بدون مراجعه به سنت پیامبر خاتم و تنها با مراجعه به قرآن انجام این دو وظیفه واجب شرعی امکان‌پذیر نخواهد بود. در صورتی که تمام احکام شرع مقدس اسلام همین حالت را دارند.

بنابراین بر ما لازم است که برای اخذ اسلام و پیروی از دستورات الهی به قرآن و سنت رسول خدا باهم مراجعه کنیم و اگر کسی تنها به یکی از این دو رجوع نماید و آنها را از یکدیگر جدا کند بی‌گمان بنابر آن گذاشته است که خود را از قیدوبند اسلام رها ساخته و قوانین آن را به میل و خواسته دل خود تفسیر و تعبیر نماید. زیرا با حذف سنت پیامبر خاتم که کلید فهم و مفسر قرآن است، تأویل قرآن بنا به میل و سلیقه شخصی به سادگی امکان‌پذیر خواهد بود.

پس از بیان دو پیشگفتار گذشته می‌گوییم روایاتی را که در این بحث به آن استدلال می‌نمائیم روایات صحیحه مکتب خلفا می‌باشند.

پیشگفتار سوم:

اهتمام رسول خدا صلی الله علیه و اله به موضوع تعیین ولی امر پس از خود.

پیش از اینکه به بررسی نصوص که از رسول خدا صلی الله علیه و اله درباره تعیین و معرفی جانشین و فرمانروای بعد از خودش آمده است

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۳۸

بپردازیم، بجاست تا قدری درباره توجهی که آن حضرت در مورد جانشین خود داشته است، سخن گفته باشیم.

مسأله امامت و پیشوایی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و اله از مهم ترین مسائلی بوده که اهمیت و حساسیت آن نه از شخص رسول خدا صلی الله علیه و اله پنهان بوده و نه از اطرافیان و اصحاب آن حضرت؛ بلکه از همان ابتدای کار و اوایل بعثت، همگی در فکر آن بوده‌اند؛ همان طور که دیدیم بحیره، از بنی صعصعه، پذیرش اسلام خود و قبیله اش را مشروط به این کرد که زمامداری بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و اله از آن او و قبیله اش باشد.

همچنان که هودنه حنفی در برابر اسلام آوردن خود. از پیامبر حقی در حکومت بعد از خود را درخواست می کند.

رسول خدا صلی الله علیه و اله همواره به مسأله زمامداری بعد از خودش، از همان ابتدای بعثت، می اندیشید؛ به ویژه در نخستین روزی که از پیروان خود برای تشکیل جامعه اسلامی بیعت می گرفت، توجه حضرتش به این امر مهم و حساس کاملاً آشکار بوده است.

چاره اندیشی رسول خدا صلی الله علیه و اله را درباره جانشینی پس از خود، بخاری و مسلم در صحیح خود، و نسائی و ابن ماجه در سنن خویش، و مالک در الموطأ، و احمد بن حنبل در مسند خود، و دیگران در کتابهایشان آورده‌اند. ما در اینجا سخن بخاری را از صحیح او نقل می کنیم. او می نویسد:

عباده بن صامت گفت: ما با رسول خدا صلی الله علیه و اله بر این اساس به بیعت کردیم که در تنگی و فراخی و غم و شادی، مطیع و فرمانبردار حضرتش باشیم و بر سر فرمانروایی با اهلش به

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۳۹

ستیزه برنخیزیم «۱».

عباده بن صامت در روز بیعت عقبه کبری «۲» یکی از نقبای دوازده گانه و معتمدان انصار بود که رسول خدا صلی الله علیه و اله در آن روز از گروه هفتاد و چند نفری که با وی بیعت کردند خواست تا از میان خودشان دوازده نفر را که مورد اعتماد و اطمینان نشان باشند، برگزینند و به حضرتش معرفی کنند تا هر کدام از آنها در مدینه مسئولیت و سرپرستی گروه خود را بر عهده بگیرد.

رسول خدا صلی الله علیه و اله به عده ای که انتخاب شده بودند فرمود:

مسئولیت و سرپرستی گروهتان در تمامی امور با شخص شماست، و شما همان وظیفه را دارید که حواریون برای عیسی بن مریم علیه السلام داشتند ... «۳».

عباده بن صامت یکی از همین نقبای دوازده گانه بوده است که تصریح می کند که از جمله مواد بیعت ما در روز عقبه با پیامبر خاتم این بود که بر سر فرمانروایی بعد از آن حضرت با اهلش به ستیزه برنخیزیم: أن لا تنازعوا الأمر أهله.

(۱) - صحیح بخاری، کتاب الاحکام، باب کیف یبایع الامام الناس، ج ۴، ص ۱۶۳، ح ۱؛ لفظ «العسر و الیسر» (تنگی و فراخی) در صحیح مسلم، کتاب الاماره، باب وجوب طاعة الامراء فی غیر معصیه و تحریمها فی المعصیه، ح ۴۱ و ۴۲؛ سنن نسائی، کتاب الیعه، باب الیعه علی أن لا ننازع الامر اهله؛ سنن ابن ماجه، کتاب الجهاد، باب الیعه ح ۲۸۶۶؛ موطأ مالک، کتاب الجهاد، باب الترغیب فی الجهاد، ح ۵؛ مسند احمد ج ۵، ص ۳۱۴ و ۳۱۹ و ۳۲۱ و ج ۴، ص ۴۱۱. شرح حال عباده بن صامت در سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۳ و تهذیب ابن عساکر ج ۷، ص ۲۰۷ - ۲۱۹ آمده است.

(۲)- به شرح حال عبادۀ در استیعاب، ج ۲، ص ۴۱۲ و اسد الغابه، ج ۳، ص ۱۰۶-۱۰۷ مراجعه شود.

(۳)- تاریخ طبری، چاپ اروپا، ج ۱، ص ۱۱۲۱.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۴۰

مقصود رسول خدا صلی الله علیه و اله از کلمه «امر» که در حدیث مزبور آمده و به هنگام گرفتن بیعت از هفتاد و دو مرد و زن انصار در بیعت عقبه کبری روی آن تأکید شده که با اهلش به ستیزه برنخیزند، همان فرمانروایی و حکومتی است که در سقیفه بنی ساعده «۱» برای به دست گرفتن آن به منازعه برخاستند؛ در صورتی که خداوند از شایستگان و کسانی که اهلیت چنان حکومتی را دارا هستند، چنین یاد کرده است:

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ «۲»

یعنی فرمانبردار خدا و پیامبر و فرمانروایانان باشید.

اگرچه رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمانروا و ولی امر بعد از خودش را در اینجا معرفی نکرده است، و حکمت نیز چنین اقتضا داشت که ولی امر بعد از خود را، که کسی غیر از طایفه انصار بود در آن موقعیت معرفی نکند (زیرا چه بسا روحیه برخی از آنها که در آن شرایط دست بیعت به دست رسول خدا می زدند آمادگی پذیرش چنان موضوعی را نداشت)، اما با این حال رسول خدا صلی الله علیه و اله از آنها پیمان گرفت که بعدها وقتی که حضرتش ولی امر آنان را تعیین فرمود، به مخالفت و ستیزه با او برنخیزند.

(۱)- به درگیری قبیله گزایی انصار و مهاجران در فصل سقیفه و بیعت ابو بکر در کتاب دو مکتب در اسلام ج ۱ / ۱۷۴ مراجعه شود.

(۲)- سوره نساء آیه ۵۹ که تفسیر آن از پیغمبر صلی الله علیه و اله در کتاب دو مکتب در اسلام ج ۱ / ۲۸۱ بررسی شده است.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۴۱

بحث تعیین وصی پیامبر و امام امت پس از پیامبر صلی الله علیه و اله و امامت علی علیه السلام در قرآن از کتب مکتب خلفا

یکم: در سال سوم بعثت

تاریخ و احادیث معتبر گواهی می دهند که پیامبر خدا صلی الله علیه و اله، ولی امر و فرمانروای بعد از خود را در گردهمایی کوچکی، در نخستین روزی که نزدیکانش را به پذیرش اسلام دعوت فرمود، مشخص و معرفی کرده است. این موضوع را گروهی از اهل حدیث و سیره، مانند طبری و ابن عساکر و ابن اثیر و ابن کثیر و متقی هندی و دیگران، در کتابهای خود آورده اند.

طبری این رویداد را از قول امیر المؤمنین علیه السلام در تاریخ خود چنین آورده است:

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۴۲

هنگامی که آیه وَ أَنْذِرْ عَشِيْرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ «۱» بر رسول خدا صلی الله علیه و اله نازل شده، آن حضرت مرا طلبید و گفت: یا علی! خداوند مرا فرمان داده است که به نزدیکانم اخطار دهم و آنها را از گمراهیشان بترسانم. دیدم که امری توان فرساست؛ چه، می دانم تا من در این مورد لب بگشایم، حرکتی ناروا از ایشان خواهم دید که مایل به آن نیستم. پس خاموش ماندم تا اینکه جبرئیل بر من فرود آمد و گفت: ای محمد! اگر فرمان نبری، خداوند تو را عذاب خواهد کرد. اکنون خوراکی از ران گوسفند تهیه کن و قدحی دوغ برای ما آماده نما و فرزندان عبدالمطلب را دعوت کن تا با ایشان سخن گویم و فرمان خدا را به ایشان ابلاغ نمایم.

من فرمان بردم و امر رسول خدا را انجام دادم و فرزندان عبدالمطلب را که تعدادشان به چهل نفر - یکی بیشتر یا کمتر - می رسید و

در میانشان عموهای او، مانند ابو طالب و حمزه و عباس و ابو لهب بودند، به آن مجلس دعوت کردم. هنگامی که همه میهمانان حاضر شدند، پیامبر خاتم مرا فرمان داد تا غذایی را که آماده کرده بودم بر سر سفره بگذارم. دستور آن حضرت را اطاعت کردم. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و اله نخست دست در ظرف غذا برد و تکه گوشتی برگرفت و آن را با دندان خود به چند پاره قسمت کرد و در دیگ بینداخت و سپس روی به میهمانان کرد و فرمود: به نام خدا مشغول شوید و هر کدام سهم خود را از آن بگیرید.

(۱) - الشعراء / ۲۱۴.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۴۳

همه آنان، تا آنجا که ظرفیت داشتند، از آن غذا پر بخوردند؛ به حدی که اثر انگشتان اینها در ظرف غذایشان دیده می‌شد. به خدایی که جان علی به دست قدرت اوست، تمامی آنچه را که پیش روی همه آنها نهاده بودم، تنها اشتهای یک تن از آنها را کفایت می‌کرد.

چون غذایشان را خوردند، رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمان داد تا قدح دوغ را در اختیار آنها بگذارم. همگی از آن دوغ سیر نوشیدند و تشنگی خویش را برطرف ساختند، خدای را سوگند که دوغ آن قدح تنها برای فرو نشاندن آتش تشنگی یکی از آنها کافی بود.

در این وقت رسول خدا صلی الله علیه و اله آماده سخن گفتن شدند اما ابو لهب نگذاشت و پیشدستی کرد و گفت: رفیقان بدجوری شما را سحر کرده است. به سبب گفته او، همه حاضران برخاستند و پیش از آنکه پیامبر خاتم سخنی گفته باشد، بیرون رفتند. پس از بیرون رفتن آنها، رسول خدا صلی الله علیه و اله به من فرمود:

ای علی! این مرد در سخن گفتن بر من پیش گرفت و همچنان که دیدی، پیش از آنکه من با ایشان سخنی گفته باشم، پراکنده شدند. بار دیگر همان را که ساخته بودی مهیا کن و فردا به ناهار دعوتشان نما.

فرمان رسول خدا صلی الله علیه و اله را اطاعت کرده و دیگر بار به ناهار دعوتشان کردم. آنان همگی بر سفره پیامبر خاتم نشستند و آن حضرت چون روز گذشته فرمان داد تا ظرف غذا در برابرش

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۴۴

بگذارم و او نیز آنچه را که در روز پیش انجام داده بود تکرار کرد. آنان همگی از آن غذا بخوردند و سیر شدند. آنگاه قدح دوغ را در اختیارشان گذاشتم، همگی نوشیدند و تشنگی فرو نشاندند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و اله آغاز به سخن کرد و فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! به خدا قسم من در همه عرب جوانی را سراغ ندارم که بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام، برای بستگانش آورده باشد. من خیر دنیا و سرای دیگر را برای شما آورده‌ام و خداوند مرا فرمان داده است تا شما را برای دستیابی به این همه خیر به سوی او بخوانم. اکنون کدامیک از شما مرا در پیشبرد چنین امر مهمی یاری خواهد کرد تا برادر و وصی و جانشین من در میان شما باشد؟

هیچیک از آنها به پیشنهاد رسول خدا صلی الله علیه و اله پاسخ مثبتی نداده و همگی از آن سرباز زدند. من که از نظر سنی از همه کوچک‌تر بودم، با چشمانی نمناک و ... گفتم: من ای رسول خدا تو را در این امر مهم یار و مددکار خواهم بود.

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و اله گردنم را بگرفت و روی به همه حاضران کرد و فرمود:

[انّ هذا اخی و وصی و خلیفتی فیکم؛ فاسمعوا له و اطیعوا].

یعنی این برادر و وصی من، و خلیفه و جانشین من در میان شما خواهد بود؛ گوش به فرمانش دارید و مطیع اوامرش باشید.

حاضران، در حالی که سخت می‌خندیدند، از جای برخاستند و به هنگام بیرون از خانه، روی به ابو طالب کردند و گفتند: ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۴۵
به تو دستور می‌دهد که گوش به فرمان پسر توست دهی و فرمانش را ببری (۱)».

دوم: در غزوه تبوک

اشاره

در صحیح بخاری و مسلم و مسند طیالسی و احمد بن حنبل و سنن ترمذی و ابن ماجه و دیگر مصادر (۲) آمده (و ما سخن بخاری را می‌آوریم) که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرموده است:
«أنت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه ليس نبيّ بعدى».
یعنی تو مرا به منزله هارونی برای موسی؛ با این تفاوت که پس از من دیگر پیامبری نخواهد بود.
پایان این حدیث در صحیح مسلم چنین آمده است:
«إلا أنه لا نبيّ بعدى».

ابن سعد در طبقاتش از قول براء بن عازب و زید بن ارقم می‌نویسد که این دو صحابی گفته‌اند که چون جنگ تبوک پیش آمد،

(۱) - تاریخ الطبری، چاپ اروپا ج ۱ / ۱۱۷۱ - ۱۱۷۲، تاریخ ابن عساکر، - تحقیق محمد باقر محمودی، ج ۱ در شرح حال امام، تاریخ ابن کثیر ج ۲ / ۲۲۲، نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۳ / ۲۶۳ تاریخ ابن کثیر ج ۳ / ۳۹ که سخن پیامبر خاتم را درباره علی علیه السلام حذف کرده و به جای آن «کذا و کذا» نهاده است کنز العمال متقی هندی ج ۱۵ / ۱۰۰ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و در صفحه ۱۳۰ آورده است
أخی و صحابی و ولیکم بعدی.

یعنی برادرم و دوستم و فرمانروای شما بعد از من سیره الحلبيه، انتشارات اسلامیه بیروت ج ۱ / ۲۸۵.

(۲) - صحیح بخاری باب مناقب علی بن ابی طالب، ج ۲ / ۲۰۰، صحیح مسلم باب فضل علی بن ابی طالب ج ۷ / ۱۲۰ صحیح ترمذی باب مناقب علی ج ۱۳ / ۱۷۱ مسند طالیس ح ۲۰۵ و ۲۰۹ و ۲۱۳، ج ۱ / ۲۸ و ۲۹، ابن ماجه باب فضل علی بن ابی طالب ح ۱۱۵، مسند احمد ج ۱ / ۱۷۰ و ۱۷۳ - ۱۷۵ و ۱۷۷ و ۱۷۹ و ۱۸۲ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۳۳۰، ج ۳ / ۳۲ و ۳۳۸، ج ۶ / ۳۶۹ و ۴۳۸، مستدرک حاکم ج ۲ / ۳۳۷، طبقات ابن سعد ج ۳، ق ۱، ص ۱۴ و ۱۵، مجمع الزوائد ج ۹ / ۱۰۹ - ۱۱۱ و مصادری دیگر.
ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۴۶

رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: یا باید من در مدینه بمانم یا تو، و چون علی علیه السلام را به جانشینی خود برگزید، خود به منظور پیکار با مشرکان بیرون شد.

تفصیل این داستان:

پس از عزیمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، کسی گفت: رسول خدا، علی را به سبب کاری ناخوشایند که از او سرزده بر جای گذاشته است! این سخن چون به گوش علی علیه السلام رسید، خود را به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسانید. چون چشم پیامبر خاتم به علی علیه السلام افتاد، پرسید: اتفاقی افتاده است؟! علی علیه السلام گفت: نه، ای رسول خدا! اما شنیده‌ام کسی شایع کرده که تو به سبب خطایی که از من سرزده، آزرده خاطر شده‌ای و مرا به جای گذاشته‌ای! رسول خدا صلی الله علیه و آله تبسمی کرد و

فرمود:

علی! نمی خواهی تو مرا به منزله هارون برای موسی باشی، با این تفاوت که تو پیامبر خاتم نیستی؟ امام پاسخ داد: دوست دارم ای رسول خدا. و پیامبر خاتم فرمود: مقام و منزلت تو آن چنان است «۱».

مقصود از لفظ «منی» در احادیث پیامبر خاتم صلی الله علیه و اله

لفظ «منی» که در حدیث انت منی بمنزله هارون من موسی آمده، مراد و مقصود پیامبر خاتم صلی الله علیه و اله را از بکار بردن آن در احادیث دیگرش آشکار می سازد. و آن اینکه هارون در پیامبری شریک

(۱) - طبقات ابن سعد ج ۳ ق ۱ ص ۱۵، مجمع الزوائد هیشمی ج ۹، ص ۱۱۱ با جزئی اختلاف.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۴۷

حضرت موسی، و در امر تبلیغ احکام الهی یار و همکار او بوده است. علی علیه السلام هم به موجب حدیث منزلت برای خاتم پیامبران به منزله هارون است برای موسی، به استثنای نبوت و پیامبری. پس برای علی علیه السلام از سمت هارون، تنها یاری و همکاری با پیامبر خاتم در امر تبلیغ احکام الهی باقی می ماند.

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و اله منظور از لفظ «منی» را در سخنانش در روز عرفات در حجة الوداع آشکارا بیان کرده است: «علی منی، و أنا من علی. لا یؤدی عنی، إلا أنا أو علی».

یعنی علی از من است و من از علی و وظیفه مرا بجز خودم یا علی، کس دیگر انجام نمی دهد «۱».

منظور رسول خدا صلی الله علیه و اله از بکار بردن لفظ «منی» در این احادیث متعدد به روشنی بیان فرمودند که علی علیه السلام در مقام تبلیغ احکام الهی به مکلفین به منزله پیامبر خاتم است.

و از همین جا معنا و مفهوم لفظ «منی» که در دیگر احادیث پیامبر خاتم و در شأن علی علیه السلام به طور سربسته آمده است، روشن می شود؛ مانند خبری که در روایت بریده در شکایت از امام علیه السلام آمده که پیامبر خاتم صلی الله علیه و اله به او فرموده است: «لا تقع فی علی فانه منی» «۲» و یا روایت عمران بن حصین که رسول خدا صلی الله علیه و اله به او فرمود: ان علیا منی «۳».

(۱) - ابن ماجه آن را در کتاب المقدمه، باب فضائل الصحابه ص ۹۲، از جلد اول سنن آورده است. همچنین کتاب مناقب ترمذی ج ۱/۳، ح ۲۵۳۱ و کنز العمال ج ۶/۱۵۳، چاپ اول آن و احمد بن حنبل نیز آن را در مسند ج ۴/۱۶۴ - ۱۶۵ از حدیث حبشی بن جناده و به طرق متعدد آورده است.

(۲) - در کتاب دو مکتب در اسلام ج ۱/۶۰۸ به بعد آمده است.

(۳) - همان مصدر.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۴۸

در تمامی این روایات، منظور رسول خدا صلی الله علیه و اله این بود که بفهماند وظیفه علی و امامان از نسل او در برابر رسول خدا در کشیدن بار سنگین تبلیغ بی واسطه به مکلفان، همانند وظیفه شخص پیامبر خاتم است. بنابراین، آنان همگی از پیامبرند، و پیامبر خاتم از ایشان. آنها در امر تبلیغ شریک او هستند، و فقط در یک مورد باهم اختلاف دارند و آن اینکه رسول خدا صلی الله علیه و اله احکام و مقررات الهی را بی واسطه و مستقیماً از طریق وحی از خدای تبارک و تعالی دریافت می کند، اما ایشان آن را از شخص پیامبر خاتم. پس امامان مبلغین از جانب پیامبر خدا صلی الله علیه و اله به امت اسلامی می باشند و خدا و پیامبرش ایشان را برای کشیدن بار سنگین امامت از پیش آماده کرده است.

زیرا خداوند ایشان را، همان‌طور که در آیه تطهیر خبر داده، با لباسی که از عصمت و پاکی بر اندامشان پوشانیده، از هر پلیدی و ناپاکی دور داشته است.

از آن گذشته، رسول خدا صلی الله علیه و اله از آنچه که خداوند به او وحی می‌فرمود، علی علیه السلام را به‌طور خاصی بهره‌مند ساخته و امامان، یکی بعد از دیگری، نیز همه آنها را از پدرشان علی علیه السلام به ارث برده‌اند. روایات زیر گویای همین مطلب است.

حاملان علوم پیغمبر صلی الله علیه و اله

در تفسیر رازی و کنز العمال متقی هندی آمده است که علی علیه السلام فرمود:
رسول خدا صلی الله علیه و اله هزار باب از حکمت و دانش مرا بیاموخت که از ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۴۹
هر کدام آنها هزار در از علوم دیگر به رویم گشوده شد «۱».

در تفسیر طبری، طبقات ابن سعد، تهذیب التهذیب، کنز العمال و فتح الباری روایت زیر آمده و ما از فتح الباری نقل می‌کنیم:
از ابو طفیل روایت شده است که گفت: من در یکی از سخنرانیهای علی علیه السلام حضور داشتم که می‌گفت: هر چه می‌خواهید از من پرسید، که به خدا قسم اگر از آنچه تا به روز قیامت اتفاق خواهد افتاد از من پرسید، به آن پاسخ خواهم داد و شما را از آن باخبر خواهم کرد. از قرآن از من پرسید که به خدا سوگند آیه‌ای نیست مگر اینکه می‌دانم در شب نازل شده است یا در روز، در بیابان بر پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرود آمده است یا در کوه ... «۲»
از این روی است که رسول خدا بنا به روایت جابر بن عبد الله در حق علی علیه السلام فرموده است:
من شهر علم هستم و علی دروازه آن است. هر کس که بخواهد به این شهر وارد شود، باید که از دروازه آن بگذرد.
حاکم می‌گوید این روایت صحیح الاسناد است «۳». و بنا به

(۱) - تفسیر رازی، در تفسیر آیه ان الله اصطفى آدم و...؛ کنز العمال ج ۶ / ۳۹۲ و ۴۰۵

(۲) - تفسیر الطبری ج ۲۶ / ۱۱۶؛ طبقات ابن سعد ج ۲، ق ۲، ص ۱۰۱؛ تهذیب التهذیب ج ۷ / ۳۳۷؛ فتح الباری ج ۱۰ / ۲۲۱؛ حلیه الاولیاء ج ۱ / ۶۷-۶۸؛ کنز العمال ج ۱ / ۲۲۸.

(۳) - مستدرک الصحیحین ج ۳ / ۱۲۶ و در ص ۱۲۷ به طریقی دیگر آمده، تاریخ بغداد ج ۴ / ۳۴۸ و ج ۷ / ۱۷۲ و ج ۱۱ / ۴۸ و در ص ۴۹ از یحیی بن معین نقل شده است که آن صحیح است، اسد الغابه ج ۴ / ۲۲، مجمع الزوائد ج ۹ / ۱۱۴-

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۵۰

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت ۱۰۱

روایتی، در پایان حدیث فوق چنین آمده است:

و هر کس که خواهان دانش است، باید که از در وارد شود «۱».

همین موضوع، در روایت دیگر چنین آمده است:

در جنگ حدیبیه بود که دیدم رسول خدا صلی الله علیه و اله دست علی را در دست گرفته و فرمود:

این مرد سرور آزادگان و کشنده تبهکاران است. یاری کننده او پیروز است و خوار کننده اش، خوار و بی‌مقدار. در اینجا رسول خدا صلی الله علیه و اله صدایش را بلند کرد و به سخنانش چنین ادامه داد: من شهر دانشم و علی دروازه آن است، هر کس که بخواهد

که به این شهر درآید، باید که از دروازه آن وارد شود «۲».

در روایت ابن عباس سخنان پیغمبر صلی الله علیه و اله این طور آمده است:
من شهر دانشم و علی دروازه آن است، هر کس که قصد این شهر کند، باید که از دروازه آن وارد شود «۳».

اما در روایت شخص امام علی علیه السلام آمده است که پیغمبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود:
انا دار العلم و علی بابها «۴».

و یا آن طور که ابن عباس روایت کرده است:
انا مدینه الحکمه و علی بابها، فمن اراد الحکمه فلیأت الباب «۵».

– تهذیب التهذیب ج ۶ / ۳۲۰ و ج ۷ / ۴۲۷، فیض القدیر ج ۳ / ۴۶، کنز العمال، چاپ دوم ج ۱۲ / ۲۰۱ ح ۱۱۳۰ صواعق المحرقة ص ۷۳.

(۱) – مستدرک الصحیحین ج ۳ / ۱۲۷ – ۱۲۹.

(۲) – تاریخ بغداد خطیب، ج ۲ / ۳۷۷.

(۳) – کنز العمال، چاپ دوم ج ۱۲ / ۲۱۲، ح ۱۲۱۹، کنوز الحقایق المناوی.

(۴) – ریاض النضره ج ۲ / ۱۹۳.

(۵) – تاریخ بغداد خطیب ج ۱۱ / ۲۰۴، صحیح ترمذی، کتاب المناقب، باب

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۵۱

و در روایتی دیگر از امام علی علیه السلام آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:

انا دار الحکمه و علی بابها «۱».

و به موجب روایت ابو ذر، پیغمبر در حق علی علیه السلام فرمود:

علی باب علمی، و مبین لأمتی ما أرسلت به بعدی ...

یعنی علی دروازه دانش من است و پس از من آنچه را که به آن فرستاده و مأمور شده‌ام، برای امتم بیان خواهد نمود «۲».

و در روایت انس بن مالک آمده است که پیغمبر خدا صلی الله علیه و اله به علی فرمود:

أنت تبین لأمتی ما اختلفوا فیہ بعدی.

یعنی تو پس از من موارد اختلاف امتم را حل و فصل خواهی نمود.

حاکم می نویسد این حدیث بنا به شرط شیخین صحیح است «۳».

و در روایتی دیگر آمده که پیغمبر خدا صلی الله علیه و اله به علی علیه السلام فرموده است:

أنت تؤدّی عَنّی، و تسمعهم صوتی، و تبین لهم ما اختلفوا فیہ بعدی.

یعنی تو رسالتم را ادامه خواهی داد، و صدایم را به گوش امتم

– مناقب علی بن ابی طالب.

(۱) – صحیح ترمذی ج ۱۳ / ۱۷۱ باب مناقب علی بن ابی طالب، حلیه الاولیاء ابو نعیم، ج ۱ / ۶۴، کنز العمال متقی هندی، چاپ اول ج ۶ / ۱۵۶.

(۲) – کنز العمال، چاپ اول ج ۶ / ۱۵۶.

(۳) - مستدرک الصحيحین ج ۳ / ۱۲۲، کنز العمال، چاپ اول ج ۶ / ۱۵۶ کنوز الحقایق المناوی، ص ۱۸۸.
ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۵۲
خواهی رسانید و پس از من موارد اختلاف ایشان را حل و فصل خواهی نمود «۱».

سوم: در غدیر خم

اشاره

و داستان غدیر خم بنابر روایات معتبر مکتب خلفا بدین گونه بوده است:
در روز هجدهم ذی الحجه الحرام «۲» سال دهم هجرت و به هنگام بازگشت پیغمبر صلی الله علیه و اله از حجه الوداع «۳» در محل غدیر خم، منزلگاهی به نام جحفه «۴»، که محل جدا شدن راههای مدینه و مصر و شام «۵» از یکدیگر بود، این آیه بر رسول خدا صلی الله علیه و اله نازل گردید:
يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ... «۶»
پس از نزول این آیه، رسول خدا صلی الله علیه و اله به کاروانها دستور توقف داد و مقرر فرمود تا همانجا فرود آمده، پیشرفتگان را فراخوانند تا واپس ماندگان نیز از راه برسند و به ایشان به پیوندند «۷».
آنگاه اصحابش را از سایه گرفتن در پناه درختهای خار، که در گوشه و کنار آن بیابان روئیده بود، نهی فرمود تا متفرق نشوند و

(۱) - حلیه الاولیاء ج ۱ / ۶۳.

(۲) - حاکم حسکانی، ج ۱ / ۱۹۲ - ۱۹۳.

(۳) - مجمع الزوائد ج ۹ / ۱۰۵ و ۱۶۳ - ۱۶۵.

(۴) - مجمع الزوائد ج ۹ / ۱۶۳ - ۱۶۵، ابن کثیر ج ۵ / ۲۰۹ - ۲۱۳.

(۵) - واژه «الجحفه» در معجم البلدان.

(۶) - المائده / ۶۷.

(۷) - تاریخ ابن کثیر ج ۵ / ۲۱۳.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۵۳

مقرر داشت تا پای درختان را از خس و خاشاک و پاک گردانند «۱» و سپس مردم را برای ادای نماز جماعت فراخوانند «۲».
اصحاب آن حضرت با انداختن پارچه‌هایی بر سر شاخ و برگ درخت خار، ساینی برای آن حضرت فراهم کردند «۳» و آن حضرت نماز ظهر را در آن گرمای طاقت‌فرسا «۴» با آن جمعیت بجای آورد.

سپس به خطبه برخاست و خدای را حمد و سپاس گفت و مردم را پند و موعظت بسیار کرد و آنگاه فرمود:

نزدیک است که مرا بخوانند و من هم اجابت کنم (کنایه از اینکه اجلم فرا رسیده است) و من و شما هر دو در پیشگاه خداوند مسؤولیم. در آن روز شما خدای را چه جواب خواهید داد؟ مردم بانگ برآوردند که:

ما گواهی می‌دهیم که تو به نیکوترین وجه رسالت خویش را انجام داده‌ای، و ما را راهنمایی فرموده‌ای و خدایت پاداش خیر دهد.
آنگاه پیامبر خاتم صلی الله علیه و اله پرسید: آیا به یکتایی خدا و رسالت من گواهی نمی‌دهید؟! آیا گواهی نمی‌دهید که بهشت و جهنم راست است و وجود دارند؟ مردم بانگ برآوردند: آری، به همه اینها گواهی می‌دهیم. پیامبر خاتم صلی الله علیه و اله فرمود:

بار خدایا گواه باش. آنگاه پرسید: آیا صدایم را می شنوید؟

(۱) - مجمع الزوائد ج ۹ / ۱۰۵ و نزدیک به آن سخن ابن کثیر در ج ۵ / ۲۰۹.

(۲) - مسند احمد بن حنبل ج ۶ / ۲۸۱، سنن ابن ماجه باب فضل علی علیه السلام، تاریخ ابن کثیر ج ۵ / ۲۰۹ - ۲۱۰.

(۳) - مسند احمد ج ۴ / ۳۷۲، تاریخ ابن کثیر ج ۵ / ۲۱۲.

(۴) - مسند احمد ج ۴ / ۲۸۱، سنن ابن ماجه، باب فضل علی علیه السلام و تاریخ ابن کثیر ج ۴ / ۲۱۲.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۵۴

جواب دادند: آری. پس فرمود: ای مردم! من پیشاپیش شما می روم، و شما در کنار حوض کوثر بر من وارد می شوید، حوضی که پهنای آن به اندازه فاصله بصری تا صنعاء «۱» می باشد، و به تعداد ستارگان آسمان بر گرداگرد آن جامهای نقره نهاده شده و من در آن هنگام از دو چیز گرانبها که در میان شما به امانت برجای نهاده ام خواهم پرسید. پس دقت کنید که پس از من با آن دو چگونه رفتار خواهید کرد!

در اینجا یک نفر از میان جمعیت بانگ برآورد که: ای رسول خدا! آن دو چیز گرانبها کدام هستند؟ رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:

یکی کتاب خداست که از طرفی در دست خداست و از سوی دیگر در دست شما، آن را نیکو نگه دارید و دستوراتش را به کار بندید و آن را به چیزی عوض نکنید که گمراه خواهید شد.

و دیگری، عترت و اهل بیت من می باشند و خدای لطیف مرا آگاه کرده که این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. من این را از خدا خواسته ام.

پس بر آن دو پیشی نگیرید که به هلاکت و گمراهی می افتید، و از ایشان واپس نمانید که هلاک می شوید. چیزی به آنها نیاموزید که آنها از شما آگاه ترند. آنگاه فرمود «۲»:

آیا می دانید که من از همه مؤمنان بر خودشان سزاوارتر و مقدم تر می باشم؟

(۱) - بصری شهرکی بود در نزدیکی دمشق و دیگری در نزدیکی بغداد. البته این تشبیه پیغمبر برای این بوده که اطرافیانش وسعت آن را به نظر آورند و نه چیز دیگر.

(۲) - مجمع الزوائد ج ۹ / ۱۶۲ - ۱۶۳ و ۱۶۵ و برخی از الفاظ آن در روایات حاکم حسکانی ج ۳ / ۱۰۹ - ۱۱۰ و تاریخ ابن کثیر ج ۵ / ۲۰۹ آمده است.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۵۵

مردم بانگ برآوردند:

آری! ای رسول خدا «۱»! حضرت باز پرسید:

آیا می دانید - یا گواهی می دهید - که من بر هر فرد مؤمنی از خود او مقدم تر و اولی هستم؟ مردم فریاد برآوردند: آری ای رسول خدا «۲».

پس پیغمبر خدا صلی الله علیه و اله دست علی علیه السلام را گرفت و بلند کرد، به طوری که سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد «۳»، آنگاه فرمود:

ای مردم! خداوند مولی و سرور من است، و من مولی و سرور شما هستم «۴». پس هر کس را که من مولای او می باشم، این علی

مولای او خواهد بود «۵». پس دست به دعا برداشت و گفت: بار خدایا! دوستدار او را دوست بدار، و دشمنش را دشمن شمار «۶».

(۱) - مسند احمد ج ۱/ ۱۱۸-۱۱۹ و ج ۴/ ۲۸۱، سنن ابن ماجه ج ۱/ ۴۳، ح ۱۱۶ به جای لفظ آری (بلی) در مسند احمد ج ۴/ ۲۸۱ و ۳۶۸ و ۳۷۰. ۳۷۲ «نعم» آمده است. تاریخ ابن کثیر ج ۵/ ۲۰۹ و ج ۵/ ۲۱۰ «الست أولى بكل امرئ من نفسه» آمده است.

(۲) - مسند احمد ج ۴/ ۲۸۱ و ۳۶۸ و ۳۷۰ و ۳۷۲، تاریخ ابن کثیر ج ۹/ ۲۰۹ و ۲۱۲.

(۳) - در روایت حاکم حسکانی در ج ۱/ ۱۹۰ «فرغ یدیه حتی یری بیاض ابطیه» و در ص ۱۹۳ آن «حتی بان بیاض ابطیهما» آمده است.

(۴) - شواهد التنزیل ج ۱/ ۱۹۱ و در تاریخ ابن کثیر ج ۵/ ۲۰۹ «انا مولی کل مؤمن» آمده است.

(۵) - این مطلب در تمام مصادری که تاکنون در این مورد نام برده‌ام آمده است.

(۶) - مسند احمد ج ۱/ ۱۱۸ و ۱۱۹ و ج ۴/ ۲۸۱ و ۳۷۰ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ج ۵/ ۳۴۷ و ۳۷۰، مستدرک حاکم ج ۳/ ۱۰۹، سنن ابن ماجه باب فضل علی، حاکم حسکانی ج ۱/ ۱۹۰ و ۱۹۱، تاریخ ابن کثیر ج ۵/ ۲۰۹ و ۲۱۰-۲۱۳ که در ج ۵/ ۲۰۹ می‌نویسد: به زید گفتم تو آن را از رسول خدا صلی الله علیه و اله شنیدی؟ گفت: در آن-

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۵۶

یاری کننده او را یاری کن، و خوارکننده او را خوار گردان «۱».

دوست بدار هرکس که او را دوست بدارد، و خشم گیر بر آن کس که بر او خشم گیرد «۲». و در پایان فرمود: خدایا گواه باش «۳».

راوی می‌گوید: هنوز این دو نفر از هم جدا نشده بودند که این آیه بر پیغمبر صلی الله علیه و اله نازل شد:

... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ... «۴»

«امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم».

آنگاه رسول خدا فرمود:

الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی خداوند به رسالت من و ولایت علی «۵».

یعقوبی در تاریخ خود- در باب آیات مدنی- می‌نویسد، آخرین آیه‌ای که بر رسول خدا صلی الله علیه و اله نازل شد، آیه الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ بود و این روایت صحیح است و نزول آن در روزی بود که رسول خدا صلی الله علیه و اله آشکارا ولایت و

زاممداری علی بن ابی طالب- صلوات الله

- بیابان کسی نبود که آن را به چشم ندیده و به گوش نشنیده باشد. آن وقت ابن کثیر می‌نویسد: ابو عبد الله ذهبی این حدیث را صحیح دانسته است.

(۱) - مسند احمد ج ۱/ ۱۱۸ و ۱۱۹ مجمع الزوائد ج ۹/ ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۷، شواهد التنزیل ج ۱/ ۱۹۳، تاریخ ابن کثیر ج ۵/ ۲۱۰.

(۲) - شواهد التنزیل ج ۱/ ۱۹۱، تاریخ ابن کثیر ج ۵/ ۲۱۰.

(۳) - شواهد التنزیل ج ۱/ ۱۹۰.

(۴) - المائده/ ۳.

(۵) - حسکانی از ابو سعید خدری ج ۱/ ۱۵۷-۱۵۸، ح ۲۱۱ و ۲۱۲ و از ابو هریره در ص ۱۵۸، ح ۲۱۳ و در تاریخ ابن کثیر به طور

فشرده همین مطلب آمده است.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۵۷

علیه- را در غدیر خم به گوش همگان رسانید «۱».

پس از انجام این مراسم عمر بن الخطاب، علی علیه السلام را دید و به او گفت: ای پسر ابو طالب! این موهبت بزرگ بر تو گوارا باد

که صبح را به شام آوردی، در حالی که مولی و سرور همه مؤمنان گردیده‌ای «۲».

در روایت دیگر آمده است که:

عمر بن خطاب به علی علیه السلام گفت: «بخ بخ لک یا ابن ابی طالب».

یعنی خوشا به حالت ای پسر ابو طالب «۳».

بنا به روایت دیگر گفته است:

گوارایت باد ای پسر ابو طالب که صبح و شام کردی در حالی که سرور همه مؤمنان شده‌ای «۴».

تاجی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز بر سر امام نهاد:

رسول خدا صلی الله علیه و آله عمامه سیاه رنگ «۵» به نام سحاب داشتند که آن را در روزهای مخصوصی «۶»، چون فتح مکه «۷»،

به سر می‌بست «۸». پیامبر

(۱)- تاریخ یعقوبی ج ۳ / ۴۳.

(۲)- مسند احمد بن حنبل ج ۲ / ۲۸۱.

(۳)- شواهد التنزیل ج ۱ / ۱۵۷ و ۱۵۸.

(۴)- مسند احمد بن حنبل ج ۴ / ۲۸۱، سنن ابن ماجه باب فضل علی، الرياض النضرة ج ۲ / ۱۶۹، تاریخ ابن کثیر ج ۵ / ۲۱۰.

(۵)- ذکر سیاه رنگ بودن عمامه‌ای که آن را چون تاج بر سر امام نهاده است، در روایت عبد الله بن بشیر و شخص امام آمده است.

(۶)- به این مطلب در کتابهای حدیث اشاره شده است

(۷)- صحیح مسلم کتاب الحج، ح ۴۵۱-۴۵۲، سنن ابو داود ج ۴ / ۵۴، باب العمائم، شرح المواهب ج ۵ / ۱۰، به نقل از معرفه

الصحابه ابو نعیم

(۸)- زاد المعاد ابن القيم در فصل فی ملابسه در حاشیه شرح زرقانی بر المواهب اللندنیه.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۵۸

خدا همان عمامه را در روز غدیر خم بر سر علی علیه السلام بست. از عبد الاعلی بن عدی البهرانی روایت شده که گفت رسول

خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم علی را پیش خواند و به دست خود عمامه‌ای بر سرش بست و دنباله آن را به پشت سرش رها

نمود «۱».

و از شخص امیر المؤمنین علی علیه السلام آمده است که فرمود:

در روز غدیر خم، رسول خدا صلی الله علیه و آله عمامه سیاهی بر سرم بست، و دنباله آن را روی دوشم رها نمود «۲»

در مسند طیالسی و سنن بیهقی، سخن امیر المؤمنین علیه السلام چنین آمده است:

در روز غدیر خم رسول خدا صلی الله علیه و آله عمامه‌ای بر سرم بست و دنباله آن را به پشت سرم رها کرد. آنگاه فرمود:

خدای عز و جل در جنگ بدر و حنین مرا به فرشتگانی، که این چنین عمامه‌ای بر سرم نهاده بودند، یاری داده است. بعد فرمود:

عمامه موجب می شود که مسلمانان از مشرکان تشخیص داده شوند «۳»

(۱) - الرياض النضره ج ۲ / ۲۸۹ فی ذکر تعمیمه ایاه صلی الله علیه و اله بیده، اسد الغابه ج ۳ / ۱۱۴

(۲) - اصابه ج ۲ / ۲۷۴، در ذکر شرح حال عبد الله بن بشر.

(۳) - کنز العمال ج ۲۰ / ۴۵، مسند طیالسی ج ۱ / ۲۳ سنن بیهقی ج ۱۰ / ۱۴.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۵۹

روایات صحیحہ مکتب خلفا در دوازده وصی داشتن پیامبر خاتم صلی الله علیه و اله و نص صریح پیامبر صلی الله علیه و اله بر تعداد امامان علیه السلام

اشاره

تا اینجا آیات و روایاتی که امامت حضرت علی علیه السلام را اثبات می کند در فصل گذشته بیان شد. و اینک روایاتی که امامت عموم اهل البیت را اثبات می کند و در آن روایات باری تعالی و خاتم المرسلین، امامان و اوصیاء بعد از پیامبر خاتم را تعیین کردند و به مردم معرفی نمودند می آوریم و به بیان آن می پردازیم.

۱- روایاتی که امامت عموم اهل البیت را اثبات می کند

اشاره

در این دسته از احادیث نام خاص هیچ یک از امامان علیه السلام وجود ندارد ولی امامت عموم اهل البیت علیه السلام در آنها مطرح شده است. ما در اینجا دو نمونه از این گروه از احادیث را بررسی می نمایم:

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۶۰

حدیث ثقلین:

در کتاب صحیح مسلم (۱) و دهها کتاب معتبر دیگر مکتب خلفا مانند مسند احمد و سنن دارمی و سنن بیهقی و مستدرک الصحیحین (۲) روایت کرده اند:

زید بن ارقم می گوید: در بین راه مکه و مدینه (در سفر بازگشت از حجه الوداع) در کنار آبگیری که «خم» نام داشت پیامبر در میان مردم چنین خطبه خواند:

ای مردم، آگاه باشید من بشری هستم، نزدیک است مرا (به عالم بقا) بخوانند، و من اجابت دعوت حق کنم.

من دو چیز گرانمایه در میان شما به میراث می گذارم: «کتاب خدا» که در آن هدایت و نور می باشد. آن را رها نکنید، و بدان چنگ زنید.

سپس فرمود: «و اهل بیت من» «خاندان من!» شما را در مورد اهل بیتم یادآور خدا می شوم! (این کلام را سه بار تکرار فرمود)

(و بنا به نسخه مستدرک اضافه می فرماید):

هشیار باشید که شما پس از من با این دو بازمانده چگونه رفتار می کنید. این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

با تکیه بر این جمله اخیر از گفتار پیامبر صلی الله علیه و اله است که ما معتقدیم

(۱) - مسلم ج ۷ / ۱۲۲ و ۱۲۳، چاپ مصر ۱۳۳۴ هـ

(۲) - المستدرک ۳ / ۱۰۰۹ و ۱۴۸. برای دستیابی به بقیه مدارک رجوع کنید به:

المعجم المفهرس لألفاظ الحديث النبوی.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۶۱

یکی از امامان اهل بیت - که تعدادشان نیز در روایات معتبر دیگر تعیین شده است - باید چنان عمری دراز داشته باشد که تا پایان جهان زنده بماند و در نتیجه همدوش و قرین کتاب خدا برای همیشه در جامعه بشری موجود باشد و فرموده پیامبر در مورد عدم جدایی این دو راست آید.

شبهه به همین سخن را جابر از خطبه عرفه پیامبر نقل می‌کند.

می‌گوید: من پیامبر را در ایام حج در عرفه مشاهده کردم آن حضرت بر ناقه خویش به نام «عصباء» سوار بود، و برای مردم چنین خطبه می‌خواند:

... ای مردم من در میان شما چیزی گذارم که اگر بدان چنگ زنی و از آن دست بردارید هرگز گمراه نمی‌شوید:

کتاب خدا و عترتم که اهل بیت من می‌باشند.

ترمذی پس از نقل این سخن اضافه می‌کند که این حدیث از ابو ذر، و ابو سعید خدری، و زید بن ثابت، و حذیفه بن اسید نیز روایت شده است «۱»

در این روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله اهل بیت خویش را در کنار قرآن قرار داده و هدایت را به دست ایشان و قرآن می‌داند، و چنگ زدن به ذیل و دامان ایشان را موجب نجات قطعی از گمراهی و ضلالت می‌شناساند. و می‌فرماید که هشیار باشید، و دقت کنید که چگونه بعد از من با این دو رفتار خواهید کرد و بدانید که این دو هیچ‌وقت از هم جدایی ندارند، و در حوض کوثر - محل ورود نجات‌یافتگان رستاخیز - بر من وارد خواهند شد.

(۱) - ترمذی ۵ / ۶۶۲. ح ۳۷۸۶.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۶۲

اینکه کتابهای آسمانی، امام و پیشوای فکری و اعتقادی و اخلاقی و عمل مردمند از جنبه نظری بودن یک مسأله مسلم قرآنی است و مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَ رَحْمَةً وَ هَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِنَذِيرِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ بُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ «۱» با توجه و تکیه بر همین اصل، در کنار قرآن قرار گرفتن اهل بیت پیامبر، امامت ایشان را نیز اثبات می‌نماید.

به بیانی دیگر اسلام از جنبه نظری در قرآن کریم بیان شده، وجود و تجسم خارجی آن در سیره اهل بیت علیهم السلام عمل شده است.

بنابراین وقتی که امامت قرآن را در جنبه نظری پذیرا شدیم، امامت اهل بیت را در جنبه عملی نیز باید بپذیریم.

علاوه بر این از آنجا که به گفته پیامبر هدایت منحصر در این دو میراث گرانقدر اوست، و می‌دانیم هدایت قرآن در کلیات مسائل اعتقادی، اخلاقی و عملی اسلام است، پس ناگزیر توضیح و تبیین اسلام قرآنی «۲» وظیفه اهل بیت علیهم السلام خواهد بود تا هدایت اتمام پذیرد و کامل گردد.

ناگفته نماند که این روایت آنقدر به صورتهای مختلف و به وسیله افراد متفاوت نقل شده که بازگویی و بررسی همه آنها محتاج

فرصت خاصی است، و ما در اینجا فقط درصدد آن بودیم که با تکیه بر این حدیث روشن سازیم که رسول اکرم صلی الله علیه و اله به فرمان الهی امامت را منحصر در اهل بیت خویش کرده، و آنها را قرین و همدوش

(۱) - الاحقاف / ۱۲.

(۲) - یعنی اسلامی که در قرآن کریم آمده است که مقصود اصول و کلیات این دین مبیین می‌باشد.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۶۳

قرآن قرار داده است.

۲- روایاتی که در آن عدد امامان تعیین شده است:

اشاره

رسول خدا صلی الله علیه و اله خبر داده است، امامانی که بعد از او می‌آیند، دوازده نفرند. این موضوعی است که صاحبان کتب صحاح و مسانید که نامشان در زیر می‌آید، از آن حضرت روایت کرده‌اند:

الف - مسلم در صحیح خود از جابر بن سمره روایت کرده که گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و اله می‌فرمود:

«این دین همیشه، تا قیام قیامت و تا هنگامی که دوازده نفر خلیفه بر سر شما باشند، استوار و برپاست. این خلفا همگی از قریش‌اند.»

در روایت دیگری آمده است:

«همیشه کار مردم روبه‌راه است...».

در دو روایت دیگر آمده است:

«تا آنکه دوازده خلیفه بیایند...».

در سنن ابو داود آمده است:

«تا آنکه دوازده نفر خلیفه بر سر شما باشند.»

در حدیث دیگری است که فرمودند:

«تا پایان دوازده نفر» (۱).

(۱) - صحیح مسلم ج ۳ / ۱۴۵۳، حدیث ۱۸۲۱، این روایت را از آن‌رو برگزیدیم که جابر خود آن را نوشته است. صحیح بخاری ج

۴ / ۱۶۵ کتاب الاحکام سنن ترمذی باب: ما جاء فی الخلفاء من ابواب الفتن. سنن ابو داود جلد ۳ / ۱۰۶، کتاب المهدی مسند

طیالسی، حدیث ۷۶۷ و ۱۲۷۸.

مسند احمد ج ۱۳ / ۲۶ و ۲۷. حلیه الاولیاء ابو نعیم جلد ۴ / ۳۳۳.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۶۴

و در صحیح بخاری گوید: از پیامبر صلی الله علیه و اله شنیدم که می‌فرمود:

«دوازده نفر امیر و فرمانده‌اند.» راوی گوید: پیامبر صلی الله علیه و اله پس از آن سخنانی فرمود که من نفهمیدم، پدرم گفت: فرمود:

«همگی آنان از قریش‌اند.»

در روایت دیگری می‌گوید: سپس رسول خدا صلی الله علیه و اله سخنانی فرمود که بر من پوشیده ماند، از پدرم پرسیدم: رسول

خدا صلی الله علیه و آله چه فرمود؟ پدرم گفت: فرمود:

«همگی آنان از قریش اند» (۱).

در روایت دیگری است که فرمود:

«دشمنی کسانی که با آنان دشمنی کنند، زبانی به ایشان نمی‌رساند» (۲).

ب- در روایت دیگری است که رسول خدا فرمود:

«لا تزال هذه الامة مستقيما امرها، ظاهرة على عدوها، حتى يمضي منهم اثنا عشر خليفة كلهم من قریش، ثم يكون المرج أو الهرج»
کار این امت همیشه به سامان است و پیوسته بر دشمنانشان پیروزند تا آنگاه که دوازده نفر خلیفه که، همگی آنها از قریش اند، درگذرند. پس از آن فساد و خرابی یا فتنه و آشوب

- جابر بن سمره بن عامری خواهرزاده سعد بن ابی وقاص است که بعد از سال هفتاد هجری در کوفه وفات کرد. صاحبان کتب صحیح ۱۶۴ حدیث از او روایت کرده‌اند.

شرح حال او در کتاب‌های «اسد الغابه» تقریب التهذیب و جوامع السیره ص ۲۷۷ آمده است.

(۱)- فتح الباری ج ۱۶ / ۳۳۸. مستدرک الصحیحین ج ۳ / ۶۱۷.

(۲)- فتح الباری ج ۱۶ / ۳۳۸.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۶۵

خواهد بود (۱).

ج- در روایت دیگری آمده است که فرمود:

«این امت دوازده نفر قیّم دارد که هرکس آنان را یاری نکند، زبانی به ایشان نرساند، همگی آنان از قریش اند» (۲).

د- در روایت دیگری فرمود:

«کار این مردم تا هنگامی که دوازده مرد بر آنان ولایت داشته باشند، همواره در جریان است» (۳).

ه- از قول انس روایت کنند که آن حضرت فرمود:

«این دین تا دوازده نفر از قریش باشند، به هیچ روی نابود نگردد؛ و چون از دنیا بروند، زمین نیز، اهل خود را فرو می‌برد» (۴).

و- در روایت دیگری فرمود:

«کار این امت، تا هنگامی که همه آن دوازده نفر قیام کنند، همیشه قرین پیروزی است. آنان همگی از قریش اند» (۵).

ز- احمد بن حنبل و حاکم و دیگران از مسروق روایت کنند که گفت:

شبی نزد عبد الله بن مسعود نشسته بودیم و او قرآن به ما می‌آموخت که مردی پرسید: ای ابا عبد الرحمان! آیا از رسول

(۱)- منتخب کنز العمال ج ۵ / ۳۲۱، تاریخ بن کثیر ج ۶ / ۲۴۹. تاریخ خلفا سیوطی ص ۱۰. کنز العمال ج ۱۳ / ۲۶، الصواعق المحرقة

ص ۲۸

(۲)- کنز العمال ج ۱۳ / ۲۷ و منتخب آن ج ۵ / ۳۱۲.

(۳)- شرح صحیح مسلم، نووی، ج ۱۲ / ۲۰۲ الصواعق المحرقة ص ۱۸. تاریخ خلفا سیوطی ص ۱۰.

(۴)- کنز العمال ج ۱۳ / ۲۷.

(۵)- کنز العمال ج ۱۳ / ۲۷.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۶۶

خدا پرسیدید چه تعداد از این امت به خلافت می‌رسند؟

عبد الله گفت: از هنگامی که به عراق آمده‌ام، هیچ کس پیش از تو، چنین سؤالی از من نکرده است. بعد گفت: ما این موضوع را [از رسول خدا صلی الله علیه و اله پرسیدیم و آن حضرت فرمود: «آنان دوازده نفرند، به تعداد نقبای بنی اسرائیل»] «۱».

ح- در روایت دیگری ابن مسعود گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:

«خلفای بعد از من به تعداد اصحاب موسی هستند» «۲».

ابن کثیر گوید: همانند این از عبد الله بن عمر و حذیفه و ابن عباس نیز، روایت شده است «۳».

مؤلف گوید: نمی‌دانم مقصود ابن کثیر از روایت ابن عباس، همان است که حاکم حسکانی از ابن عباس روایت کرده یا غیر آن است.

روایات گذشته صریحا می‌گوید:

«عدد والیان دوازده نفر و همگی از قریش‌اند».

و امام علی علیه السلام در سخن خود مقصود از «قریش» را در این

(۱)- مسند احمد ج ۱ / ۳۹۸ و ۴۰۶ احمد شاکر در حاشیه اول (- ۳۹۸) گوید:

اسناد آن صحیح است. مستدرک حاکم و تلخیص آن جلد ۴ / ۵۰۱، فتح الباری ج ۱۶ / ۳۳۹، مجمع الزوائد ج ۵ / ۱۹۰، الصواعق المحرقة، ابن حجر ص ۱۲، تاریخ خلفا سیوطی ص ۱۰، جامع الصغیر سیوطی ج ۱ / ۷۵، کنز العمال، متقی، جلد ۱۳ / ۲۷ گوید: طبرانی و نعیم بن حماد نیز آن را در رفتن آورده‌اند.

فیض القدير ج ۲ / ۴۵۸. تاریخ بن کثیر ج ۶ / ۲۴۸-۲۵۰ در باب ذکر الائمة الاثني عشر الذين كلهم من قریش از ابن مسعود.

(۲)- تاریخ بن کثیر ج ۶ / ۲۴۸. کنز العمال ج ۱۳ / ۲۷ شواهد التنزیل حسکانی ج ۱ / ۴۵۵ حدیث ۶۲۶.

(۳)- ابن کثیر ج ۶ / ۲۴۸.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۶۷

روایات بیان کرده و می‌فرماید:

«همه امامان از قریش‌اند و در این تیره از هاشم [اهل البيت علیه السلام جایگزین شده‌اند، ولایت برای غیر آنان روا نیست و والیان جز ایشان شایسته [ولایت نباشند]» «۱».

و نیز فرمود:

«اللهم بلی لا تخلوا الأرض من قائم لله بحجةٍ اَما ظاهرا مشهورا او خائفا مغمورا لئلا تبطل حجج الله و بیناته ...»

خداوند! آری، زمین هرگز از قیام‌کننده به حق برای خدا خالی نخواهد شد، [این امام قائم،] یا پیروز است و نمایان و یا خائف است و پنهان، تا حجت‌های خدا و نشانه‌های روشن الهی نابود نگردد «۲».

امامان دوازده‌گانه در تورات

ابن کثیر گوید: در توراتی که در دست اهل کتاب است موضوعی آمده که معنای آن چنین است:

«خداوند متعال ابراهیم علیه السلام را به وجود اسماعیل علیه السلام بشارت داد و فرمود: اسماعیل را زیادتی بخشم و نسل او را گسترده گردانم و در بین آنان دوازده نفر را از بزرگان و فرزندان قرار دهم».

و گوید:

«ابن تیمیه گوید: اینان که به وجودشان بشارت داده شده، همان

(۱) - نهج البلاغه خطبه ۱۴۲.

(۲) - ینابیع الموده، شیخ سلمان حنفی در باب صدم، ص ۵۲۳. احیاء علوم الدین، غزالی ج ۱/۳، حلیه الاولیاء ج ۱/۸۰ فشرده

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۶۸

است که در حدیث جابر بن سمره آمده و مقرر گردیده تا در میان امت پراکنده باشند، و اینکه قیامت برپا نگردد مگر آنکه موجود شده باشند، و بسیاری از یهودیانی که به اسلام مشرف شده‌اند، اشتباه کرده و پنداشته‌اند آنان همان کسانی‌اند که فرقه را فضه [شیعیان دوازده امامی به سوی آنان دعوت کرده و از ایشان پیروی می‌کنند] «۱».

مؤلف گوید: بشارت مورد اشاره در «سفر پیدایش» تورات امر وزین، باب: [۱۷ شماره ۱۸ - ۲۰] اصل عبری چنین است:

«قی لیشماعیل بیرختی اوتوقی هفرتی اوتوقی هر بیتی بمنود شنیم عسار نسیئیم یولید قی نتتیف لگوی گدول» «۲».

ترجمه: اسماعیل را مبارک ساخته و جدا او را بهره‌مند و پر بار و کثیر و گسترده گردانم، دوازده عدد امام از او پدید آید و او را به امت بزرگ و عظیمی تبدیل خواهیم کرد.

این بخش از تورات اشاره به آن دارد که، مبارکی و پرباری و کثرت افراد تنها در نسل اسماعیل علیه السلام است.

واژه «شنیم عسار» یعنی: دوازده نفر، که لفظ «عسار» در اعداد

(۱) - تاریخ بن کثیر ج ۶/۲۴۹ و ۲۵۰.

(۲) - عهد قدیم، سفر التکوین باب ۱۷ شماره ۲۰ ص ۲۲ و ۲۳

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۶۹

ترکیبی که معدود آن مذکور باشد، می‌آید «۱» و معدود در اینجا «نسیئیم» و مذکر است و با اضافه شدن «یم» در آخر آن معنای جمع می‌دهد.

مفرد آن «ناسی» یعنی: امام و پیشوا و رئیس است «۲».

و اما سخن خداوند به ابراهیم علیه السلام در همان بخش نیز، یعنی عبارت «فی نتتیف لگوی گدول»، واژه «فی نتتیف» مرکب است از «فی» که حرف عطف است، و «ناتن» که فعل است و به معنای: قرار می‌دهم، و «یف» که ضمیر است و در آخر فعل آمده به اسماعیل علیه السلام بازمی‌گردد، یعنی: او را [چنین قرار می‌دهم] «۳». و اما لفظ «گوی» به معنای امت و مردم است «۴»، و «گدول» به معنای «کبیر و عظیم» «۵» و تمام جمله یعنی: «او را امت کبیر و بزرگی گردانم».

از مجموع این فقره روشن می‌گردد که مقصود از «کثرت و برکت» در نسل اسماعیل علیه السلام دقیقاً رسول خدا محمد صلی الله علیه و اله و اهل بیت آن حضرت علیه السلام می‌باشند، و آنانند که دنباله و امتداد نسل اسماعیل علیه السلام هستند. زیرا، خداوند متعال به ابراهیم علیه السلام فرمود: از سرزمین «نمرود» خارج شده و به «شام» برود. آن حضرت نیز، همراه با همسرش «ساره» و «لوط» به فرمان خدا هجرت کردند و در سرزمین فلسطین فرود آمدند.

خداوند متعال ثروت ابراهیم علیه السلام را بسیار فزونی بخشید.

ابراهیم گفت: «خداوندا من با این مال بدون اولاد چه کنم؟» خدای

(۱) - معجم الحدیث عبری - عربی، ص ۳۱۶

(۲) - معجم الحدیث عبری - عربی، ص ۳۶۰

(۳) - معجم الحدیث عبری - عربی، ص ۸۴ و ۳۱۷

(۴) - المعجم الحدیث عربی - عربی ص ۸۴ و ۳۱۷

(۵) - معجم الحدیث عبری - عربی، ص ۸۴ و ۳۱۷.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۷۰

متعال به او وحی کرد: «من فرزندان تو را به قدری کثیر و بسیار گردانم که به تعداد ستارگان باشند» در آن زمان «هاجر» کنیزک «ساره» بود و او را به ابراهیم علیه السلام بخشید، هاجر از ابراهیم علیه السلام باردار شد و اسماعیل علیه السلام را برای او به دنیا آورد. سن ابراهیم علیه السلام در آن حال ۸۶ سال بود (۱).

قرآن کریم در ضمن دعای ابراهیم علیه السلام و درخواست او از خدای متعال، به این حقیقت روشن اشاره کرده و می‌فرماید: ابراهیم گفت:

رَبَّنَا إِنِّي أَسِيكُنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (۲)

پروردگارا! من برخی از ذریه خود را در بیابانی خشک، در کنار خانه محترم تو جای دادم تا نماز را به پای دارند.

پروردگارا! دلهائی از مردمان را به سوی آنان بگردان و آنان را از ثمرات روزی ده، باشد که سپاس گویند.

این آیه کریمه تأکید می‌کند که ابراهیم علیه السلام برخی از ذریه و نسل خود را که اسماعیل و فرزندان متولد او در مکه بودند، در کنار خانه خدا جای داد و از خدای متعال درخواست کرد تا رحمت و هدایت بشر در طول تاریخ را بر عهده ذریه و فرزندان او قرار دهد، خداوند نیز دعوتش را پذیرفته و آن را در نسل او، محمد صلی الله علیه و اله و دوازده امام علیهم السلام قرار داده است. امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است:

(۱) - تاریخ یعقوبی ج ۱ / ۲۴ و ۲۵ نشر مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام قم.

(۲) - ابراهیم / ۳۷

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۷۱

«نحن بقیة تلك العترة و كانت دعوة ابراهيم لنا»

مائیم بقیه آن [ذریه و] عترت و دعای ابراهیم علیه السلام برای ما بود (۱).

فشرده احادیث گذشته:

خلاصه و نتیجه که از احادیث گذشته بدست می‌آید این است که: تعداد امامان در این امت دوازده نفر پی‌درپی هستند، و پس از دوازدهمین امام، عمر این دنیا پایان می‌گیرد.

در حدیث اول آمده بود:

«این دین تا قیام قیامت و تا هنگامی که دوازده خلیفه بر سر شما باشند، استوار و برپا خواهد بود...»

این حدیث، مدت برپا بودن این دین را تعیین، و آن را به برپایی قیامت محدود ساخته و تعداد امامان این امت را دوازده نفر دانسته است.

در حدیث پنجم آمده بود:

«این دین پیوسته تا زمانی که دوازده نفر از قریش موجود باشند استوار و برپاست، و هنگامی که در گذرند، زمین اهل خود را فرومی‌برد».

این حدیث نیز، وجود و بقای دین را تا پایان عمر امامان دوازده گانه تأیید کرده و پایان عمر آنان را پایان دنیا می‌داند. در حدیث هشتم نیز، عدد امامان علیه السلام را تنها دوازده نفر دانسته و

(۱) - آنچه در اصل عبری تورات و تعلیقه آن آمده. آن را از مقاله استاد احمد الواسطی در مجله «التوحید» نشریه سازمان تبلیغات اسلامی تهران شماره ۵۴ (ص ۱۲۷ و ۱۲۸) نقل کردیم. ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۷۲ فرموده:

«خلفای پس از من به تعداد اصحاب موسی هستند».

این حدیث دلالت بر آن دارد که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله به جز خلفای دوازده گانه، خلیفه دیگری نخواهد بود. الفاظ این روایات که با صراحت می‌گویند:

«عدد خلفا تنها دوازده نفر است و بعد از آنان هرج و مرج و نابودی زمین و برپایی قیامت است»

دیگر الفاظی را که چنین صراحتی از آنها دانسته نمی‌شود، بیان و تبیین می‌کند.

بنابراین، لازم است عمر یکی از امامان دوازده گانه، برخلاف عمر عادی انسانها، طولانی و خارق العاده باشد. چنانکه اکنون واقع شده و دوازدهمین امام از «اثنه عشر» و اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله بدین گونه است.

حیرت علما در تفسیر این حدیث

دانشمندان مکتب خلفا در بیان مقصود از «امامان دوازده گانه» که در این روایت آمده است، دچار حیرت و زحمت شده و دیدگاههای متفاوتی ارائه داده‌اند.

ابن عربی شارح «سنن ترمذی» گوید:

«ما امیران بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله را که برشمردیم دیدیم: ابو بکر، عمر، عثمان، علی، حسن، معاویه، یزید، معاویه بن یزید، مروان، عبد الملک مروان، ولید، سلیمان، عمر بن عبد العزیز، یزید بن عبد الملک، مروان بن محمد بن مروان، سفاح و ... هستند».

او پس از آن بیست و هفت نفر از خلفای عباسی تا عصر خود را

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۷۳

برشمرده و گوید:

«اگر از مجموع آنها «دوازده نفر» را به صورت ظاهر شماره کنیم آخرین آنها «سلیمان» بن عبد الملک است، و اگر به معنای واقعی خلیفه نظر داشته باشیم، تنها پنج نفر برای ما باقی می‌ماند: خلفای چهار گانه و عمر بن عبد العزیز.

بنابراین، من معنایی برای این حدیث نمی‌یابم» (۱).

قاضی عیاش در جواب این سخن که می‌گوید: بیش از این تعداد [- دوازده نفر] به ولایت رسیدند، گفته است:

«این اعتراضی نادرست است. زیرا، پیامبر صلی الله علیه و آله نفرموده است تنها دوازده نفر به ولایت می‌رسند. البته این تعداد به

ولایت رسیده‌اند و این مطلب از اضافه شدن بر تعداد آنها منع نمی‌کند «۲».

«سیوطی» در جواب آن سخنی را نقل کرده که گوید:

«مراد حدیث، وجود «دوازده نفر خلیفه» در طول دوران اسلام تا قیامت است که عامل بر حق باشند، اگرچه پی‌درپی نباشند» «۳».

در فتح الباری گوید:

«یقیناً از این تعداد [دوازده نفر] خلفای چهارگانه در گذشته‌اند، و بقیه نیز، به ناچار باید تا پیش از برپایی قیامت، تکمیل گردد» «۴».

ابن الجوزی گوید:

(۱) - شرح ابن عربی بر سنن ترمذی، ج ۹ / ۶۸ و ۶۹.

(۲) - شرح نووی بر صحیح مسلم ج ۱۲ / ۲۰۱ و ۲۰۲. فتح الباری ج ۱۶ / ۳۳۹، عبارت متن از اوست، در ص ۳۴۱ نیز آن را آورده است.

(۳) - تاریخ خلفا سیوطی ص ۱۲.

(۴) - فتح الباری ج ۶ / ۳۴۱، تاریخ خلفا ص ۱۲.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۷۴

«بنابراین، آنجا که فرموده: «سپس فتنه و آشوب خواهد بود»، مراد فتنه‌های پیش از برپایی قیامت مانند: خروج دجال و بعد آن می‌باشد» «۱».

سیوطی گوید:

«از این «دوازده نفر» خلفای چهارگانه و حسن و معاویه و عبد الله ابن زبیر و عمر بن عبد العزیز، این هشت نفر، روی کار آمدند و احتمال اینکه مهدی عباسی را هم به آنان اضافه کنیم - که او در بین عباسیان همانند عمر بن عبد العزیز در میان امویان است - و نیز، طاهر عباسی را به خاطر عدالت‌خواهی‌اش، باز هم دو نفر باقی و مورد انتظار است که یکی از آنان «مهدی» آل محمد صلی الله علیه و اله از اهل البیت خواهد بود «۲».

و نیز، گفته شده:

«مراد حدیث آن است که، آن «دوازده نفر» در دوران عزت خلافت و قوت اسلام و استواری امور آن باشند، از کسانی که در زمان وی، اسلام عزیز گشته و همه مسلمانان پیرامون او گرد آیند» «۳».

بیهقی گوید:

«این تعداد [دوازده نفر] تا زمان ولید بن یزید بن عبد الملک روی کار آمدند، سپس فتنه و آشوب بزرگ برپا شد و پس از آن

(۱) - فتح الباری ج ۶ / ۳۴۱، تاریخ خلفا سیوطی ص ۱۲.

(۲) - الصواعق المحرقة ص ۱۹ و تاریخ خلفا سیوطی ص ۱۲ بنابراین، برای پیروان مکتب خلفاء دو امام منتظر خواهد بود که یکی از آنان مهدی علیه السلام است در حالی که پیروان مکتب اهل البیت علیهم السلام تنها یک امام منتظر دارند

(۳) - نووی در شرح صحیح مسلم ج ۱۲ / ۲۰۲ و ۲۰۳، به این موضوع اشاره کرده و ابن حجر در «فتح الباری» ج ۱۶ / ۳۳۸ - ۳۴۱، و سیوطی در تاریخ خلفا ص ۱۰، و آن را آورده‌اند.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۷۵

حکومت عباسیان غالب آمد، و اینکه بر عدد مذکور می‌افزایند بدان خاطر است که صفت مورد اشاره در حدیث را رها کرده یا کسانی را که بعد از فتنه مذکور آمده‌اند از آنان شمرده‌اند» (۱).

و نیز گفته‌اند:

«کسانی که امت بر آنان اجتماع کرده‌اند: خلفای ثلاثه و سپس علی تا زمان حکمیت در صفین که معاویه را در آن روز خلیفه نامیدند. سپس با صلح حسن بر معاویه اجتماع کردند و پس از او بر پسرش یزید. حسین هم که پیش از رسیدن به خلافت کشته شد. با مرگ یزید اختلاف کردند تا آنکه پس از کشته شدن ابن زبیر، بر عبد الملک مروان اجتماع نمودند و سپس بر فرزندان چهارگانه او: ولید و سلیمان و یزید و هشام که در این جمع عمر بن عبد العزیز میان سلیمان و یزید فاصله شد و دوازدهمین آنان ولید بن یزید بن عبد الملک بود که مردم پس از هشام بر او اجتماع کردند و او چهار سال حکومت کرد» (۲).

بنابراین، خلافت این دوازده نفر به خاطر اجتماع مسلمانان بر آنها صحیح است، و پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمانان را به خلافت و جانشینی اینان از خودش - در حمل و انتقال اسلام به مردم - بشارت داده است!

«ابن حجر» درباره این توجیه گوید: «این بهترین توجیه است».

و ابن کثیر گوید:

«راهی را که بیهقی پیموده و عده‌ای با وی موافقت کرده‌اند، یعنی

(۱) - تاریخ بن کثیر ج ۶ / ۲۴۹ به نقل از بیهقی.

(۲) - تاریخ خلفا ص ۱۱، الصواعق المحرقة ص ۱۹، فتح الباری ج ۱۶ / ۳۴۱.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۷۶

اینکه، مراد حدیث از خلفای پی‌درپی، تا زمان ولید بن یزید بن عبد الملک فاسق می‌باشد، ولیدی که در گذشته در مذمت او سخن گفتیم، راهی غیر مقبول است. زیرا، خلفای مورد اشاره تا زمان ابن ولید، بیش از «دوازده نفرند»، دلیل آن این است که: خلافت ابو بکر و عمر و عثمان و علی مسلم است ... پس از آنان حسن بن علی است چنانکه واقع شد و علی او را وصی خود قرار داد و مردم عراق با او بیعت کردند ... تا آنکه او و معاویه صلح کردند. سپس پسر معاویه یزید و بعد، پسر یزید معاویه بن یزید و سپس مروان بن حکم و بعد پسرش عبد الملک مروان و ولید بن عبد الملک، سپس سلیمان بن عبد الملک، و بعد عمر بن عبد العزیز و پس از او وی یزید بن عبد الملک و بعد هشام بن عبد الملک، که جمع آنها پانزده نفر می‌شود و سپس ولید بن یزید بن عبد الملک، و اگر حکومت ابن زبیر را که قبل از عبد الملک بود به حساب آوریم، شانزده نفر می‌شوند، و با این حساب، یزید بن معاویه جزء آن دوازده نفر شده و عمر بن عبد العزیز که همه پیشوایان بر مدح و سپاس او متفق‌القولند، و او را از خلفای راشدین به شمار آورده و همه مردم بر عدالت او اتفاق نظر دارند، و دوران او از بهترین دوره‌ها بوده و حتی شیعیان نیز بدان اعتراف دارند، از جمع «دوازده نفر» خارج می‌گردد.

و اگر بگویید: من تنها کسانی را به حساب می‌آورم که امت بر آنان اجتماع کرده باشند، لازم‌اش آن است که «علی بن ابی طالب» و فرزندش به حساب نیایند، زیرا همه مردم بر آن دو اجتماع نکردند، دلیلش آن که مردم شام، همگی، از بیعت با او سرباز زدند».

و نیز گوید: «برخی توجیه‌کنندگان، معاویه و پسرش یزید و

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۷۷

نوه‌اش معاویه بن یزید را به شمار آورده، و زمان مروان و ابن زبیر را قید نکرده‌اند، زیرا امت بر هیچ‌یک از آنها اجتماع نکرده‌اند».

بنابراین دیدگاه نیز، می‌گوییم: «در این مسلک خلفای سه‌گانه سپس معاویه و بعد یزید و سپس عبد الملک و بعد ولید بن سلیمان و

سپس عمر بن عبد العزیز و بعد یزید و بعد هشام به شمار آیند که جمعا ده نفرند و بعد از آنها ولید بن یزید بن عبد الملک فاسق است که لازمه این دیدگاه نیز، اخراج علی و پسرش حسن خواهد بود، و این دقیقا برخلاف آن نظری است که امامان اهل سنت و بلکه شیعه بر آن تصریح کرده‌اند» (۱).

ابن الجوزی در کتاب «کشف المشکل» در جواب از این توجیهاات دو وجه دیگر را نقل کرده که گویند:

اول- «پیامبر صلی الله علیه و اله در حدیث خویش اشاره به حوادث بعد از خود و اصحاب خود ندارند، و چون حکم اصحاب با حکم آن حضرت پیوسته و مرتبط است، نتیجه می‌گیریم که خبر از حکومت‌های واقع شده پس از صحابه است. و چنان می‌نماید که با بیان خود اشاره به عدد خلفای بنی امیه دارد، و گویا سخن آن حضرت: «لا یزال الدین» یعنی: ولایت تا آنجا که دوازده خلیفه به حکومت برسند ادامه دارد، سپس اوضاع به حالت دیگری، بدتر از حال اول، برمی‌گردد. با این حساب، اولین خلیفه بنی امیه یزید بن معاویه و آخرینشان مروان حمار است که تعدادشان «سیزده نفر» می‌باشد، و عثمان و معاویه و ابن زبیر به شمار نیایند، زیرا آنها از صحابه‌اند. و اگر مروان بن حکم را نیز- به دلیل اختلاف در صحابی بودن یا مغلوبیتش در برابر عبد

(۱)- تاریخ ابن کثیر ج ۶ / ۲۴۹ و ۲۵۰.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۷۸

ابن زبیر و اجتماع مردم بر عبد الله- از جمع مذکور خارج کنیم، «عدد دوازده» راست می‌آید. و پس از خروج خلافت از دست بنی امیه نیز، فتنه‌های عظیم و خونریزیهای بسیار واقع شد تا آنکه دولت بنی عباس مستقر گردید و اوضاع از آنچه بر آن بود، کاملا متغیر و دگرگون شد» (۱).

ابن حجر در «فتح الباری» این استدلال را مردود دانسته است.

دوم- ابن جوزی «وجه دوم» را از جزوه‌ای که «ابو الحسین ابن منادی» درباره «مهدی» گرد آورده نقل کرده که گوید:

«ممکن است این موضوع مربوط به بعد از مهدی باشد که در آخر الزمان خروج می‌کند. زیرا، من در کتاب «دانیال» دیده‌ام که:

«هنگامی که مهدی وفات کند، پنج تن از نوادگان «سبط اکبر» به حکومت می‌رسند، سپس پنج تن از نوادگان «سبط اصغر»، پس از آن آخرینشان مردی از سبط اکبر را وصی خود می‌کند، بعد از او پسرش به حکومت می‌رسد و بدین ترتیب «دوازده نفر» حاکم می‌شوند که هر یک از آنان امام و مهدی هستند». گوید: در روایت دیگری است «... پس از او دوازده نفر مرد: شش تن از اولاد حسن، و پنج تن از اولاد حسین، و یک نفر از غیر ایشان به حکومت می‌رسند و چون فرد اخیر می‌میرد فساد عالمگیر می‌شود».

ابن حجر در صواعق خود بر این حدیث حاشیه زده و گوید:

«این روایت، یقینا روایتی واهی است و اعتمادی بر آن نیست!» (۲).

(۱)- فتح الباری ج ۱۶ / ۳۴۰ به نقل از ابن الجوزی در کتاب «کشف المشکل».

(۲)- فتح الباری ج ۱۶ / ۳۴۱، الصواعق المحرقة ص ۱۹.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۷۹

گروه دیگری گویند:

«ظن غالب آن است که آن حضرت علیه الصلاة والسلام، در این حدیث، از عجایب بعد از خود خبر داده، فتنه‌هایی که مردم را در یک زمان متفرق کرده و تحت فرمان «دوازده» امیر می‌کشاند. و اگر غیر این را اراده کرده بود می‌فرمود: «دوازده امیرند که چنین می‌کنند» و چون چنین وصفی برای آنها بیان نکرده اینگونه می‌فهمیم که اینان در زمان واحد خواهند بود ...» (۱).

گفته‌اند: در قرن پنجم هجری تنها در «اندلس» واقعه‌ای رخ داد که شش نفر همگی خود را «خلیفه» می‌نامیدند، اضافه بر آنها، حاکم مصر، خلیفه عباسی بغداد و دیگر مدعیان خلافت، از علویان و خوارج نیز، مدعی خلافت بودند «۲».

ابن حجر درباره این توجیه گوید:

«این سخن کسی است که به چیزی از طرق حدیث - جز آنچه که به نحو فشرده در «بخاری» آمده - آگاهی نداشته است» «۳». و نیز گوید:

«وجود آنان در زمان واحد، عین پراکندگی و افتراق است و نمی‌تواند مراد حدیث باشد» «۴».

بدین گونه، علمای مکتب خلفا در تفسیر روایات گذشته، به دیدگاه واحدی نرسیدند. علاوه بر آن، از آوردن روایاتی که رسول خدا صلی الله علیه و اله اسامی آن دوازده نفر را بیان فرموده نیز، اغماض و اهمال کرده‌اند. زیرا، با سیاست حاکم بر مکتب خلفا در طی قرون متمادی

(۱) - فتح الباری ج ۱۶ / ۳۳۸.

(۲) - شرح نووی جلد ۱۲ / ۲۰۲، فتح الباری ج ۱۶ / ۳۳۹.

(۳) - فتح الباری ج ۱۶ / ۳۳۸.

(۴) - فتح الباری ج ۱۶ / ۳۳۹.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۸۰

در تخالف و تضاد بوده است. این روایات را محدثان مکتب اهل بیت علیهم السّلام در تألیفات خود با اسنادی که به نیکان صحابه می‌رسد، از رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت کرده‌اند. و ما در بخش آینده به آوردن اندکی از آنها که هر دو گروه در کتب خود آورده‌اند بسنده می‌کنیم.

اسامی دوازده نفر در مکتب خلفا

الف - امام جوینی: «۱» از عبد الله بن عباس روایت کند که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:

«أنا سید التّبیین و علی بن ابی طالب سید الوصیین، و انّ أوصیائی بعدی اثنا عشر، أولهم علی بن ابی طالب و آخرهم المهدی»

«من آقای پیامبران و علی بن ابی طالب آقای اوصیاست، همانا اوصیای پس از من «دوازده» نفرند، اولینشان علی بن ابی طالب و آخرینشان مهدی است».

ب - امام جوینی: باز هم به سند خود از ابن عباس روایت کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:

«همانا خلفای من و اوصیایم و حجت‌های خدا بر مردم پس از من «دوازده» نفرند، اولینشان برادرم و آخرینشان فرزندم

(۱) - ذهبی، رجال معروف در کتاب «تذکره الحفاظ» ص ۱۵۰۵ درباره او گوید:

امام محدث یگانه، اکمل، فخر الاسلام، صدر الدین ابراهیم بن محمد بن حمویه جوینی شافعی، شیخ صوفیه، شدیداً نسبت به روایت و گردآوری اجزای آن عنایت داشت، غازان شاه به دست او اسلام آورد.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۸۱

خواهد بود». گفته شد: ای رسول خدا! برادر شما کیست؟

فرمود: «علی بن ابی طالب». گفته شد: فرزند شما کیست؟

فرمود: «آن مهدی است. کسی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که از ظلم و ستم انباشته شده است. قسم به آن که مرا بشارتگر و بیم‌دهنده بر حق فرستاده، اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند این روز را آنقدر طولانی کند تا فرزند من مهدی در آن خروج کند و روح خدا عیسی بن مریم فرود آید و در پس او نماز بگزارد و زمین از نور پروردگارش روشن گردد، و فرمانروایی اش مشرق و مغرب را فراگیرد».

ج- امام جوینی: باز هم به سند خود روایت کند که راوی گفت:

شندیم رسول خدا صلی الله علیه و اله می‌فرمود:

«أنا و علی و الحسن و الحسین و تسعة من ولد الحسین مطهرون معصومون».

«من و علی و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین پاکیزگان و معصومانیم» (۱).

سیاست حاکم بر مکتب خلفا در طی قرون بر آن بود که امثال اینگونه احادیث را از دسترس ابنای امت اسلامی به دور داشته و بر آنها پرده پوشاند. و راستی که بخش عظیم پیروان این مکتب در این راه، جهاد شایانی کردند، و ما نمونه‌هایی از آن را در بحث و بررسی از «اقدامات مکتب خلفا با نصوص سنت رسول خدا صلی الله علیه و اله که مخالف

(۱)- احادیث: الف، ب و ج، در کتاب فوائد السمطین، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۱۶۴ و ۱۶۹۰-۱۶۹۱، برگه ۱۶۰ آمده است.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۸۲

دیدگاهشان بود» در معالم المدرستین آوردیم. و چون در این بحث مجالی برای آوردن آن احادیث نداریم، تنها روایاتی را می‌آوریم که به معرفی امامان دوازده‌گانه پرداخته است. روایاتی از رسول خدا صلی الله علیه و اله که در آنها متواترا به اسامی ایشان اشاره و تصریح شده است.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۸۳

معرفی امامان دوازده‌گانه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و اله

امام اول: امیر المؤمنین علی علیه السلام

پدرش ابو طالب فرزند عبدالمطلب بن هاشم.

مادر: فاطمه بنت اسد بن هاشم.

کنیت آن حضرت: ابو الحسن و الحسین، ابو تراب.

لقب آن حضرت: وصی، امیر المؤمنین.

تولد آن حضرت: در سال سی‌ام پس از «عام الفیل» در بیت الله الحرام «۱»، کعبه، به دنیا آمد.

شهادت آن حضرت: در سال چهلیم هجری به دست عبد الرحمن ابن ملجم، - یکی از خوارج - به شهادت رسید و در بیرون

(۱)- فاطمه بنت اسد، مادر امام علی علیه السلام در حال بارداری مشغول طواف بود که درد زایمان به سراغش آمد، در این هنگام درب

کعبه گشوده و او داخل شد و فرزندش علی علیه السّلام را به دنیا آورد، برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید، مستدرک ج ۳/۴۸۳، تذکره خواص الائمة ص ۱۰ و مناقب ابن مغازی ص ۷.
ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۸۴
کوفه، نجف اشرف، دفن گردید.

امام دوم: حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام

مادر: فاطمه زهرا (س) دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و اله
کنیه آن حضرت: ابو محمد.
لقب آن حضرت: سبط اکبر، مجتبی.
ولادت آن حضرت: در نیمه ماه رمضان سال سوم هجری در مدینه به دنیا آمد.
شهادت آن حضرت: در بیست و هشتم ربیع الاول سال پنجاهم هجری به شهادت رسیده و در بقیع، در مدینه منوره دفن گردید.

امام سوم: حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام

مادر: فاطمه زهرا (س) دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و اله.
کنیت: ابو عبد الله.
لقب: سبط، شهید کربلا.
ولادت: سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه.
شهادت: در دهم محرم سال ۶۱ هجری به همراه اهل بیت و یارانش در کربلا به دست یزیدیان به شهادت رسید. مزار آن حضرت، هم‌اکنون در کربلا یکی از شهرهای عراق است «۱».

(۱) - مراجعه کنید: شرح حال ائمه: علی و دو فرزندش حسن و حسین علیهما السّلام حوادث سال ۴۰، ۵۰، ۶۰ هجری در تاریخ طبری ابن اثیر، ذهبی و ابن کثیر، و نیز به شرح حال ایشان در تاریخ بغداد، تاریخ دمشق، استیعاب، أسد الغابه، اصابه و طبقات ابن سعد -

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۸۵

امام چهارم: علی بن الحسین علیه السلام.

مادر: غزاله یا شاه زنان.
کنیت: ابو الحسن.
لقب: زین العابدین، سجّاد.
تولد: در سال ۳۳ یا ۳۷ یا ۳۸ هجری در مدینه.
شهادت: در سال ۹۴ هجری به شهادت رسیده و در بقیع جنب عمویش امام حسن علیه السلام دفن گردید «۱».

امام پنجم: محمد بن علی علیه السلام.

مادر: امّ عبد الله دخت امام حسن بن علی علیه السلام.

کنیت: ابو جعفر.

لقب: باقر.

ولادت: در سال ۵۷ هجری در مدینه.

شهادت: در سال ۱۱۷ هجری در مدینه به شهادت رسیده و در بقیع در کنار پدرش زین العابدین دفن گردید «۲» «۳».

(۱) - مراجعه کنید، تاریخ ابن اثیر، ابن کثیر و ذهبی، حوادث سال ۹۴ هجری و نیز به شرح حال امام علیه السلام در طبقات ابن سعد، حلیه الاولیاء و فیات الاعیان تاریخ یعقوبی ج ۲/ ۳۰۳ و تاریخ مسعودی ج ۳/ ۱۶۰.

(۳) - مراجعه کنید، تذکره الحفاظ، ذهبی و فیات الاعیان، صفوة الصفوة حلیه الاولیاء تاریخ یعقوبی ج ۲/ ۳۲۰، تاریخ الاسلام ذهبی تاریخ بن کثیر حوادث سال ۱۱۵ و ۱۱۷ و ۱۱۸، شرح حال امام باقر علیه السلام.

(۲) - مراجعه کنید، تاریخ ابن اثیر، ابن کثیر و ذهبی، حوادث سال ۹۴ هجری و نیز به شرح حال امام علیه السلام در طبقات ابن سعد، حلیه الاولیاء و فیات الاعیان تاریخ یعقوبی ج ۲/ ۳۰۳ و تاریخ مسعودی ج ۳/ ۱۶۰.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۸۶

امام ششم: جعفر بن محمد علیه السلام.

مادر: امّ فروه دخت قاسم بن محمد بن ابی بکر.

کنیت: ابو عبد الله.

لقب: صادق.

ولادت: در سال ۷۳ هجری در مدینه.

شهادت: در سال ۱۴۸ هجری به شهادت رسیده و در بقیع در جنب پدرش امام باقر علیه السلام دفن گردید «۱».

امام هفتم: موسی بن جعفر علیه السلام.

مادر: حمیده.

کنیت: ابو الحسن.

لقب: کاظم.

ولادت: در سال ۱۲۸ هجری در مدینه.

شهادت: در سال ۱۸۳ هجری در زندان خلیفه هارون الرشید در بغداد به شهادت رسید و در قبرستان قریش بخش غربی بغداد امروزین، معروف به شهر کاظمیه دفن گردید «۲».

امام هشتم: علی بن موسی علیه السلام.

مادر: نجمه. یا (تکتم) «۳».

(۱) - مراجعه کنید، شرح حال امام صادق ع در حلیة الاولیاء، و فیات الاعیان، تاریخ یعقوبی ج ۲/ ۳۸۱ و تاریخ مسعودی ج ۳/ ۳۴۶.

(۲) - مراجعه کنید، شرح حال امام کاظم علیه السلام در مقاتل الطالیین، تاریخ بغداد و فیات الاعیان، و صفوة الصفوة، تاریخ بن کثیر ج ۱۸ / ۲ و تاریخ یعقوبی ج ۴۱۳ / ۲.

(۳) - البحار ج ۳ / ۴۹ و ۷.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۸۷

کنیت: ابو الحسن.

لقب: رضا.

ولادت: در سال ۱۵۳ هجری در مدینه منوره.

شهادت: در سال ۲۰۳ هجری به شهادت رسیده و در طوس خراسان [- مشهد] مدفون است «۱».

امام نهم: محمد بن علی علیه السلام.

مادر: سکینه.

کنیت: ابو عبد الله.

لقب: جواد.

ولادت: در سال ۱۹۵ هجری در مدینه منوره.

شهادت: در سال ۲۲۰ هجری در بغداد به شهادت رسید و در کنار جدش موسی بن جعفر علیه السلام دفن گردید «۲».

امام دهم: علی بن محمد علیه السلام.

مادر: سمانه مغربیه.

کنیت: ابو الحسن عسکری.

لقب: هادی.

ولادت: در سال ۲۱۴ هجری در مدینه منوره.

شهادت: در سال ۲۵۴ به شهادت رسید و در شهر سامرای

(۱) - مراجعه کنید، تاریخ طبری، ابن کثیر، تاریخ الاسلام ذهبی و فیات الاعیان حوادث سال ۲۰۳ ه تاریخ یعقوبی ج ۴۵۳ / ۲ و مسعودی ج ۴۴۱ / ۳.

(۲) - مراجعه کنید، تاریخ بغداد ج ۳ / ۵۴، و فیات الاعیان، شذرات الذهب ج ۲ / ۴۸ و مسعودی ج ۳ / ۴۶۴.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۸۸

عراق دفن گردید «۱».

امام یازدهم: حسن بن علی علیه السلام.

مادر: امّ ولد به نام سوسن.

کنیت: ابو محمد.

لقب: عسکری.

ولادت: در سال ۲۳۱ هجری در سامرا.

شهادت: در سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسیده و در سامرا دفن گردید «۲».

امام دوازدهم: حضرت حجت بن الحسن - عجل الله فرجه.

مادر: امّ ولد به نام نرجس یا صیقل.

کنیت: ابو عبد الله، ابو القاسم.

لقب: قائم، منتظر، خلف، مهدی، صاحب الزمان.

ولادت: در سال ۲۵۵ هجری در سامرا.

آن حضرت آخرین امام از «ائمه دوازده گانه» است که تاکنون زنده است و روزی می‌گیرد [تا هرگاه خدا بخواهد- به فرمان خدا- قیام کرده و جهان را پر از عدل و داد نماید].

(۱)- مراجعه کنید: تاریخ بغداد ج ۱۲/۵۶، وفیات الاعیان، تاریخ یعقوبی ج ۲/۴۸۴ و مسعودی ج ۴/۸۴.

(۲)- مراجعه کنید: وفیات الاعیان، تذکره الخواص، مطالب السئول ص مناقب آل الرسول، شیخ کمال طلحه شافعی (۶۵۴ ه) و تاریخ یعقوبی ج ۲/۵۰۳.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۸۹

تنبیه و توضیح مهم!

در یکی از روایات گذشته آمده بود:

«... دوازده نفر خلیفه از آنان درمی‌گذرد و پس از آن فتنه و آشوب می‌گردد».

و در دیگری آمده بود:

«این دین همواره- تا زمانی که دوازده نفر از قریش باقی باشند- استوار و برپاست، و هرگاه از دنیا بروند زمین اهل خود را فرو می‌برد».

این دو عبارت دلالت بر آن دارند که بعد از دوازدهمین امام از امامان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، عمر این عالم پایان می‌یابد. بنابراین، لازم است عمر یکی از این دوازده نفر تا نهایت این دنیا به طول انجامد، و این چیزی است که اکنون با طول عمر وصی دوازدهم، مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله، محمد بن الحسن العسکری علیه السلام به وقوع پیوسته است. زیرا، مجموعه آن روایات تنها بر امامان دوازده گانه مذکور صادق بوده و بر غیر ایشان راست نیاید.

مفهوم حقیقی این روایات:

اکنون با دقت نظر به مجموعه روایات ذکر شده مراجعه می‌کنیم تا بتوانیم مفهوم حقیقی آنها را به دست آورده و به نادرستی تمام این توجیها که با یکدیگر همسانی هم ندارند، آشکارا پی ببریم. آن چه با نظر دقیق از این احادیث می‌توان استفاده کرد به قرار زیر است:

۱- شماره خلفای پیامبر و پیشوایان اسلام از دوازده تن تجاوز

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۹۰

نمی‌کند؛ و همگی از قریش‌اند.

دلیل ما بر این ادّعا، الفاظ روشن و صریحی است که در پاره‌ای از این احادیث وجود دارد. مثلاً:

«و یكون لهذه الأمة اثنا عشر قیما کلهم من قریش» (۱)

برای این امت دوازده سرپرست است که همه از قریش‌اند.

و یا:

«یملک هذه الأمة اثنا عشر خلیفه...» (۲)

برای این امت دوازده خلیفه خواهد بود.

و یا:

«یکون بعدی اثنا عشر خلیفه کلهم من قریش» (۳)

بعد از من دوازده خلیفه خواهند بود که همه از قریش هستند.

جملات «بعد از من دوازده خلیفه می‌باشد» و «برای این امت دوازده خلیفه خواهد بود» و امثال آن، دقیقاً انحصار تعداد خلفا و

سرپرستان امت را در دوازده تن بیان می‌کند.

۲- این پیشوایان و خلفا به‌طور پیوسته تا روز قیامت در میان امت خواهند بود.

برای اثبات این سخن نیز به روایات موجود مراجعه می‌کنیم، مسلم در کتاب صحیح خود از پیامبر نقل می‌کند:

امر خلافت مادامی که در جهان حتی دو تن باقی مانده باشند،

(۱) - کنز العمال ۲۷/۱۳، احادیث ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶.

(۲) - همان مصدر.

(۳) - همان مصدر.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۹۱

در قریش خواهد بود «۱».

این حدیث که در معتبرترین مصادر حدیثی اهل سنت آمده، دقیقاً تداوم خلافت و خلفا را تا پایان جهان اعلام می‌دارد.

اینک حدیثی را که در گذشته نقل کردیم تکرار می‌نمائیم:

پیوسته این دین، تا وقتی که دوازده تن خلیفه بر شما حکومت کنند تا قیامت باقی خواهد ماند «۲».

این حدیث، به روشنی برپائی دین را تا قیامت نوید می‌دهد و در کنار، خلافت دوازده تن خلیفه را اعلام می‌دارد. به این معنی که

پیامبر تصریح می‌فرماید که دین من تا قیامت می‌ماند، و این مدت، دوران خلافت دوازده تن خلیفه نیز می‌باشد، که ناگزیر باید حد

اقل، عمر یک تن از این خلفا آن‌چنان دراز و طولانی باشد که عصر خلافت او تا برپائی قیامت پیوند بخورد.

چگونه و چرا این احادیث از تحریف مصون مانده‌اند؟

حال توجه به این نکته حساس نیز لازم است که ببینیم چطور این گونه احادیث نقل شده، است و به عبارت دیگر از چنگال سانسور

شدید و خفقان بی حساب دستگاه خلافت - به ویژه اموی‌ها - رها شده است؟

من تصوّر می‌کنم آن زمان که اولین بار صحابه پیامبر این حدیث را برای دیگران نقل می‌کردند، تعداد خلفا هنوز اندک بود و

واضح است که در آن زمان، دستگاه حاکمه نمی‌توانست پیش‌بینی کند که

(۱) - صحیح مسلم ۳/۶، چاپ مصر.

(۲) - صحیح مسلم ۴/۶، و کنز العمال ۲۷/۱۳، ح ۱۶۲.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۹۲

بعدها به چه مشکلی برای توجیه و تفسیر آن دچار خواهد شد. و اگر آن هنگام پیش‌بینی چنین بن‌بستی را در آینده می‌کردند، بدون شک این حدیث در معتبرترین متون مکتب خلفا به دست ما نمی‌رسید، و یا لاقلاً به شکلی تحریف و دستکاری می‌شد که دیگر برای ایشان مشکلی نیافریده و بی‌اثر شود. همان‌طور که بسیاری از احادیث معتبر و روشن‌گر نبوی به واسطه تحریفات دانشمندان و روات مکتب خلفا دستکاری و خنثی شده است.

بنابراین، علت انتشار حدیث مزبور این است که در هنگام نقل حدیث، عدد خلفا هنوز به دوازده تن نرسیده بود. به این معنی که نقل این حدیث در عصر حکومت معاویه یا یزید بن معاویه بود، و تا آن زمان خلفای رسمی ۶ یا ۷ تن بیشتر نبوده‌اند. بنابراین دستگاه خلافت از نشر آن احساس خطر نمی‌کرده است. و زمانی که عدد خلفا از دوازده تن گذشت دیگر امکان جلوگیری از نشر این احادیث و یا تغییر و تحریف آنها وجود نداشت.

با توجه به فروض مختلف و دور از حقیقتی که در توجیه احادیث مذکور گفته شده است تنها طرح مکتب اهل البیت: یعنی دوازده امام معصوم است که قابل تطبیق با احادیث مزبور می‌باشد.

در خاتمه یادآور می‌شویم اهمیت این حدیث بیشتر از آنجا است که در تمام صحاح و سنن و مسانید و مصنفات حدیثی مکتب خلفا وجود دارد و همگان صحت و اعتبار آن را قبول دارند.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۹۳

پاسخ گفتار دوم آقای بلوچ

اشاره

آقای بلوچ درباره حضرت مهدی علیه السلام در صفحه نهم نوشته‌اند:

همان ایرادی که بر ما می‌گیرید بر مهدی تو وارد است زیرا به خیال تو محمد صلی الله علیه و اله ۱۲ امام را جانشین خود معرفی کرد علی شهید گشت، حسن جانشین شد بعد از حضرت حسن، حسین جانشین شد تا مهدی اما شما مهدی را ۱۲۰۰ سال پیش غیب کردید و کارخانه اسلام را بدون جانشین رها کردید و حالا در روی کره زمین هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که من از طرف خدا رهبر مردم هستم خوب چرا این کار مهدی را عاقلانه می‌دانید و کار محمد صلی الله علیه و اله را دور از خرد می‌شمارید؟ در پاسخ به این گفتار می‌گوییم:

اولاً- اینکه گفته‌اید: به خیال تو محمد صلی الله علیه و اله ۱۲ امام را جانشین خود معرفی کرده است تا مهدی

عقیده به تعیین حضرت پیامبر صلی الله علیه و اله و دوازده جانشین تا حضرت

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۹۴

مهدی علیه السلام و غیبت آن حضرت تا به امروز مخصوص به شیعه نیست و در روایات صحیحه فریقین روایت شده است ما نخست روایت‌های صحیحه مکتب خلفا را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در جانشینی دوازده امام پس از پیامبر در بحث گذشته آوردیم.

در مورد فرمایش آقای بلوچ:

«و کارخانه اسلام را بدون جانشین رها کردید».

ما در پاسخ به این اعتراض محتاج به شناخت وظیفه امامان هستیم چه پیامبر باشند یا وصی پیامبر. با بررسی آنچه در این باره در قرآن و سنت آمده است (روایات و سیره پیامبران) وظیفه امامان مشخص می‌شود.

الف: در قرآن کریم

۱- در آیه ۳۵ سوره نحل می‌فرماید:

فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

«آیا بر پیامبران (وظیفه‌ای) جز تبلیغ رسالت هست؟»

۲- در آیه ۹۹ سوره مائده آمده است:

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ

«پیامبر وظیفه‌ای جز رسانیدن پیام (الهی) ندارد و خداوند آنچه را آشکار و آنچه را پنهان می‌دارید می‌داند».

۳- در آیه ۵۴ سوره نور آمده است:

وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ*

«و همچنین در آیات دیگر این امر بیان شده است». ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت ۱۲۰

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۹۵

جناب آقای ابو سلمان بلوچ

در صفحه نهم نشریه‌ای که بنام یک جوان بی تجربه شیعه نشر فرموده‌اید نوشته‌اید:

شما مهدی را هزار و دویست سال غایب «۱» کردید و کارخانه اسلام را بدون جانشین رها کردید و حالا در کره زمین هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که من از طرف خدا رهبر مردم هستم خوب چرا این کار مهدی را عاقلانه می‌دانید و کار محمد صلی الله علیه و اله را دور از خرد می‌شمارید؟

در پاسخ به این اعتراض می‌گوییم:

این عقیده خاص شیعیان اهل بیت پیامبر نیست بلکه علما و دانشمندان پیروان مکتب خلفا نیز بر این عقیده می‌باشند و در اینجا روایات صحیح‌های را می‌آوریم که در کتب مکتب خلفا آمده است:

مهدی علیه السلام همان رسول خدا صلی الله علیه و اله است.

در سنن ترمذی، سنن ابو داود و دیگر کتب از رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت کنند که فرمود:

«دنیا پایان نگیرد تا مردی از اهل بیت، که همان من است، حاکم عرب گردد!» «۲»

و در مستدرک حاکم، مسند احمد، و دیگر کتب از «ابو سعید

(۱)- در نوشتار بلوچ (غیبت) کردید بود

(۲)- سنن ترمذی، ج ۹/۷۴، سنن ابو داود ج ۲/۷ و چاپ دار احیاء السنه النبویه ج ۴/۱۰۶-۷۰۷ حدیث ۴۲۸۲. حلیه الاولیاء ج ۵/۱۵

مسند احمد ج ۱/ ۳۷۶. تاریخ بغداد ج ۴/ ۳۸۸. کنز العمال، چاپ اول ج ۷/ ۱۸۸ با این زیادت که: «و خلق او خلق من است» و تفسیر سیوطی، در تفسیر سوره محمد صلی الله علیه و اله آیه: فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ ... ج ۶/ ۵۸. ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۹۶ خدری» گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: «قیامت برپا نگردد تا زمین از ظلم و ستم و دشمنی انباشته گردد؛ سپس فردی از اهل بیت قیام کند و آن را از عدل و داد پر نماید، همان گونه که از ظلم و ستم انباشته شده بود» (۱)

مهدی از اهل البیت علیهم السلام است

در سنن ابن ماجه در ابواب جهاد، از «ابو هریره» گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: «اگر از دنیا جز یک روز باقی نباشد، خدای عز و جل آن روز را طولانی گرداند تا مردی از اهل بیت به حکومت رسد و ارتفاعات دیلم و قسطنطنیه را در اختیار بگیرد». و نیز در ابواب فتن همان کتاب باب خروج مهدی، و در مسند احمد و دیگر کتب از امام علی علیه السلام گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:

«مهدی از ما اهل البیت است و خداوند او را در یک شب آماده قیام می سازد». (۲)
و در مستدرک حاکم از «ابو سعید خدری» گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:
«مهدی از ما اهل البیت است: کشیده بینی، فرازین چهره و پیشانی نورانی که زمین را از عدل و داد انباشته گرداند،

(۱) - مستدرک حاکم ج ۴/ ۵۵۷، حلیه الاولیاء ج ۳/ ۱۰۱. مسند احمد ج ۳/ ۳۶. تفسیر سیوطی ج ۶/ ۵۸، و دیگر کتب.
(۲) - حلیه الاولیاء ج ۳/ ۱۷۷. مسند احمد ج ۱/ ۸۴، تفسیر سیوطی ج ۶/ ۵۸، که گوید این حدیث را ابن ابی شیبه و احمد بن حنبل و ابن ماجه از علی علیه السلام روایت کرده‌اند و سنن ابن ماجه کتاب الفتن حدیث ۴۰۸۵.
ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۹۷
همان گونه که از ظلم و ستم انبوهی گرفته بود و ...» (۱)

مهدی از فرزندان فاطمه علیها السلام است

در سنن ابو داود از «ام سلمه» گوید: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرمود:
«مهدی از عترت من است و از فرزندان فاطمه». (۲)
و در کنز العمال از «علی علیه السلام» گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:
«مهدی مردی از ماست؛ از فرزندان فاطمه» (۳)

مهدی از فرزندان حسین علیه السلام است

در ذخائر العقبی از «ابو ایوب انصاری» گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:
«مهدی این امت از این دو - یعنی حسن و حسین - زاده می شود». (۴)

و نیز در ذخائر العقبی از «حذیفه» گوید: پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:
«اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، آن روز طولانی می‌گردد»

(۱) - مستدرک حاکم ج ۴ / ۵۵۷. گوید: این حدیث بر اساس شرط مسلم صحیح است. سنن ابی داود ج ۶ / ۱۳۶ و سنن او ج ۴ / ۱۰۷ حدیث ۴۲۸۵.

(۲) - صحیح ابو داود کتاب المهدی ج ۴ / ۷ حدیث ۴۲۸۴، و سنن ابو داود ج ۷ / ۱۳۴ صحیح ابن ماجه، ابواب الفتن، باب خروج المهدی گوید: «مهدی از فرزندان فاطمه است» مستدرک حاکم ج ۴ / ۵۵۷، گوید: «او - یعنی مهدی علیه السلام - حق است و از اولاد فاطمه می‌باشد.» میزان الاعتدال ذهبی ج ۲ / ۲۴. گوید: «مهدی از اولاد فاطمه است.» تفسیر سیوطی ج ۶ / ۵۸ در تفسیر سوره محمد صلی الله علیه و اله که گوید: این حدیث را ابو داود و طبرانی و حاکم از «ام سلمه» روایت کرده‌اند.

(۳) - کنز العمال، چاپ اول ج ۷ / ۲۶۱.

(۴) - ذخائر العقبی، ۱۳۶.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۹۸

تا خداوند مردی از فرزندانم را که همانم من است برانگیزد».

سلمان گفت: «از کدام فرزندان یا رسول الله؟» از این فرزندم» و با دست خود بر حسین علیه السلام زد».

*** برخی از علمای اهل سنت که امام مهدی علیه السلام را فرزند امام حسن عسکری علیه السلام می‌دانند:

۱- شیخ کمال الدین ابو سالم محمد بن طلحه حلبی شافعی (متوفای ۶۵۲ یا ۶۵۴ ه) در کتاب خود «مطالب السئول» ص ۸۸ چاپ ایران (۱۲۸۷ ه) گوید:

(باب دوازدهم درباره ابو القاسم محمد بن الحسن الخالص بن علی المتوکل بن محمد القانع بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین ابن الحسین (الشهید) بن علی المرتضی امیر المؤمنین بن ابی طالب، همان مهدی حجت خلف صالح منتظر می‌باشد، که سلام خدا و رحمت و برکات او بر آنان باد.

و سپس این ابیات را یادآور شده است:

فهذا الخلف الحجۃ قد أیده الله هدانا منهج الحق و آتاه سجایاه

و أعلى فی ذری العلیاء بالتأیید مرقاه و آتاه حلی فضل عظیم فتحلاه

و قد قال رسول الله قولا قد رویناه و ذو العلم بما قال اذا أدرك معناه

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۹۹ یری الاخبار فی المهدی جاءت بمسماه و قد أبداه بالنسبه و الوصف و سماه

و یکفی قوله منی لا شراق محیاه و من بضعت الزهراء مرساه و مسراه

و لن یبلغ ما أدیت أمثال و اشباه فان قالوا هو المهدی ما ماتوا بما فادوا

«به راستی که این خلف حجت را خدا تأیید فرموده، و ما را به منهج حق هدایت کرده و نیکیهای آن را بدو بخشیده است.

و در خاندانی رفیع و مؤید رفعتش داده، و جامه‌های فضل عظیمش بخشوده و بداند آراسته شده است.

و رسول خدا صلی الله علیه و اله سخنی فرموده که ما آن را روایت کردیم.

و دانشمند اگر معنای سخن آن حضرت را درک نماید

درمی‌یابد که روایات رسیده درباره «مهدی» تنها بر این مسمی صادق است که با نسبت و وصف و نام بردن، آشکارش ساخته است.

و همان که فرموده: «منی»: «از من است»؛ و آن که فرموده: «از پاره تن من زهرا است»، برای معرفی چهره و جایگاه و پایگاه او بسنده

است.

و هیچ مثل و مانندی هرگز بدانچه برشمردم نخواهد رسید.

پس اگر بگویند: «او مهدی است» به خاطر گفته خود بدهکار نشده‌اند.»

سپس گوید:

«از ریشه‌های اصیل نبوت تغذیه کرده و از پیمان‌های بر جای

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۰۰

مانده نوشیده است و از عصاره‌های آبخورش سیراب گردیده و در صفات شرف برتری یافته و آن را قطعیت بخشیده است.

و در نسب برترین جایگاه را از آن خود ساخته و به نگاه انتساب بر بلندای اصیلش تکیه زده و میوه هدایت را از معادن و اسبابش بر گرفته است.

آری او زاده پاک پاکدامن است.

همان که مسلما پاره تن رسول الله است و رسالت اصل اوست؛ اصلی که اشرف عناصر و اصول است.

اما تولدش در «سر من رأی» [– سامراء] در ۲۳ رمضان (۲۵۸ هـ) بوده و پدرش «الحسن الخالص» و مادرش «ام ولد» که به نام «صیقل» و «حکیمه» باشد و غیر آن نیز گفته شده است. اما نام خودش «محمد» کنیه‌اش «ابو القاسم» و لقبش «حجت» و خلف صالح باشد، و «منتظر» هم گفته شده است.

سپس احادیث را یادآور شده که او همان «مهدی موعود منتظر» است.

سپس برخی از اعتراضاتی را که درباره احوال آن حضرت علیه السلام شده، از جهت غیبت و طول عمر و بیان داشته و همه را پاسخی نیکو داده است.

۲- شیخ محی الدین: ابو عبد الله محمد بن علی بن محمد معروف به ابن حاتمی طائی اندلسی شافعی (متوفای ۶۳۸ هـ) که در صالحیه شام مدفون است و قبرش زیارت می‌شود: او در باب (۳۳۶) از کتاب فتوحات خود گوید:

«بدانید که مهدی علیه السلام مسلما قیام خواهد کرد ولی قیام او

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۰۱

هنگامی است که زمین را ظلم و جور فرا گرفته باشد و او از قسط و عدل انباشته‌اش گرداند. و اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی باشد، خداوند آن روز را طولانی گرداند تا این خلیفه به ولایت برسد. او از عترت رسول الله صلی الله علیه و آله است، از فرزندان فاطمه (رضی الله عنها) جدش حسین بن علی بن ابی طالب است و پدرش «حسن عسکری» فرزند امام علی النقی فرزند امام محمد تقی، فرزند امام علی الرضا فرزند امام موسی کاظم فرزند امام جعفر صادق، فرزند امام محمد باقر، فرزند امام زین العابدین فرزند امام حسین فرزند علی بن ابی طالب (رضی الله عنهم) همان رسول خدا صلی الله علیه و آله است و مسلمانان بین رکن و مقام [– دیوار کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام با او بیعت می‌کنند.

در خلقت و سیما شبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و در خلق و خوی ما دون آن حضرت؛ چون هیچ کس در اخلاق همتای رسول خدا صلی الله علیه و آله نباشد که خدای متعال می‌فرماید: وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ «۱» «براستی که تو دارای اخلاق عظیمی هستی» پیشانی‌اش بلند و بینی‌اش عقابی است. بیشترین یارانش از اهل کوفه‌اند. بیت المال را بالسویه تقسیم می‌کند و با مردم عدالت می‌ورزد، چنانکه مردی می‌آید و می‌گوید: (ای مهدی! عطایم ببخش) و او از اموالی که فرا رویش قرار دارد جامه وی را تا آنجا که توان بردنش را دارد انباشته می‌کند.»

سپس به نقل اوصاف و برخی از افعال او می‌پردازد.

این امور را «ابن الصبان» نیز در اسعاف الراغیین باب ۲ (ص ۱۳۱)

(۱) - القلم / ۴

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۰۲

- (۱۳۳) در حاشیه نور الابصار (ص ۱۳۱-۱۳۳) آورده است.

گفته‌اند: «از جمله اشعار شیخ محی الدین در اوصاف امام علیه السلام این شعر است که در فتوحات «۱» باب ۳۶۶ نیز آورده است:

هو السيد المهدي من آل احمد هو الصارم الهندي حين يبید

هو الشمس يجلو كل غم و ظلمة هو الوابل الوسمی حين یجود

«او همان سید و مهدی آل احمد است.

او همان شمشیری هندی است که [خصم را نابود می‌کند

او همان خورشیدی است که هر اندوه و ظلمتی را برطرف می‌کند.

او همان باران بهاری است که کریمانه فرو می‌ریزد.

و در ینابیع الموده (ص ۴۶۷) گوید: شیخ محی الدین عربی در فتوحات مکیه در باب (۳۳۶) جایگاه وزیران مهدی را که در آخر

الزمان ظهور می‌کند، و رسول خدا صلی الله علیه و اله بشارتش را داده است، یادآور شده و گوید:

«او از اهل البیت است و خدای را خلیفه‌ای است که قیام می‌کند درحالی که زمین از جور و ظلم انباشته شده باشد و او قسط و عدل

را در آن گسترش دهد و اگر از دنیا جز یک روز نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی گرداند تا فردی از عترت پیامبر صلی الله

علیه و اله به حکومت برسد. بین رکن و مقام با او بیعت می‌شود و گرونده‌ترین مردم به او اهل کوفه هستند.

(۱) - الفتوحات ج ۳ / ۳۲۸ ط بیروت دار صادر - اوفیست (د. ت)

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۰۳

اموال را بالسویه تقسیم می‌کند و با رعیت عدالت می‌ورزد و قضاوت را به پایان می‌برد و به گاه فطرت دین قیام می‌کند و هر کسی

نپذیرد کشته می‌شود و هر کسی با او ستیزه کند خوار گردد. دین اسلام را همان گونه که هست پیاده می‌کند، به گونه‌ای که اگر

رسول خدا صلی الله علیه و اله نیز زنده بود همان را انجام می‌داد. مذاهب را از زمین برمی‌دارد و جز دین خالصی باقی نمی‌ماند.

دشمنان او مقلدان علمای نظریه پردازند که ناخواسته تحت فرمان او درآیند چون از قدرت و سطوت او هراسانند و بدانچه در اختیار

دارد دلبسته و امید دارند. عامه مسلمانان به وجود او خشنودند و عارفان به خدای متعال و اهل حقایق از روی کشف و شهود با او

بیعت می‌کنند. او را مردانی الهی است که دعوتش را اقامه کرده و یاریش می‌نمایند. آنها وزیران اویند که بار مملکت را به دوش

می‌کشند.»

گوید: «او همان سید و مهدی آل احمد و همان یاران بهاری است که کریمانه می‌بارد. او خلیفه تأیید شده و استواری است که

سخن حیوانات را می‌فهمد و عدالتش در بین جن و انس جریان می‌یابد و وزیران او از غیر عرب باشند و عرب در بین آنها نباشد

ولی به زبان عربی سخن می‌گویند. آنها را نگهبانی است که از جنس خودشان نباشد او هرگز خدا را نافرمانی نکرده است. او

اخص وزیران و افضل امینان است.»

و در «اسعاف الراغب» در حاشیه ص ۱۳۱ «نور الابصار» گوید:

«بدان که قیام مهدی علیه السلام قطعی است ... او فرزند امام علی بن

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۰۴

ابی طالب (رضی الله عنهم) و همنام رسول خدا صلی الله علیه و اله است.

مسلمانان در بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند. در خلق همانند رسول الله صلی الله علیه و اله است و در خلق دون آن حضرت، چون هیچ کس در اخلاق همتای رسول خدا صلی الله علیه و اله نیست. مردم کوفه بیش از سایرین نصرتش می‌کنند. اموال را بالسویه تقسیم می‌کند و با رعیت عدالت می‌ورزد. خضر فرا روی او راه می‌رود و پنج یا هفت یا نه [سال زندگی می‌کند از رسول خدا صلی الله علیه و اله پیروی کرده و هرگز خطا نمی‌کند. فرشته‌ای دارد که نادیده استوارش می‌دارد. روم را با هفتاد هزار نفر مسلمانان به وسیله تکبیر فتح می‌کند ... خداوند اسلام خوارشده و مرده را به دست او عزیز و زنده گرداند. حکم «جزیه» را جاری می‌کند و با قدرت به سوی خدا متعال فرا می‌خواند و هر کس نپذیرد کشته و هر کس ستیزه کند خوار گردد. حکم او بر اساس اسلام ناب و خالص از نظریه پردازی است و در بسیاری از احکام با علما مخالفت می‌کند و آنها بدین خاطر از او دلگیر می‌شوند، چون بر این گمانند که خدای متعال پس از امامان آنها مجتهدی نیافریده است ... سپس گوید: بدان که مهدی هنگامی که قیام کند همه مسلمانان از خاص و عام به وجود او خشنودی کنند و او را مردانی الهی است که دعوتش را اقامه کرده و نصرتش می‌نمایند. آنان وزیران اویند که بار سنگین مملکت را بر دوش می‌گیرند و او را بر آنچه خدا به عهده‌اش گذاشته یاری می‌کنند. عیسی بن مریم در مناره بیضاء شرق دمشق، در حالی که بر دو فرشته چپ و راستش تکیه داده، نزد

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۰۵

او فرود می‌آید .. در زمان او «سفیانی» نزد درختی در نواحی دمشق کشته می‌شود و سپاهانش در بیابان فرو می‌روند».

و در مشارق (ص ۱۰۴) فصل دوم آنچه را که «ابن صبان» در اسعاف الراغبین از فتوحات آورده، با همان عبارات نقل کرده است. همچنین قاضی حسین بن محمد بن حسن دیار بکری مالکی (متوفای ۹۶۶ ه) در کتاب خود «تاریخ الخمیس ج ۲ ص ۳۲۱» این مطالب را با اختصار و اختلاف و تعریف در الفاظ نقل به معنی کرده است.

۳- شیخ ابو عبد الله: محمد بن یوسف بن محمد قرشی گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ ه) است که در کتاب خود «اللیان فی اخبار صاحب الزمان در (ص ۳۳۶ باب ۲۵) در دلالت بر جواز بقای مهدی علیه السلام گوید: «مهدی فرزند حسن عسکری است. او از شروع غیبتش تا کنون زنده و موجود و باقی است.» همان گونه که در ینابیع الموده (ص ۴۷۱) آورده است.

و بخاری در صحیح خود (ج ۳ ص ۳۵۷ چاپ هند ۱۳۷۲ ه) از ابو هریره روایت کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:

«چگونه خواهید بود هنگامی که عیسی بن مریم در بین شما فرود آید و امام شما از خودتان باشد.»

همین حدیث را ابن ماجه نیز در سنن خود (ج ۲ ص ۲۶۷) با همان عبارات بخاری آمده است.

و در کتاب «الحادی للفتاوی ج ۲ ص ۱۶۷» گوید: ابو داود و ابن ماجه با سند خود از ابو امامه باهلی روایت کرده‌اند که گفت:

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۰۶

«رسول خدا برای ما سخنرانی فرمود و از «دجال» و آنچه انجام می‌دهد آگاهمان ساخت تا آنجا که می‌گوید: - و امام ایشان مردی صالح است و هنگامی که برای اقامه نماز صبح می‌رود ناگهان عیسی بن مریم فرود می‌آید و آن امام در حال نماز صبح به عقب می‌رود تا عیسی بن مریم جلو بیاید و با آنها نماز بگزارد که عیسی دست خود را بین دو کتف او می‌نهد و می‌گوید: «پیش برو و نماز بگزار که آن برای تو اقامه شده» و امامشان با آنها نماز می‌گزارد.»

حدیث بعدی را صاحب «الملاحم و الفتن» در (ج ۱ ص ۵۴ چاپ اول باب ۱۸۶) از فتن ابو نعیم روایت کرده و گوید: این حدیث را

از ابو امامه باهلی روایت کرده گوید:

«رسول خدا صلی الله علیه و اله از دجال سخن راند و «امّ شریک» گفت: «یا رسول الله! پس مسلمانان در آن روز کجایند؟» فرمود: «دجال در بیت المقدس خروج کرده و آنجا را محاصره می کند و امام مسلمانان در آن روز مردی صالح است به او گفته می شود: نماز صبح را بگزار و چون تکبیر گوید و وارد نماز شود عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و هنگامی که آن امام او را بشناسد در حال نماز به عقب رود تا عیسی جلو بیاید که عیسی دست خود را بین دو کتف او نهاده و گوید: «نماز بگزار که آن برای تو اقامه شده» و عیسی پشت سر او نماز می گزارد.»
و در مشارق الانوار (ج ۲ ص ۳۲۲) گوید:

«عیسی در زمان او [- امام مهدی علیه السلام بر مناره بیضای شرق

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۰۷

دمشق در انتهای شب فرود آمده و مهدی بیاید و نزد او بماند و هنگام صبح مردم از او درخواست اقامه نماز کنند و او امتناع کرده و گوید: «امام شما از خود شماست» و مهدی به خاطر کرامت این امت و پیامبرش بر عیسی پیشی می گیرد.»
از این احادیث و امثال آن ظاهر می شود که عیسی علیه السلام تا آنگاه که پشت سر مهدی علیه السلام نماز بگزارد زنده می ماند؛ بنابراین زنده ماندن امام مهدی امر بعیدی نیست همان گونه عیسی علیه السلام زنده می ماند که پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «آنچه در امتهای پیشین اتفاق افتاده در امت من نیز اتفاق می افتد» پس همان گونه که عیسی علیه السلام که از امتهای پیشین امت زنده مانده، امام مهدی نیز زنده و باقی مانده است.

اما باقی بودن «خضر و الیاس» نزد مسلمانان از مسلمات است و بدان گونه که خدا خضر را طول عمر بخشیده اراده فرموده تا امام مهدی علیه السلام نیز زنده و باقی بماند چون او حجت خدا در زمین است و اگر نباشد زمین برجای نماند که بقای زمین به برکت وجود اوست.

و در کتاب «تذکره خواص الأمة» (ص ۳۷۶ چاپ نجف) گوید:

سدی گوید:

«مهدی با عیسی بن مریم گرد هم آیند و چون وقت نماز فرا رسد، مهدی به عیسی گوید: پیش برو عیسی گوید: تو بر این نماز سزاوارتری. و عیسی به او اقتدا می کند.»

سپس به ذکر سبب اقتدای عیسی به امام مهدی، از نظر خود پردازد و بعد، سخنان را به معمرین می کشاند و قول به بقای امام علیه السلام را تقویت کرده و قول استبعادکنندگان را انکار می کند که این

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۰۸

امر پیش از اسلام نیز نظیری دارد.

و همچنین گنجی شافعی: در «کفایه الطالب» ص ۳۱۲ گوید:

«پسر ابو محمد حسن عسکری علیه السلام امام پس از اوست. وی [- امام حسن عسکری در ربیع الاول سال ۲۳۲ در مدینه به دنیا آمد و در روز جمعه هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ وفات کرد و در آن روز ۲۸ سال داشت و در خانه اش در سرّ من رأی [- سامرا] در همان اطاقی که پدرش امام هادی علیه السلام مدفون بود دفن گردید و فرزندش امام منتظر جانشین او شد.

سپس گوید: و شرح حال او، یعنی امام منتظر را بزودی جداگانه یاد آور می شویم». و بعد کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام» را نوشت و این کتاب به چاپ رسیده است.

۴- جلال الدین محمد عارف بلخی رومی: معروف به «مولوی» (متوفای ۶۷۲ ه) است که شیخ سلیمان در ینابیع الموده (ص ۴۷۳)

گوید: مولوی این آیات را درباره اهل بیت علیه السلام و از جمله «مهدی منتظر» سروده است:
ای سرور مردان علی مستان سلامت می‌کنندوی صفدر مردان علی مستان سلامت می‌کنند
تا آنجا که گوید:

با قاتل کفار گو با دین و با دین دار گو با حیدر کرار گو، مستان سلامت می‌کنند
با درج دو گوهر بگو با برج دو اختر بگو با شبر و شبر گو مستان سلامت می‌کنند
ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۰۹ با زین دین عابد بگو با نور دین باقر بگو با جعفر صادق بگو مستان سلامت
می‌کنند

با موسی کاظم بگو با طوسی عالم بگو با تقی قائم بگو مستان سلامت می‌کنند
با میر دین هادی بگو با عسکری مهدی بگو با آن ولی مهدی بگو مستان سلامت می‌کنند
با باد نوروزی بگو با بخت فیروزی بگو با شمس تبریزی بگو مستان سلامت می‌کنند
۵- شیخ کامل صلاح الدین صفدی: (متوفای ۷۶۴ ه) در شرح الدائرہ (چنانکه در ینابیع الموده ص ۴۷۱ آمده) گوید:
«مهدی موعود همان امام دوازدهم از ائمه است که اولین آنها آقای ما علی و آخرین آنها مهدی رضی الله عنهم و نفعنا الله بهم-
باشد.»

۶- شیخ جمال الدین: احمد بن حسین بن علی بن مهنا (متوفای ۸۲۸ ه) است. که در کتاب خود (عهده الطالب ص ۱۸۶-۱۸۸ چاپ
نجف ۱۳۲۳ ه) گوید:

«اما [امام علی هادی که به خاطر سکونت در پادگان سرّ من رأی لقب عسکری یافته مادرش ام ولد و آن حضرت در نهایت فضل و
ذکاوت بود. متوکل او را به سرّ من رأی برد و او در آنجا بود تا مسموم و وفات کرد و دو فرزند برجای نهاد که یکی از ان دو امام
ابو محمد حسن عسکری علیه السلام بود که در زهد و علم جایگاه عظیمی داشت. او پدر امام محمد مهدی (صلوات الله علیه)
دوازدهمین امام از ائمه شیعه امامیه است،

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۱۰

و او همان قائم منتظر در نزد آنهاست که از ام ولدی به نام نرجس به دنیا آمد.»

۷- شیخ ابو عبد الله: اسعد بن علی بن سلیمان عقیف الدین یافعی یمنی مکی شافعی (متوفای ۷۶۸ ه) است که در کتاب خود «مرآة
الجنان ج ۲ ص ۱۰۷ و ۱۷۲ چاپ حیدرآباد دکن ۱۳۲۸ ه) گوید:

و در سال ۲۶۰ ه شریف عسکری ابو محمد حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا بن جعفر صادق یکی از ائمه
دوازده گانه به اعتقاد شیعه امامیه، وفات کرد. او پدر [امام منتظر صاحب سرداب است که به عسکری شناخته می‌شود و پدرش نیز
بدین نام شناخته می‌شد. او در روز جمعه ششم ربیع الاول وفات کرد- برخی هشتم ربیع و برخی روز دیگری از این سال را گفته‌اند
و در کنار قبر پدرش در سرّ من رأی مدفون گردید.»

۸- علامه سید علی بن شهاب الدین همدانی شافعی (متوفای ۷۸۶ ه) است که در کتابش «مودة القربی فی المودة العاشرة» احادیث
بسیاری دارد اثبات وجود امام مهدی علیه السلام. اینکه در آخر الزمان ظهور می‌کند و زمین را از عدل انباشته می‌سازد همان گونه
که از ظلم پر شده است، روایت کرده است «۱».

۹- شیخ شهاب الدین: دولت آبادی (متوفای ۸۴۹ ه) صاحب تألیفات عدیده در تفسیر و مناقب است و از جمله آنها کتاب «هدایة
السعداء» است که در آن احادیثی را درباره امام حجت منتظر فرزند

(۱) - جام این کتاب را شیخ سلیمان قندوزی حنظ در کتاب خود «ینایع الموده» آورده است و در چاپ قدیم آن از ص ۲۴۲ - ۲۶۶ موجود است.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۱۱

امام حسن عسکری آورده و یادآور شده که آن حضرت از نظرها غایب و دارای عمری طولانی است، همان گونه که دیگر مؤمنان چون عیسی و الیاس و خضر عمری طولانی دارند، و از کفار نیز دجال و شیطان و سامری.

۱۰- شمس الدین: ابو عبد الله محمد بن احمد ذهبی شافعی (متوفای ۸۰۴ ه) است که در کتاب خود «دول الاسلام ج ۱ ص ۱۲۲ چاپ حیدرآباد ۱۳۳۷» گوید:

«امام مهدی علیه السلام» از فرزندان امام حسن عسکری است. او زنده می ماند تا آنگاه که خدا اجازه قیامش دهد و زمین را از قسط و عدل پر کند، همان گونه که از ظلم و جور انباشته شده است».

۱۱- شیخ علی بن محمد: بن احمد مالکی مکی معروف به ابن صباغ (متوفای ۸۵۵ ه) است که در کتاب خود «الفصول المهمه ص ۲۷۳ - ۴۷۴» در باب دوازدهم احوال امام مهدی علیه السلام را یادآور شده و با ذکر تاریخ ولادت و اینکه نام مادرش نرجس بود گوید:

«ابو القاسم محمد الحجّه بن الحسن الخالسی در سرّ من رأی [- سامرا] در نیمه شب پانزدهم شعبان ۲۵۵ هجری به دنیا آمد و نسب او از حیث پدر و مادر چنین است: ابو القاسم محمد الحجّه بن الحسن الخالسی بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی (زین العابدین) ابن الحسین بن علی بن ابی طالب (صلوات الله علیهم اجمعین) و مادرش ام ولد به نام نرجس بهترین کنیز آن بود- و گفته شده نام دیگری داشت- اما

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۱۲

کنیه او ابو القاسم و لقبش حجت و مهدی و خلف صالح و قائم منتظر و صاحب الزمان است و مشهورترین آنها مهدی است و صفت آن حضرت علیه السلام چنین است: جوانی میان بالا و خوش سیماست با موهائی تا شانه‌ها آویخته و با بینی عقابی و پیشانی بلند و نورانی. کارگزار او محمد بن عثمان است و معاصرش معتمد عباسی».

بر حدیث شناسان پوشیده نیست که اوصافی را که ابن صباغ برای امام مهدی علیه السلام آورده، اوصافی است که بخد او رسول خدا صلی الله علیه و اله بیان داشته است».

ابن صباغ سپس گوید:

«از جمله کسانی که از علما به جمع شرح احوال آن حضرت پرداخته شیخ جمال الدین ابو عبد الله محمد بن ابراهیم مشهور به نعمانی است که کتاب خود را درباره غیبت و طول غیبت تصنیف کرده است.» (۱)

و گوید:

«و حافظ ابو نعیم چهل حدیث ویژه درباره مهدی علیه السلام گردآوری کرده است».

و گوید:

«شیخ ابو عبد الله محمد بن یوسف گنجی شافعی کتاب خود «البیان فی اخبار صاحب الزمان» را درباره امام مهدی علیه السلام

(۱) - کتاب «غیبت» شیخ نعمانی و «البیان فی اخبار الزمان علیه السلام» گنجی شافعی چاپ شده و در بازار موجود است. اما «اربعین» حافظ ابو نعیم را علامه مجلسی در جزء ۱۳ بحار الانوار ص ۱۹ - ۲۱ چاپ اول ۱۳۰۵ (و ص ۷۸ - ۸۵ چاپ دوم) آورده است و همچنین این کتاب را سید هاشم بحرانی در غایه المرام آورده است.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۱۳

تألیف کرده است.»

۱۲- شیخ شمس الدین: یوسف بن قزاعلی صنفی بن عبد الله سبط ابن الجوزی معروف (متوفای ۶۵۴ ه) است که در کتاب خود «تذکره خواص الائمة ص ۸۸ چاپ اول ایران ۱۲۸۷ ه» در فصل حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی به جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب گوید:

«مادرش امّ ولد به نام سوسن بود و کنیه اش ابو محمد و عسکری نیز گفته می شد.»

آن حضرت علیه السلام در سال ۲۳۱ ه در سر من رأی به دنیا آمد و در سال ۲۶۰ ه در زمان خلافت معتمد عباسی وفات کرد و سن او به هنگام وفات ۲۹ سال بود. سپس گوید: و یکی از فرزندان او محمد امام است. و گوید: او محمد بن حسن بن علی بن محمد ... بن علی بن ابی طالب علیه السلام است. کنیه اش ابو عبد الله و ابو القاسم باشد. او خلف حجت صاحب الزمان و قائم منتظر و آخرین ائمه است.

سپس گوید:

عبد العزیز بن محمود بن بزاز از ابن عمر خبر داد که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود:

«در آخر الزمان مردی از فرزندان من قیام کند که نامش همان من و کنیه اش کنیه من باشد و زمین را از عدل انباشته گرداند همان گونه که از ظلم انباشته شده و او مهدی است.»

و سبط بن الجوزی پس از آن گوید:

«این حدیث مشهور است و ابو داود و زهری مضمون آن را از

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۱۴

علی علیه السلام روایت کرده اند. سپس گوید: و او را ذو ال اسمعین گویند: محمد و ابو القاسم و گفته اند مادرش امّ ولد به نام صیقل بوده است.

۱۳- شهاب الدین احمد بن حجر هیثمی شافعی مقیم مکه (متوفای ۹۹۳ ه) است که در کتاب خود «الصواعق المحرقة ص ۱۲۷ چاپ مصر ۱۳۰۸» در بیان حال ائمه دوازده گانه گوید:

«ابو محمد حسن خالصی در سال ۲۳۲ ه به دنیا آمد. او سپس گوید از کرامات معروف آن حضرت را یا دور شده و آن داستان استسقاء در سامرا او داستان راهبی بوده که استخوان برخی انبیا را با خود برمی داشت و هرگاه بیرون می آورد باران می بارید و چون مستورش می کرد باران می ایستاد، و امام آن را دانست و استخوان را از دست او گرفت و وی هرچه دعا کرد باران نبارید و مردم از اشتباه بیرون آمدند و حيله عالم نصرانی را شناختند.

و گوید:

«امام حسن عسکری در سرّ من رأی تا زمان وفات خود عزیز و گرامی بود و در کنار پدرش (علی الهادی) دفن گردید و عمر او ۲۸ سال بود.

گوید:

و گفته شده که او مسموم گردیده (همان گونه که پدران گرامی اش مسموم شدند).

گوید:

و او جز یک فرزند بر جان نهاد و او ابو القاسم حجت بود و

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۱۵

عمرش به هنگام وفات پدرش پنج سال بود که خداوند حکمتش عطا فرمود.

گوید:

او قائم و منتظر نامیده می‌شود و گفته شده: چون مستور و غایب گردیده و معلوم نیست به کجا رفته است.»

۱۴- شیخ عبد الله بن محمد به عامر شبروای شافعی (متوفای ۱۱۵۴ هـ به بعد) است که در کتاب خود «الاتحاف بحب الاشراف ص ۱۷۸ چاپ مصر ۱۳۱۶ هـ» گوید:

یازدهمین از ائمه حسن خالصی ملقب به عسکری است که در هشتم ربیع الاول سال ۲۳۲ هجری در مدینه به دنیا آمد و در روز جمعه هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری در بیست و هشت سالگی وفات کرد. در شرافت او همان پس که امام مهدی منتظر فرزند اوست. خداوند این خاندان با شرافت و دودمان با کفایت را پاداش دهد. و در فخر و شرف و علو مقام و مقدار آنان تو را همان پس که این دودمان همگی در کرامت بنیان و پاکی ابدان همچون دندانهای شانه متعادل و یکسان و در مجد و عظمت همراه همخوانند. به به از این دودمان بلندمرتبه و الامقام که اختر تابناکشان گوی سبقت را از ماه و خورشید ربوده و صفات کمال را به تمامه در نور دیده و هیچ استثنائی را نپذیرفته است: آری این امامان در مجد و مقام همانند دانه‌های گوهر هم‌ردیف و همسانند و او نیز آخرینشان همانند و یکسان: و چه بسیار مردمانی که کوشیدند تا منار عزت آنها را، که خدا بالایش می‌برد، پائین

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۱۶

آوردند و سخت و هموار را طی کردند تا جمع آنان را، که خدا فراهم کرده بود، پراکنده سازند و چه بسیار حقوقشان را تباہ ساختند: حقوقی را که خدا از آن نگذرد و تباہش نسازد! و امید آنکه خدا ما را بر حبّ ایشان زنده بدارد و بر آن بمیراند و از شفاعت کسانی که در شرافت به رسول خدا صلی الله علیه و اله پیوسته‌اند، بهره‌مند سازد.

وفات او (امام عسکری) در سرّ من رأی و مدفن او در کنار پدرش بود و پس از خود دوازدهمین امام از ائمه را برجای نهاد: ابو القاسم محمد حجت امام زاده امام که در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری، پنج سال پیش از وفات پدرش به دنیا آمد و پدرش ولادت او را پنهان می‌داشت چون دوران سختی بود و از خلفای عباسی بیم داشت، زیر آنها در تعقیب هاشمیان بودند و آنها را محبوس و مقتول می‌ساختند و در پی نابودی آنها بودند و این بدان خاطر بود که می‌دانستند امام مهدی علیه السلام سلطه ظالمان را از بین می‌برد و آن را از احادیث رسول خدا صلی الله علیه و اله که بدانها رسیده بود دریافتند، احادیثی که می‌گفت امام مهدی، موعود منتظر، ریشه ستمگران را قطع می‌کند و بر دنیا چیرگی می‌یابد و هیچ‌یک از ستمگران ایشان را بر روی زمین باقی نمی‌گذارد.

شبروای می‌گوید:

امام محمد حجت همچنین ملقب به مهدی، قائم، منتظر، خلف صالح و صاحب الزمان است که مشهورترین آنها مهدی است و گوید: و بدین خاطر است که شیعه گوید، «این همان

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۱۷

کسی است که اخبار و احادیث صحیح از ظهور او در آخر الزمان خبر داده است و او اکنون موجود است» و در این باره تألیفات بسیاری دارند ...

سپس گوید:

به راستی که نور این سلسله هاشمی و این ریشه پاکیزه نبوی و این گروه سترگ علوی که امامان دوازده گانه‌اند نور افشانی کرده است، امامانی با مناقب علیا، صفات والا، جانهای شریف و تسلیم ناشدنی و دودمانی گرامی و مهدی که عبارت‌اند از:

محمد حجت ابن الحسن الخالصی بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد

الباقین علی زین العابدین ابن الامام الحسین اخو الامام الحسن دو فرزند شیر غالب علی بن ابی طالب (رضی الله عنهم اجمعین).

۱۵- شیخ عبد الوهاب: بن احمد بن علی شعرانی (متوفای ۹۷۳ یا ۹۶۰ ه) است که در کتاب خود: «الیواقیت و الجواهر ص ۱۴۵ چاپ مصر ۱۳۰۷ ه» گوید:

«بحث شصت و پنج در بیان اینکه تمام شروط قیامت که شارع مقدسی از آن خبر داد، همگی حق است و باید پیش از قیام قیامت واقع شوند و از جمله آنها قیام مهدی علیه السّلام است گوید: او از فرزندان امام حسن عسکری است که در نیمه شعبان ۲۵۵ به دنیا آمد و تا آنگاه که با عیسی بن مریم علیه السلام گردهم آیند زنده باشد و عمر او تاکنون که سال ۹۵۸ هجری است ۷۶۶ سال است. ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۱۸

شعرانی سپس گوید: این قضیه را شیخ حسن عراقی مدفون در مصر، در هنگامی که با او بودم، بدین گونه درباره امام مهدی برای من نقل کرد و شیخ ما «سید علی الخواس» نیز با او موافقت کرد».

شعرانی در کتاب خود «الطبقات الکبری» نیز آنچه را که در «الیواقیت و الجواهر» بیان داشته از قول شیخ حسن عراقی با اندکی زیادت آورده است.

۱۶- شیخ حسن عراقی: مدفون در کرم رئیس مصر است که یادآور امام حجت حضرت مهدی علیه السّلام گردید و به وجود او اعتراف کرده و گوید: امام علیه السّلام را دیدار کرده است و بنابر آنچه شعرانی در «الواقح الانوار فی طبقات الاخبار ج ۲ چاپ مصر ۱۳۰۵ ه آورده» گوید:

«شیخ حسن عراقی در ضمن سیاحت خود با امام مهدی حجت ملاقات کرده و از عمر او پرسیده و پاسخ شنیده که: «فرزندم عمر من اکنون ۶۲۰ سال است».

شعرانی گوید: «من این را برای استاد خودم علی الخواس نقل کردم و با عمر مهدی (رضی الله عنه) توافق داشت».

۱۷- شیخ نور الدین: عبد الرحمان بن احمد بن قوام الدین معروف به جامی شافعی شاعر مشهور است که در کتاب خود «شواهد النبوه» از امام مهدی موعود منتظر حجت بن الحسن امام دوازدهم علیه السّلام سخن گفته و بسیار از حالات و کرامات او را بیان داشته و گوید:

«او کسی است که زمین را از قسط و عدل انباشته گرداند».

و داستان ولادت او را از قول عمه‌اش حکیمه و دیگران نقل

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۱۹

کرده که آن حضرت چون به دنیا آمد روی دو زانو نشست و انگشت سبابه را به سوی آسمان بالا برد و عطسه کرد و گفت: «الحمد لله رب العالمین».

جامی همچنین به ذکر برخی از کسانی که امام مهدی علیه السّلام را دیده‌اند پرداخته و از کسی یاد می‌کند که از امام حسن عسکری درباره جانشین پس از او می‌پرسید و گوید:

امام وارد خانه شد و بیرون آمد و کودک سه ساله‌ای را که چون ماه شب چهاردهم بود با خود آورد و به پرسش کننده فرمود: «اگر ارزش خدائات نبود، این فرزند را که نامش نام رسول الله صلی الله علیه و اله و کنیه‌اش کنیه آن حضرت، به تو نشان نمی‌دادم! او کسی است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم انباشته شده است».

همچنین داستان کسی را نقل می‌کند که:

نزد امام حسن عسکری علیه السلام رفته و از جانشین پس از او می‌پرسد و امام به او می‌گوید: «پرده را کنار بزن» و او کنار می‌زند و امام مهدی منتظر علیه السلام را می‌بیند.

و نیز داستان اشخاصی را ذکر می کند که:

معمد عباسی یا معتضد برای تفتیش و دستگیری امام (مهدی) به خانه امام حسن عسکری می فرستد و آنها او را نمی یابند و داخل سرداب شده و او را در آخر سرداب انباشته از آب، بر روی آب می بینند و هرگاه قصد دستگیری می کنند در آب فرو می روند و به او دست نمی یابند و خلیفه عباسی را از ماقع آگاه می کنند و او دستور می دهد تا آنچه را که دیده اند مکتوم

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۲۰

دارند و به آنها می گوید: «اگر این موضوع را اظهار کنید فرمان قتل شما را صادر می کنم و آنها در حیات او کتمان می کنند...»
۱۸- علامه شیخ ابو بکر: احمد بن حسین بن علی بیهقی نیشابوری فقیه شافعی (متوفای ۴۵۸ ه) است که در کتاب خود «شعب الایمان» گوید:

«مردم درباره مهدی اختلاف کرده و جماعتی توقف نموده و علم آن را به عالمش واگذارده اند و معتقدند او از فرزندان فاطمه دخت رسول خدا صلی الله علیه و اله است که خداوند هرگاه بخواهد او را می آفریند و برای یاری دین خود مبعوثش گرداند و گروهی می گویند: «مهدی موعود در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمده و او همان امام ملقب به حجت قائم منتظر محمد بن حسن عسکری است که در سامراء داخل سرداب شد و از دید مردم پنهان گردید و منتظر قیام خویش است. او ظهور می کند و زمین را از عدل و داد انباشته سازد همان گونه که از ظلم و جور پر شده است... و گوید: طول عمر و امتداد دورانش بمانند عیسی بن مریم و خضر و حضرت نوح علیهم السلام است و به هیچ روی ممتنع نباشد.

*** و درباره اعتراض به طول عمر حضرت مهدی علیه السلام می گوئیم درباره عمر حضرت نوح علیه السلام در قرآن می فرماید:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۲۱

إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا... (۱)

بعد از طوفان و بیرون آمدن از سقیفه، نیز سیصد و پنجاه سال دیگر زندگانی کرد. بنابراین مجموع عمر این حضرت می شود ۱۳۰۰ سال در حالی که حضرت مهدی علیه السلام در سال ۲۰۰ هجری متولد شده اند و تا به سال ۱۴۲۱ ه قمری عمر ایشان ۱۱۶۶ سال می شود و عمر حضرت خضر بیش از این است که خود علمای مکتب خلفا این استدلال را فرموده اند.

(۱)- سوره عنکبوت/ ۱۴

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۲۳

پاسخ گفتار سوم آقای بلوچ

اشاره

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت ۱۵۱

آقای بلوچ درباره اوصیاء پیامبر و امامت ائمه اثنا عشر در صفحه هفتم چنین آورده است
می گویم اگر به راستی حضرت علی جانشین پیغمبر می بود اگر امامت از اصول دین باشد اگر علی معصوم و از ابراهیم بالاتر باشد و بالاخره اگر ائمه مصدر قانون گذاری در اسلام باشند.

در پاسخ به این گفتار می گویم پیامبر به امر خدا دوازده وصی خود برای حفظ شریعت و تبلیغ آن و همچنین برای اجراء احکام

تعیین نمود.

حفظ شریعت و تبلیغ و اجراء احکام آن در عصر اوصیاء پس از پیامبر دو امر ذیل را لازم داشت

یکم: پیامبر شریعت اسلام را به اوصیاء خود تبلیغ فرماید.

دوم: اوصیاء پیامبر آن شریعت را بین مسلمانان در قرنهای بعد نشر کنند.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۲۴

در بحثهای آینده به حوله تعالی این دو امر را بیان می‌نمائیم.

یکم: پیامبر شریعت اسلام را به اوصیاء خود تبلیغ فرماید

اشاره

اصل و ریشه حقایق و احکام اسلام در قرآن کریم است، و شرح و بیان و تفصیل آن بر عهده پیامبر اکرم و سایر مبلغین دست اول اسلام قرار داده شده است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله حدیث خویش یعنی آنچه به ایشان وحی شده و بشر تا روز قیامت بدان احتیاج دارد همه و همه را به پسر عم خویش علی علیه السلام املاء فرموده و آن حضرت این تعالیم را تدوین می‌نمود. انتقال تعالیم پیامبر صلی الله علیه و اله به حضرت علی علیه السلام در مجالس گوناگونی صورت می‌گرفت که ذیلاً به شرح آنها می‌پردازیم:

الف - مجالس تعلیم منظم

مجالس تعلیم و دیدارهای منظم امیر المؤمنین علیه السلام با پسر عمویش رسول خدا صلی الله علیه و اله برای فراگیری دانش از آن حضرت به تفصیل نقل شده است. برای نمونه در این مورد به کتاب «کافی» مراجعه می‌کنیم و از قول امام علیه السلام چنین می‌خوانیم:

من هر روز یکبار و هر شب یکبار نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله می‌رفتم و آن حضرت در آن هنگام با من خلوت می‌فرمود، و هر جا که آن حضرت تشریف می‌برد، من نیز در خدمت ایشان بودم.

همه اصحاب آن حضرت این را می‌دانستند که پیغمبر خدا جز با شخص من با هیچ کس دیگر چنین دیدارهایی ندارد. این دیدارها غالباً در خانه من صورت می‌گرفت، و آن حضرت به

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۲۵

خانه من تشریف می‌آورد. اگر من برای دیدار آن حضرت در یکی از خانه‌های او وارد می‌شدم، همسرانش را از اتاق بیرون می‌فرستاد و با من خلوت می‌کرد، به طوری که جز شخص من کسی دیگر در خدمت آن حضرت نبود.

اما هرگاه رسول خدا به خانه من تشریف می‌آورد، از آن روی که با من به تنهایی سخن گوید، نه فاطمه از کنار ما برمی‌خاست نه هیچیک از فرزندانم.

در چنین دیدارهایی، من هرچه را که از حضرتش می‌پرسیدم جواب کافی دریافت می‌کردم. و چون خاموش می‌شدم و سؤالاتم پایان می‌پذیرفت، آن حضرت خود آغاز سخن می‌کرد.

هیچ آیه‌ای از قرآن بر رسول خدا صلی الله علیه و اله نازل نشد، مگر اینکه برای من خواند و تقریر فرمود تا آن را به خط خود نوشتم و حضرتش تأویل و تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و خاص و عام آن را به من پیاموخت، و از خدای درخواست

کرد که قدرت فهم و حفظ آن را به من مرحمت فرماید.

من، پس از آن دعائی که حضرتش در حق من فرمود، هیچ آیه‌ای از کتاب خدا، و نیز هیچیک از مطالبی را که ایشان املاء کرده و من نوشته بودم، از خاطر نبرده و فراموش نکردم.

در اینجا مناسب است قبل از نقل ادامه این روایت حدیث دیگری را یادآور شویم. در این حدیث ایرادی که بسا به ذهن برخی از خوانندگان نیز خطور نماید، از سوی زید بن علی بن الحسین علیهما السلام (متوفای: ۱۲۰ هـ) پاسخ داده شده است. روایت بدین شرح است:

زید بن علی علیه السلام گفت: امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است:

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۲۶

خواب به چشمانم راه نمی‌یافت مگر اینکه رسول خدا صلی الله علیه و اله آنچه را که جبرئیل در آن روز از موارد حلال و حرام و سنت، یا هرگونه امر و نهی و آنکه اینها درباره چه چیزی و یا چه کسی نازل شده است، به من تعلیم می‌فرمود. به زید گفته شد: وقتی که این دو از یکدیگر دور می‌افتادند و فاصله مکانی مانع دیدارشان می‌گردید، چگونه چنین امری امکان داشت؟ زید پاسخ داد:

پیامبر، روزهایی را که دیدار حاصل نمی‌گردید به خاطر می‌سپرد و هنگامی که امام به حضور حضرتش می‌رسید می‌فرمود: «ای علی، در فلان روز فلان مطلب آمد، و در فلان روز چنین مطالبی بر من نازل شده است» و بدین سان ادامه می‌داد تا به روزی می‌رسید که امام علیه السلام به زیارتش نائل شده بود. «۱» اینک ادامه کلام امام علی علیه السلام در روایت گذشته:

رسول خدا صلی الله علیه و اله همه اوامر و نواهی و حلال‌ها و حرامهای الهی، خواه مربوط به مسائل زمان حال و خواه مربوط به مسائل آینده، و نیز آنچه در کتابهای آسمانی بر پیامبران گذشته نازل شده و از طاعت و معصیت خدا آگاهشان ساخته بود، همه و همه را به من تعلیم فرمود، و من هم تمام آنها را به خاطر سپردم، و حتی یک حرف آن را نیز فراموش نکردم.

(۱) - بصائر الدرجات ص ۱۹۷ ح ۴. در تأیید این حدیث سه روایت در مصادر مکتب خلفا نقل شده است. رجوع شود به سنن نسائی ۱/ ۱۷۸ باب التَّنْحِجُ فِي الصَّلَاةِ، و سنن ابن ماجه كتاب الادب باب الاستذنان، ح ۳۷۰۸، و مسند احمد ۱/ ۸۵ ح ۶۴۷، و ج ۱/ ۱۰۷ ح ۸۴۵ و ۱/ ۸۰ ح ۶۰۸، و تاریخ بخاری ۴/ ۲/ ۱۲۱.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۲۷

سپس دستش را بر سینه‌ام نهاد، و از خدا خواست تا قلبم را از دانش و فهم و حکمت و نور لبریز سازد «۱».

این بود خلاصه‌ای از دیدارهای منظم امام با رسول خدا صلی الله علیه و اله.

ب- مجالس تعلیم و دیدارهای نامنظم امام با رسول خدا:

طی مطالبی که گذشت دیدارهای مرتب و از پیش معین شده امام با رسول خدا صلی الله علیه و اله را، که در کتابهای معتبر هر دو مکتب به ثبت رسیده آوردیم.

اینک با نقل حدیث زیر که در «سنن ترمذی» و دیگر مصادر معتبر مکتب خلفا آمده است، به بررسی دیدارهای نامنظم امام با رسول خدا صلی الله علیه و اله می‌پردازیم.

ترمذی می‌نویسد: از جابر بن عبد الله انصاری «۲» روایت شده است که گفت:

در جنگ طائف رسول خدا صلی الله علیه و اله علی را به حضور طلبید، و با او به نجوا نشست. مردم [از راه خرده گیری گفتند: درگوشی صحبت کردندش با پسر عمویش علی چه طولانی شد!!

(۱) - کافی ۱/ ۶۲-۶۳، وسائل الشیعه (طبع قدیم) ۳/ ۳۹۴ ح ۱، مستدرک الوسائل ۱/ ۳۹۳، احتجاج طبرسی ص ۱۳۴، تحف العقول ص ۱۳۱-۱۳۲، وافی ۱/ ۶۳، مرآة العقول ۱/ ۲۱۰.

در طبقات ابن سعد- از مصادر مکتب خلفا- در قسمت شرح حال امام علی علیه السلام ۲/ ۲/ ۱۰۱ (طبع اروپا) سه حدیث در تأیید این روایت نقل شده است، که یکی از آنها در کتابی مخلوط از احمد بن حنبل به نام «فضائل علی بن ابی طالب» روایت شده است. (۲)- جابر بن عبد الله بن عمر انصاری از اصحاب رسول خدا است که امام باقر علیه السلام را نیز درک کرده است. وفات جابر بعد از سال هفتادم هجرت در مدینه اتفاق افتاد است. تقریب التهذیب ۱/ ۱۲۲.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۲۸

چون این سخن به گوش رسول خدا صلی الله علیه و اله رسید فرمود:

«من از پیش خود با او به نجوا ننشستم، بلکه خداوند است که با او نجوا می کند» (۱).

ترمذی در توضیح این حدیث گفته است: «نجوای خداوند» یعنی خداوند به پیامبرش امر کرده تا با وی به نجوا بنشیند.

حال بینیم واقعا مسأله چه بوده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله بنا به امر پروردگار با پسر عمویش آنهم در جنگ طائف به نجوا نشسته است؟!

آیا این درگوشی صحبت کردن، مشورت جنگی بوده است؟ در حالی که پیامبر در مشورتهایش در جنگها همه را شرکت می داد و با فرد خاصی به مشورت نمی نشست، همچنان که در مورد جنگهای بدر و أحد و خندق و ... این مطلب در تاریخ ثبت شده است. پس ناگزیر باید پذیرفت که این دیدار و دیدارهای نامرتب مانند آن «۲» در ردیف همان دیدارهای منظم روزانه ایشان بوده است. یا جا دارد که بگوییم این دیدارها ممکن است از همان دیدارهایی باشد که «زید بن علی بن الحسین» از آن یاد کرده که اگر بین رسول

(۱) - صحیح ترمذی، کتاب المناقب باب مناقب علی بن ابی طالب ج ۱۳/ ۱۷۳، و تاریخ بغداد ۷/ ۴۰۲.

همین مضمون از جابر بن عبد الله در تاریخ ابن عساکر ۲/ ۳۱۰ و ۳۱۱ و تاریخ ابن کثیر ۷/ ۳۵۶، و اسد الغابه ۴/ ۲۷ نیز نقل شده است. و شبیه آن از جنبد بن ناجیه (یا ناجیه بن جنبد) در کنز العمال چاپ حیدرآباد- ۱۳۱۲ هـ ۶/ ۳۹۹، و چاپ دوم ۱۲/ ۲۰۰ ح ۱۱۲۲، و الریاض النضره ۲/ ۲۶۵ نیز روایت گشته است.

(۲) - از جمله موارد مشابه دیدارهایی است که حضرتش با رسول اکرم صلی الله علیه و اله در مدینه داشته است، و در تفاسیر در ذیل آیه نجوی (مجادله/ ۱۲، ۱۳) بدانها اشاره شده است. برای تحقیق مراجعه کنید به معالم المدرستین ۱/ ۳۲۲.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۲۹

خدا صلی الله علیه و اله و پسر عمویش جدائی می افتاد و چند روزی یکدیگر را نمی دیدند، در نخستین برخورد، رسول خدا صلی الله علیه و اله با امام خلوت می کرد و می فرمود: ای علی! در فلان روز فلان چیز، و در آن روز فلان موضوع بر من نازل شد ... و بدین ترتیب علت طولانی شدن نجوای رسول خدا صلی الله علیه و اله با علی علیه السلام نیز آشکار می گردد.

*** از آنچه تا به اینجا، در این مورد آوردیم، این نتیجه حاصل می شود که دست آورد آن همه دیدارهای مرتب یا نامرتب رسول خدا صلی الله علیه و اله با پسر عمویش علی بن ابی طالب علیه السلام، سپردن همه علوم و دانشهای اسلامی از عقاید و احکام و

غیره به شخص امام علیه السلام بوده است.

پیامبر صلی الله علیه و اله دستور می‌دهد که اولین وصیتش برای دیگر اوصیاء بنویسد

در امالی شیخ طوسی، و بصائر الدرجات، و ینابیع الموده، آمده است: احمد بن محمد بن علی فرزند امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوار خود روایت کرده است:

رسول خدا صلی الله علیه و اله به حضرت علی علیه السلام فرمود:

«آنچه که می‌گویم بنویس.»

علی علیه السلام پرسید: ای رسول خدا، از آن می‌ترسی که فراموش کنم؟ فرمود:

«فراموش نمی‌کنی و از این جهت بر تو بیمی ندارم. من از خدا خواسته‌ام که این علوم را در حافظه‌ات حفظ نماید و دچار فراموشیت نفرماید. بلکه برای شرکایت [در امر امامت بنویس].»

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۳۰

علی پرسید: ای پیغمبر خدا، شرکاء من چه کسانی هستند؟

رسول خدا صلی الله علیه و اله جواب داد:

«امامانی از نسل تو هستند که به برکت آنها باران رحمت بر امت می‌بارد، و به واسطه آنان دعایشان مستجاب می‌شود و به یمن وجود آنهاست که خدا بلاها و آفات را از امت برطرف می‌گرداند، و به خاطر آنها رحمت الهی از آسمان برایشان نازل می‌شود.»

آنگاه با انگشت مبارک به امام حسن اشاره نموده و چنین فرمود: «این نخستین آنان است.»

و سپس اشاره به حسین کرد و گفت: «امامان از نسل او می‌باشند.» (۱)

دو نوع تبلیغ

آنچه خداوند به پیامبر خود صلی الله علیه و اله وحی فرمود، از نظر نحوه ابلاغ آن به دو دسته تقسیم شده است:

دسته اول؛ شامل مواردی بوده که زمان مقتضی برای ابلاغ آنها فرا رسیده و شرایط مناسب برای بیان آنها وجود داشته است. این موارد توسط خود آن حضرت و بدون واسطه به حاضران محضر شریفش ابلاغ می‌گشت.

و اما دسته دوم؛ شامل مواردی بوده که زمان عمل کردن به آن پس از عصر پیامبر صلی الله علیه و اله بوده است. اینها را حضرتش فقط به علی علیه السلام

(۱) - امالی طوسی (چاپ نعمان، نجف سال ۱۳۸۴ ه) ۵۶/۲، بصائر الدرجات ص ۱۶۷، ینابیع الموده قندوزی چاپ دار الخلافه العثمانیه ۱۳۰۲ ه ص ۲۰.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۳۱

تعلیم می‌فرمود، و علی علیه السلام هر دو دسته مطالبی را که توسط رسول خدا صلی الله علیه و اله تبلیغ و بیان می‌شد، در کتابهایی جداگانه به خط خود می‌نوشت.

این برنامه همچنان ادامه داشت ... تا آنکه زمان جدائی دو دوست از یکدیگر، و هنگام وداع وصی با پیامبر صلی الله علیه و اله فرا رسید در این آخرین ساعات حیات، پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در یک جلسه بسیار مهم و اختصاصی آخرین تعلیمات الهی را به امام علیه السلام انتقال داد.

آخرین جلسه تعلیم

عبد الله بن عمرو عاص می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و اله به هنگام آخرین بیماری خود فرمود:

«برادرم را نزد من بخوانید.»

... علی نزد آن حضرت حاضر شد آنگاه پیامبر جامه خود را بر وی افکند و او را پوشانید و خود را کاملاً بدو نزدیک نموده به

آهستگی با وی سخن گفت (۱).

ام سلمه نیز همین داستان را به گونه زیر نقل کرده است: قسم به آن کس که به او سوگند یاد می کنم، همانا علی آخرین کسی بود که با پیامبر خدا صلی الله علیه و اله گفتگو نمود.

صبحگاهی از آن حضرت عیادت نمودیم. ایشان کراراً می پرسید: «آیا علی آمد؟ آیا علی آمد؟»

فاطمه علیها السلام گفت: گویا او را در پی کاری فرستاده بودید؟! مدتی

(۱) - تاریخ ابن عساکر (چاپ بیروت، ۱۳۵۹ ه) ترجمه الامام علی علیه السلام، تاریخ ابن کثیر ۷/ ۳۵۹، کنز العمال (چاپ اول) ۱۶/ ۳۹۲.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۳۲

بعد علی آمد. من دانستم که آن حضرت با علی کاری دارد، و لذا به همراه دیگران از حجره بیرون آمده و در درگاه آن نشستیم. من از دیگران به در اتاق نزدیک تر بودم. رسول خدا صلی الله علیه و اله خود را کاملاً به علی علیه السلام نزدیک فرمود و به نجوا کردن و راز نمودن با وی پرداخت.

آن حضرت صلی الله علیه و اله در همین روز وفات یافت. و بنابراین آخرین کسی که با وی صلی الله علیه و اله گفتگو نمود علی بود (۱).

و سرانجام سخن خود امام علیه السلام را در این باره ملاحظه می نمائیم:

پیامبر خدا صلی الله علیه و اله در آخرین بیماری خود فرمود:

«برادرم را بگوئید نزد من بیایید.»

آنگاه فرمود: «به من نزدیک شو.»

نزدیک حضرتش شدم. آنگاه خود را به من تکیه داد و در همین حالت قرار داشت و با من سخن می گفت - به گونه ای که گاهی قدری از آب دهان مبارکش به من می رسید - تا اینکه سرانجام زمان رحلت رسول خدا صلی الله علیه و اله فرا رسید و در بر من وفات یافت ... (۲)

(۱) - این حدیث در مستدرک حاکم و تلخیص ذهبی ۳/ ۱۳۹ صحیح توصیف شده است. و نیز در مستدرک حاکم ۳/ ۱۴ - ۱۷ باب کان أقرب الناس عهداً برسول الله صلی الله علیه و اله از شرح حال حضرت علی علیه السلام به چند سند روایت گشته است. و در مصنف ابن ابی شیبه ۶/ ۳۴۸، و مجمع الزوائد ۹/ ۱۱۲، و کنز العمال چاپ دوم ۱۵/ ۱۲۸، باب فضائل علی ابن ابی طالب ح ۳۷۴، و تذکره خواص الامه باب حدیث النجوی و الوصیه از فضائل احمد بن حنبل نقل شده است.

(۲) - طبقات ابن سعد باب من قال توفی رسول الله فی حجر علی بن ابی طالب ط اروبا ج ۲/ ۲ ق ۵۱/ ۲.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۳۳

در احادیثی که گذشته دیدیم چگونه رسول خدا صلی الله علیه و اله تمامی علوم و معارف اسلامی را به علی علیه السلام املاء فرمود و در کتابی مدون نزد ایشان به ودیعت نهاد تا به عنوان سندی مکتوب از مجموعه اسلام به امامان از نسل خویش بسپارد.

دوم: اوصیاء پیامبر، آن شریعت را بین مسلمانان در قرنها بعد نشر کردند:

داستان جامعه یا کتاب امام علی:

در کتاب اصول کافی، بصائر الدرجات از قول ابو بصیر «۱» روایتی نقل شده است که ما آن را عینا از «کافی» «۲» نقل می کنیم ابو بصیر گفته است:

خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رسیده عرض کردم:

فدایت شوم، سؤالی دارم؛ آیا اینجا کسی هست که سخنان مرا بشنود؟

امام علیه السلام پرده‌ای را که بین آن اتاق و اتاق مجاور آویخته شده

(۱)- دو نفر به ابو بصیر معروف می باشند که یکی از آنها یحیی پسر ابو القاسم مکنی به ابو محمد و از جمله اصحاب حضرت امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام بوده و مطلقا به او ابو بصیر می گفتند. در اینجا مراد همین ابو بصیر است به کتاب قاموس الرجال مراجعه فرمائید.

(۲)- کافی ۱/ ۲۳۹، بصائر الدرجات ص ۱۵۱- ۱۵۲، وافی ۲/ ۱۳۵. البته این روایت طولانی است و ما به قدر حاجت از آن برگزیده ایم. حدیثی نیز از ابو بصیر روایت شده که با حدیث مزبور در لفظ قدری اختلاف دارد.

رجوع شود به بصائر الدرجات ص ۱۴۹ ح ۱۴، و ص ۱۵۴ ح ۷، و ص ۱۴۲ ح ۱، و وافی ۲/ ۱۳۵.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۳۴

بود کنار زد و در آنجا سرکشید و سپس به من فرمود: «ای ابو محمد! هرچه می خواهی بپرس.»

گفتم: فدایت شوم، شیعیان تو طی احادیثی مدعی اند که رسول خدا صلی الله علیه و اله بابتی از علم به روی علی علیه السلام گشوده است که از آن هزار باب دیگر گشوده می شود.

تا آنجا که امام علیه السلام در پاسخ وی می فرماید:

«ای ابو محمد، ما جامعه داریم و آنها چه می دانند که جامعه چیست.» پرسیدم:

فدای تو کردم جامعه چیست؟ امام علیه السلام فرمود:

«صحیفه‌ای است به درازی هفتاد ذراع به ذراع رسول خدا صلی الله علیه و اله و املائی آن حضرت که همه مطالب آن یک به یک از دو لب مبارک ایشان بیرون آمده و علی علیه السلام آن را به خط خود نوشته است.

در آن صحیفه از هر حلال و حرامی، و از هر آنچه که مردم به آن نیاز داشته و دارند، سخن رفته است، حتی دیه یک خراش سطحی بر پوست بدن.»

آنگاه دست خود را به شانهم زد و فرمود:

«اجازه می دهی ای ابو محمد؟»

جواب دادم: فدای تو کردم تمام وجود من در اختیار تو است هرچه خواهی انجام بده. پس آن حضرت با دست خود فشاری بر

شانه‌ام وارد کرد و فرمود:

«حتی دیه این را!» و این مطلب را قدری غضب آلود فرمود.

من گفتم: به خدا سوگند که این خود علم است و ...

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۳۵

سخن پیرامون «جامعه» و کتاب امام علی علیه السلام در روایات متعددی آمده است، و در اینجا ما به ذکر همین یک روایت بسنده می‌کنیم.

حال به این سخن می‌پردازیم که امامان بعد از امیر المؤمنین علی علیه السلام کتابهای امام به ویژه جامعه را چگونه پس از سپری شدن ایام خویش به امام پس از خود به ودیعت می‌سپردند.

کتابهای امام علی علیه السلام در دست ائمه اهل البیت علیهم السلام

مواریث امامت حسن و امام حسین و امام سجاد علیهم السلام

شیخ کلینی در کتاب اصول کافی از قول سلیم بن قیس «۱» چنین آورده است:

من شاهد وصیت امیر المؤمنین علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام بودم.

آن حضرت پس از انجام وصیت، حسین علیه السلام و محمد حنفیه و همه پسرها و بزرگان شیعیانش و خانواده‌اش را بر آن گواه گرفت. و آنگاه کتاب و سلاح خود را به فرزندش حسن علیه السلام تحویل داد و گفت:

پسرم، رسول خدا به من امر فرموده است که تو را وصی خود گردانم و کتابها و اسلحه‌ام را به تو تحویل دهم همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و اله مرا وصی خود قرار داد و کتابها و اسلحه‌اش را به من سپرد.

و نیز فرمان داده است تا به تو دستور دهم که چون مرگت فرا رسد، آنها را به برادرت حسین علیه السلام تحویل دهی.

(۱) - سلیم بن قیس ابو صادق الهلالی العامری از جمله اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام بوده است که سایر ائمه تا حضرت سجاد علیه السلام را نیز درک کرده است.

قاموس الرجال ۴/ ۴۴۵.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۳۶

سپس امیر المؤمنین علیه السلام روی به جانب حسین علیه السلام کرد و به او فرمود: و رسول خدا صلی الله علیه و اله تو را نیز فرمان داده است که آنها را بدین پسر خویش «علی بن الحسین علیهما السلام» تحویل دهی

سپس دست علی بن الحسین علیهما السلام را گرفت و فرمود: و رسول خدا صلی الله علیه و اله تو را نیز فرمان داده است تا آنها را به پسر محمد تحویل دهی و از جانب رسول خدا صلی الله علیه و اله و من به او سلام برسان «۱».

و باز در کتاب کافی و بصائر الدرجات چنین آمده است حمران «۲» می‌گوید: از ابو جعفر امام باقر علیه السلام در مورد صحیفه مهر و موم شده‌ای که نزد «ام سلمه» به ودیعت نهاده شده بود و مردم درباره آن سخن می‌گفتند سؤال نمودم. امام باقر علیه السلام فرمود:

رسول خدا را چون اجل فرا رسید، علی علیه السلام علم و اسلحه آن حضرت و هر چه را نزد او بود [از مواریث امامت به ارث برد. (این علوم و معارف و سلاح رسول خدا صلی الله علیه و اله همچنان نزد امیر المؤمنین علیه السلام بود) تا اینکه به حسن علیه السلام

و پس از او به حسین علیه السلام رسید. در این موقع چون ما از غلبه دشمنان بیم داشتیم این بود که آنها را [جدم حسین علیه السلام نزد «ام سلمه» به امانت سپرد و بعد از آن علی بن الحسین علیهما السلام آنها را از ام سلمه باز ستاند.

(۱) - کافی ۱/ ۲۹۷ - ۲۹۸، وافی ۲/ ۷۹.

(۲) - ابو حمزه یا ابو الحسن حرمان بن اعین شیبانی مردی تابعی و مورد قبول و اطمینان بود است و از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) روایت کرده است به قاموس الرجال (۴/ ۴۱۳) مراجعه نمائید.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۳۷

من گفتم: بسیار خوب [بنابراین سپس به پدرت رسید و بعد از آن نزد تو بوده و به تو رسیده است.

امام باقر علیه السلام پاسخ داد: آری همین طور است «۱».

و نیز از عمر بن ابان «۲» روایت شده است «۳» که گفت: از حضرت امام جعفر صادق در مورد صحیفه سر بمهری که نزد «ام المؤمنین ام سلمه» به امانت نهاده شده بود، و مردم از آن سخن می گفتند جويا شدم امام در پاسخ فرمود:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و اله در گذشت، علی علیه السلام دانش و سلاح و هر آنچه را نزد آن حضرت بود [از موارث امامت از او به ارث برد و همچنان نزدش بود تا اینکه به فرزندش حسن علیه السلام و بعد از او به حسین علیه السلام رسید.

[در آنجا من صبر نکرده به دنبال سخنان امام عرض کردم: بعد از امام حسین علیه السلام آنها به علی بن الحسین و از او به فرزندش [امام باقر علیه السلام رسید و از او به شما منتقل شده است؟

امام صادق علیه السلام فرمود: آری همین طور است.

در کتاب غیبت شیخ طوسی و مناقب ابن شهر آشوب و بحار الانوار مجلسی از قول فضیل «۴» چنین آمده است: ابو جعفر امام محمد باقر علیه السلام به من فرمود:

(۱) - کافی ۱/ ۲۳۵، بصائر الدرجات ص ۱۷۷ و ۱۸۶ و ۱۸۸ و وافی ۲/ ۱۳۲.

(۲) - ابو حفص عمر بن ابان کلبی کوفی از جمله اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام بوده است، معجم رجال الحدیث ۱۳/ ۱۲.

(۳) - کافی ۱/ ۲۳۶ بصائر الدرجات ص ۱۸۴ و ۱۷۷، وافی ۲/ ۱۳۳.

(۴) - ابو القاسم فضیل بن یسار آزاد کرده "بنی نهد" از اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام بوده است. قاموس الرجال ۷/ ۳۴۷.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۳۸

در همان هنگام که حسین علیه السلام عازم حرکت به سوی عراق بود وصیت نامه پیغمبر صلی الله علیه و اله و کتابها و دیگر اشیاء آن حضرت را به امانت نزد «ام سلمه» گذاشت و به او فرمود: وقتی که پسر بزرگترم به تو مراجعه کرد آنچه را که به تو امانت سپرده‌ام به او تسلیم کن.

پس از اینکه حسین علیه السلام به شهادت رسید علی بن الحسین نزد ام سلمه رفت و آن بانو هم تمامی اشیائی را که حسین علیه السلام به امانت نزدش نهاده بود به امام سجاد علیه السلام تحویل داد «۱».

و نیز در کتاب کافی و اعلام الوری و مناقب ابن شهر آشوب، و بحار الانوار مجلسی، از ابو بکر حضرمی «۲» روایت شده است - لفظ حدیث از کافی است - که امام صادق علیه السلام فرمود:

حسین علیه السلام در آن هنگام که به سوی عراق عزیمت می فرمود، کتابها و وصیت نامه را نزد «ام سلمه» به امانت نهاد.

[اینها همچنان نزد آن بانو بود] تا اینکه علی بن الحسین علیهما السلام بازگشت و «ام سلمه» همه آنها را به وی تحویل داد. «۳»
و البته اینها بغیر از آن وصیتی است که امام در کربلا به همراه آنچه که امامی از امام دیگر به میراث می برد به امامت به دخترش فاطمه سپرد و او بعدها به علی بن الحسین علیهما السلام تحویل داد؛ زیرا در آن ایام امام سجاد علیه السلام به سختی بیمار بود.

(۱) - کتاب الغیبه شیخ طوسی (تبریز - ۱۳۲۳ ه) ص ۱۲۸، مناقب ابن شهر آشوب ۴/ ۱۷۴، بحار الانوار ۴۶/ ۱۸ ح ۳.
(۲) - ابو بکر حضرمی، عبد الله بن محمد نام دارد و از امام صادق علیه السلام احادیث بسیاری روایت کرده است. قاموس الرجال ۱۵/ ۱۶.

(۳) - کافی ۴/ ۱، ۳، اعلام الوری ص ۱۵۲، بحار الانوار ۴۶/ ۱۹. مناقب ابن شهر آشوب ۴/ ۱۷۲.
ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۳۹

مواریث امامت امام محمد باقر علیه السلام

در کافی و اعلام الوری و بصائر الدرجات و بحار الانوار از قول عیسی بن عبد الله «۱» از پدرش از جدش چنین آمده است:
در بستر مرگ امام سجاد علی بن الحسین علیهما السلام به فرزندانش که پیرامون او گرد آمده بودند نظری افکند و سپس چشم به فرزندش محمد بن علی [امام باقر علیه السلام] انداخت و به او فرمود: «محمد! این صندوق را بگیر و به خانه خود ببر.»
سپس امام به سخن خود ادامه داده فرمود:

«در این صندوق به هیچ عنوان دینار و درهمی وجود ندارد بلکه آکنده از علوم است.» «۲»

و نیز در بصائر الدرجات و بحار الانوار از همین عیسی بن عبد الله بن عمر روایت شده است که امام صادق علیه السلام فرمود:
پیش از آنکه علی بن الحسین علیهما السلام بدرود حیات گوید سبب یا صندوق را حاضر کرده به فرزندش فرمود: محمد این صندوق را ببر. او نیز صندوق را توسط چهار نفر حمل نمود و برد.

چون امام سجاد در گذشت، عموهایم برای گرفتن سهم خود از محتویات آن صندوق به پدرم مراجعه کرده گفتند: بهره ما را از آن صندوق بپرداز!

امام باقر در پاسخ آنها فرمود: «به خدا قسم که شما را نصیبی

(۱) - عیسی بن عبد الله بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام که به او هاشمی می گفتند از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده و احادیث بسیاری از آن حضرت روایت کرده است.

قاموس الرجال ۷/ ۲۷۵ - ۲۷۶.

(۲) - کافی ۱/ ۳۰۵ ح ۲، اعلام الوری ص ۲۶۰، بصائر الدرجات ص ۴۴ بحار الانوار ۴۶/ ۲۲۹، وافی ۲/ ۸۳.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۴۰

در آن نیست. اگر شما را بهره ای در آن می بود آن را [پدرم به من تحویل نمی داد].

[سپس امام صادق علیه السلام اضافه کرده می فرماید:]

«در آن صندوق سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله و کتابهای او قرار داشت.» «۱»

مواریث امامت امام صادق علیه السلام

در بصائر الدرجات از قول زراره «۲» آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: هنوز امام باقر علیه السلام حیات داشت که آن مواریث و کتابها به من منتقل شد. «۳»

مواریث امام موسی بن جعفر علیه السلام

در کتاب غیبت نعمانی، و بحار انوار مجلسی از قول حماد صائغ آمده است که گفت: در آن مجلسی که مفضل بن عمر مسائلی را از ابو عبد الله امام صادق علیه السلام می پرسید حاضر بودم ... در این هنگام ابو الحسن موسی [امام کاظم علیه السلام وارد شد. امام صادق علیه السلام رو به مفضل کرده پرسید:

- (۱) - کافی ۱/ ۳۰۵ ح ۱، وافی ۲/ ۸۲، بصائر الدرجات ص ۱۶۵، اعلام الوری ص ۲۶۰، بحار الانوار ۴۶/ ۲۲۹.
 - (۲) - زراره ابو الحسن و نام او عبد ربه، فرزند اعین آزاد کرده بنی شیبان کوفی بوده و از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. وی در سال ۱۵۰ ه وفات نموده است. قاموس الرجال ۴/ ۱۵۴.
 - (۳) - بصائر الدرجات ص ۱۵۸ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۶.
- ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۴۱
«دوست داری که مالک کتاب علی [بعد از من را بینی؟»
مفضل پاسخ داد: چه از این بالاتر و بهتر!
امام اشاره به امام کاظم کرده فرمود: «این وارث و مالک کتاب علی است.» «۱»

مواریث امام رضا علیه السلام

در کافی و ارشاد مفید و غیبت شیخ طوسی و بحار الانوار از امام کاظم علیه السلام روایت شده که فرمود: فرزندم علی بزرگترین فرزند من، نیکترین آنان در نظر من، محبوبترینشان برای من می باشد. او در کنار من به کتاب جعفر نگاه می کند؛ و هیچ کس جز پیغمبر یا وصی پیغمبر بدان نظر نکرده است «۲».

امامان مکتب اهل البیت به «جامعه» مراجعه می کنند

نخستین امامی که به کتاب امیر المؤمنین علیه السلام اشاره کرده و از آن سخن گفته است، امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام می باشد.
این مطلب در کتابهای کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب، معانی الاخبار، و وسائل آمده است، و ما آن را از کتاب کافی نقل می کنیم.
از ابان تغلب «۳» روایت شده که گفت:

- (۱) - کتاب الغیبه نعمانی ص ۱۷۷، بحار الانوار ۴۸/ ۲۲ ح ۳۴.
- (۲) - اصول کافی ۱/ ۳۱۱، ارشاد مفید ص ۲۸۵ «الغیبه» شیخ نعمانی ص ۲۸، و وافی ۲/ ۸۲. و نیز رجوع کنید به بصائر الدرجات ص ۱۶۴ ح ۷ تا ۹.

(۳) - ابان بن تغلب بن ریاح، ابو سعید بکری از موالی بنی جریر است که از امامانی چون حضرت سجاد علیه السلام و حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق (ع) روایت کرده است. او -

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۴۲

از علی بن الحسین علیه السلام در مورد کسی سؤال شد که درباره مقداری از مال خود وصیت کرده است. [یعنی به طور مبهم وصیت کرده است که قدری از مال مرا به فلان مصرف برسانید، ولی مقدار آن را مشخص نکرده و عبارتی مانند «شیء من مالی» به کار برده است.]

آن حضرت در پاسخ فرمود:

«شیء» در کتاب علی علیه السلام یک ششم محسوب می شود. «۱»

و نیز در کتابهای خصال، و عقاب الاعمال و وسائل الشیعه، از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

در کتاب علی علیه السلام آمده است:

سه خصلت است که دارنده آن نمی میرد مگر اینکه وبال و زیان آنها را در ایام حیات خود ببیند. آنها عبارتند از؛ سرکشی، بریدن از بستگان و خویشاوندان و سوگند دروغ ... «۲»

امام صادق علیه السلام نیز در مورد اثبات اول ماه با رؤیت هلال به کتاب امیر المؤمنین علیه السلام اشاره فرموده است. «۳»

بجز مواردی که ذکر شد، ما خود سی و نه مورد دیگر از روایت‌هایی که در آنها دو امام بزرگوار، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام

- به کسانی که از روایت احادیث امام صادق علیه السلام به سرزنش برخاستند گفته است:

چطور به خود اجازه می دهید مرا از روایت احادیث مردی سرزنش کنید که از او سؤالی نکردم مگر اینکه در پاسخ فرمود: رسول خدا فرمود ...

(۱) - کافی ۷ / ۴۰ ح ۱، من لا یحضره الفقیه ۴ / ۱۵۱، معانی الاخبار ص ۲۱۷، تهذیب ۹ / ۲۱۱ ح ۸۳۵، وسائل الشیعه ۱۳ / ۴۵۰ ح ۱.

(۲) - خصال شیخ صدوق ص ۱۲۴، عقاب الاعمال شیخ صدوق ص ۲۶۱، وسائل الشیعه ۱۶ / ۱۱۹.

(۳) - استبصار شیخ طوسی ۳ / ۶۴، وسائل الشیعه ۷ / ۱۸۴.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۴۳

از کتاب امیر المؤمنین علی علیه السلام سخن گفته‌اند به دست آورده‌ایم. «۱»

گذشته از اینها مواردی نیز بوده است که همین دو امام بزرگوار عین کتاب امیر المؤمنین را بیرون آورده متن آن را برای برخی از اصحاب خود چون زراره، محمد بن مسلم «۲» عمر بن اذینه «۳» ابو بصیر، و ابن بکیر «۴» و عبد الملک بن اعین «۵» و متعب «۶» خوانده‌اند «۷».

و نیز گاهی دیده شده است که امام باقر و امام صادق علیه السلام کتاب امیر المؤمنین را در برابر پیرامون مکتب خلفا گشوده و مطالبی از آن را به ایشان نشان داده‌اند. حدیث زیر مبین همین مطلب است.

نجاشی روایت کرده است که:

عذافیر صیرفی «۸» در معیت حکم بن عتیبه «۹» به خدمت امام

(۲) - ابو جعفر اوقص، محمد بن مسلم بن ریاح طحان، از امام باقر علیه السلام روایت کرده و مؤلف کتاب "اربعمائه مسأله فی ابواب الحلال و الحرام" بوده است. وفاتش در سال ۱۵۰ هجری است. قاموس الرجال ۸ / ۳۷۸.

(۳) - می گویند نامش محمد بن عمر بن اذینه بوده که نام پدرش بر نام خودش پیشی گرفته است. وی از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده است. معجم رجال الحدیث ۱۳ / ۲۱.

(۴) - ابن بکیر، ابو علی عبد الله بن بکیر بن اعین شیبانی است. از ثقات می باشد و از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. قاموس الرجال ۵ / ۳۹۹.

(۵) - عبد الملک بن اعین، ابو فراس شیبانی است که از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت کرده و در زمان امام صادق علیه السلام از دنیا رفته است. قاموس الرجال ۶ / ۱۸۱.

(۶) - متعب آزاد کرده، امام صادق علیه السلام است منصور دوانیقی خلیفه عباسی فرمان داد تا او را هزار تازیانه بزنند که بر اثر آن درگذشت. قاموس الرجال ۹ / ۴۷.

(۷) - برای ملاحظه روایات مربوطه مراجعه کنید به معالم المدرستین ۲ / ۳۳۹ - ۳۴۳.

(۸) - عذافر بن عیسی خزاعی صیرفی است که از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است. قاموس الرجال ۶ / ۲۹۵.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۴۴

باقر علیه السلام رسیدند. حکم آغاز سخن کرد و مسائلی را مطرح ساخت و امام با اینکه دیدار حکم را خوش نداشت، او را پاسخ می داد تا اینکه در مسأله ای بینشان اختلاف نظر افتاد [و حکم پاسخ امام را نپذیرفت. در این هنگام امام باقر علیه السلام روی به فرزند خود کرده فرمود: «پسرم برخیز و آن کتاب علی علیه السلام را بیاور.» فرزندم امام فرمان برد و کتابی بزرگ که طوماروار روی هم پیچیده شده بود پیش روی آن حضرت نهاد. امام آن را گشود و به جستجوی مسأله مورد بحث پرداخت تا آن را بیافت و سپس فرمود:

«این املاء رسول خدا صلی الله علیه و اله و خط علی علیه السلام است.»

سپس روی به حکم کرده و فرمود:

«ای ابو احمد تو و سلمه «۱» و ابو المقدام «۲» به هر طرف که می خواهید، به شرق و به غرب بروید به خدا سوگند علمی از

- حکم بن عتیه کوفی است که از امام باقر و صادق علیه السلام روایت نقل کرده است. حکم به سال ۱۱۳ یا ۱۱۴ یا ۱۱۵ در سن شصت سالگی درگذشت. اصحاب صحاح در مکتب خلفا احادیث او را آورده اند. قاموس الرجال ۳ / ۳۷۵، و تهذیب ۱ / ۲۹۲

(۱) - سلمه بن کهیل، ابو یحیی حصرمی کوفی است. امام باقر و امام صادق علیهما السلام را درک کرده است. قاموس الرجال ۴ / ۴۳۹.

(۲) - ابو المقدام، ثابت بن هرمز آهنگر پارسی است. امام باقر و امام صادق علیه السلام را درک کرده است. او، و سلمه از «بتریه» بودند که مردم را به ولایت علی علیه السلام دعوت می کردند. درحالی که امامت ابو بکر و عمر را نیز قبول داشتند و عثمان و طلحه و زبیر و عایشه را دشمن می داشتند. اینها معتقد به خروج با اولاد علی بن ابی طالب علیه السلام بوده در این راه امر به معروف و نهی از منکر هم می کردند و هر کدام از اولاد علی علیه السلام را که بر حاکم زمان می شورید و خروج می کرد. امام می دانستند. قاموس الرجال ۲ / ۲۸۷ - ۲۸۹.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۴۵

این مطمئن تر که نزد ما خانواده است و جبرئیل بر ما فرود آورده، نزد هیچ کس دیگر نخواهید یافت.» «۱»

دوازده امام اهل البیت علیهما السّلام گاه می‌شد که حکم مسأله‌ای را از کتاب امام علی بن ابی طالب علیه السّلام می‌گفتند و به کتاب امام تصریح می‌کردند و گاهی نیز همان حکم را بدون اینکه نامی از کتاب امام علی علیه السّلام ببرند بیان می‌داشتند که ما این مطلب را در کتاب «معالم المدرستین» (۲) شرح داده‌ایم.

از همین روست که تمامی احادیث ائمه اهل البیت علیهم السّلام را سندی واحد است، و احادیث آنها باهم از یک ریشه برخاسته، و از یگانگی کامل باهم برخوردارند.

هشام بن سالم (۳) حماد بن عثمان (۴) و دیگران روایت کرده‌اند که ابو عبد الله امام صادق علیه السّلام فرمود:

حدیث من حدیث پدرم می‌باشد؛ و حدیث پدرم، حدیث جدم. و حدیث جدم، همان حدیث حسین است. و حدیث حسین، حدیث حسن است؛ و حدیث حسن حدیث امیر المؤمنین، حدیث رسول خدا؛ و حدیث رسول خدا، سخن خدای عز و جل می‌باشد. (۵) و از همین جهت بود که امام باقر علیه السّلام در پاسخ جابر بن عبد الله-

(۱)- رجال نجاشی ص ۲۷۹.

(۲)- معالم المدرستین ۲/۳۴۴.

(۳)- هشام بن سالم، ابو محمد جوالمقی کوفی است. از امام صادق روایت کرده و کتابی نیز تألیف کرده است. قاموس الرجال ۹/۳۵۷.

(۴)- حماد بن عثمان فزاری از امام صادق و امام کاظم و امام رضا علیه السّلام روایت کرده است. قاموس الرجال ۳/۳۹۷.

(۵)- کافی ۱/۵۳، ارشاد مفید ص ۲۵۷.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۴۶

که از حضرتش خواسته است: هر وقت برایم حدیثی بیان می‌فرمائید، اسناد آن را هم برایم بگوئید- فرمود:

پدرم، از جدم از رسول خدا از جبرئیل از جانب خدای عز و جل برایم چنین حدیث کرد. و هر حدیثی که من برای تو می‌گویم، همین اسناد است. (۱)

و از همین روی بود که ابو عبد الله امام صادق علیه السّلام به «حفص بن بختری» (۲) فرمود:

آنچه از من شنیده‌ای می‌توانی آن را از جانب پدرم روایت کنی. و آنچه را که از من شنیده‌ای مجازی تا از جانب رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت کنی (۳).

و شاعر در همین زمینه چه نیکو سروده است که:

ووال أناسا قولهم و حدیثهم روی جدنا عن جبرئیل عن الباری

یعنی: پس دوستی و پیروی کسانی را پیشه کن که گفتار و حدیث آنان چنین است: جد ما، از جبرئیل، از خداوند متعال روایت کرده است.

(۱)- امالی مفید ص ۲۶.

(۲)- حفص بن بختری بغدادی، در اصل کوفی، از جمله اشخاصی است که از امام جعفر صادق علیه السّلام روایت کرده است و دارای کتابی نیز می‌باشد. قاموس الرجال ۳/۳۵۵.

(۳)- وسائل الشیعه ج ۳/۳۸۰ ح ۸۶، کتاب القضاء ج ۱۸/۷۴ ح ۸۶ ط بیروت دار احیاء التراث العربی.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۴۷

تا اینجا مشخص ساختیم که ائمه اهل البیت علیهما السّلام عملاً چگونه امت اسلامی را آگاه می‌ساختند که ایشان وارثان پیغمبر در علوم و معارف اسلامی هستند و این علوم را علی علیه السّلام به خط خود و املاء رسول خدا صلی الله علیه و آله در کتابی ویژه مدوّن ساخته است.

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۴۹

فهرست

مقدمه ۵

مقدمه ۷

پاسخ به گفتارهای آقای بلوچ ۱۱

موضوع اول: سنّی شدن فردی از شیعه ۱۳

نامه‌های برخی از دانشمندان سنّی که شیعه شده‌اند ۱۴

از کشور مغرب ۱۴

از کشور مصر ۱۷

از یک مؤسسه فرهنگی ۲۰

نامه مرحوم سعید ایوب، نویسنده و اندیشمند مصری ۲۲

موضوع دوم: بررسی مباحث امامت و مهدویت ۲۷

امامت در کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۸

پیشگفتار اول: قرآن و سنت پیامبر مکمل یکدیگرند ۲۹

پیشگفتار دوم: پیش‌بینی پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۱

پیشگفتار سوم: اهتمام رسول خدا به موضوع تعیین ولی امر پس از خود ۳۷

بحث تعیین وصی پیامبر و امام امت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله ۴۱

امامت علی علیه السلام در قرآن از کتب مکتب خلفا ۴۱

ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۵۰

یکم: در سال سوم بعثت ۴۱

دوم: در غزوه تبوک ۴۵

تفصیل این داستان ۴۶

حاملان علوم پیغمبر صلی الله علیه و آله ۴۸

سوم: در غدیر خم ۵۲

تاجی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز بر سر امام نهاد ۵۷

روایات صحیحه مکتب خلفا در دوازده وصی داشتن پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و نص صریح پیامبر صلی الله علیه و آله بر تعداد

امامان علیه السلام ۵۹

۱- روایاتی که امامت عموم اهل البیت را اثبات می‌کند ۵۹

حدیث ثقلین ۶۰

- ۲- روایاتی که در آن عدد امامان تعیین شده است ۶۳
امامان دوازده گانه در تورات ۶۷
فشرده احادیث گذشته ۷۱
حیرت علما در تفسیر این حدیث ۷۲
اسامی دوازده نفر در مکتب خلفا ۸۰
معرفی امامان دوازده گانه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و اله ۸۳
امام اول: امیر المؤمنین علی علیه السلام ۸۳
امام دوم: حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام ۸۴
امام سوم: حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام ۸۴
امام چهارم: علی بن الحسین علیه السلام ۸۵
امام پنجم: محمد بن علی علیه السلام ۸۵
امام ششم: جعفر بن محمد علیه السلام ۸۶
امام هفتم: موسی بن جعفر علیه السلام ۸۶
امام هشتم: علی بن موسی علیه السلام ۸۶
امام نهم: محمد بن علی علیه السلام ۸۷
امام دهم: علی بن محمد علیه السلام ۸۷
امام یازدهم: حسن بن علی علیه السلام ۸۸
امام دوازدهم: حضرت حجت بن الحسن - عجل الله فرجه ۸۸
تنبيه و توضیح مهم ۸۹
ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت، ص: ۱۵۱
مفهوم حقیقی این روایات ۸۹
چگونه و چرا این احادیث از تحریف مصون مانده‌اند؟ ۹۱
پاسخ گفتار دوم آقای بلوچ ۹۳
الف: در قرآن کریم ۹۴
مهدی علیه السلام همانم رسول خدا صلی الله علیه و اله است ۹۵
مهدی از اهل بیت علیهم السلام است ۹۶
مهدی از فرزندان فاطمه علیها السلام است ۹۷
مهدی از فرزندان حسین علیه السلام است ۹۷
پاسخ گفتار سوم آقای بلوچ ۱۲۳
یکم: پیامبر شریعت اسلام را به اوصیاء خود تبلیغ فرماید ۱۲۴
الف- مجالس تعلیم منظم ۱۲۴
ب- مجالس تعلیم و دیدارهای نامنظم امام با رسول خدا ۱۲۷
پیامبر دستور می‌دهد که اولین وصییش برای دیگر اوصیاء بنویسد ۱۲۹